



سپاس از خوانندگان و کاربران
ما از شما که هر ماه مبلغی هر چند اندک برای کمک به ادامه انتشار رسانه‌ی خودتان می‌پردازید از صمیم قلب سپاسگزاریم.
تنها پشتیبانان کیهان لندن
شما خوانندگان و کاربران هستید.
روزنامه نگاران و کارکنان کیهان لندن

سرمقاله

اگر دولت بخواهد...!

با آغاز دومین دوره ریاست جمهوری حجت‌الاسلام حسن روحانی و دولت دوازدهم، موضوع حصر «رهبران جنبش سبز» در صدر اخبار و مطالبات قرار گرفت. رفع حصر یکی از وعده‌های دولت یازدهم نیز بود. اما روحانی که با کلیدی بزرگ برای حل مشکلات ریز و درشت کشور آمده بود، حتی قفل حصر را نیز «نتوانست» باز کند.

دولت‌هایی که پس از طرح پروژه‌ی امنیتی و استراتژیک «اصلاحات» روی کار آمدند نه تنها از مدعیان اصلاحات بلکه از اصولگرایانی مانند احمدی‌نژاد و تیم‌اش نیز زیاد شنیده‌ایم که: نگذاشتند، نشد، که همزمان بیانگر «نتوانستن» و ناتوانی دولت، از هر جناحی که باشد، نیز هست. آیا این ناتوانی که هر دولتی از هر جناحی با آن روبرو می‌شود، نشانه‌ی «توازن قدرت» است یا انسداد حاکمیت؟!

دو نمونه از این خواستن‌ها و نشدن‌ها را در همین روزهای نخستین دولت دوازدهم از دو مقام‌ظاهرا مهم شنیدیم. یکی حسن روحانی بود که در مجلس شورای اسلامی در معرفی وزرای خود گفت که حتی سه زن را نیز برای مقام وزارت در نظر گرفته بود اما «نشد»! در حالی که همین در زمان احمدی‌نژاد، شد! دیگری، سخن سیدعلیرضا آوایی وزیر دادگستری جدید است که روز جمعه ۳ شهریور ۹۶ در گفتگو با خبرگزاری ایسنا درباره پیگیری تقاضای مهدی کروبی برای برگزاری دادگاه علنی گفت که اگر دولت «چنین تقاضایی داشته باشد» و بخواهد «که موضوع را از قوه قضاییه پیگیری کنم حتما این کار را انجام می‌دهم» و به درستی افزود: «چون وظیفه‌ی من پیگیری همین موضوعات و هماهنگی میان قوه قضاییه و دولت در امور قضایی است.»

به این ترتیب معلوم می‌شود دولت تا کنون درباره این موضوع تقاضایی در نهاد مسئول خود مطرح نکرده و نخواسته است. هم رییس دولت و هم وزرایش چه درباره حصر و چه زندانیان سیاسی و عقیدتی مرتب اصل تفکیک قوا را یادآوری کرده‌اند بدون اینکه به روی خود بیاورند اولاً چنین اصلی در جمهوری اسلامی یک مضحکه و دروغ بیش نیست زیرا خود قوه قضاییه دستورها و مجوزهای قوه مجریه را نادیده می‌گیرد و قوانین مصوبه‌ی قوه مقننه را نقض می‌کند در حالی که هیچ کدام از این دو قوه حتی از اختیارات قانونی خود در رابطه با قوه قضاییه نمی‌توانند استفاده کنند! دلیل‌اش را باید در این واقعیت یافت که جز «قوه قضاییه» که همان دستگاه اجرای احکام شرع است، هم قوه مجریه و هم قوه مقننه و هم اصل تفکیک قوا از پدیده‌های مدرن هستند که جایی در حکومت اسلامی ندارند و وجود صوری آنها به دلیل انقلاب مشروطه و رشد ایران تا قبل از انقلاب، به جمهوری اسلامی و مشروطه‌خواهانش تحمیل شده است.

این است که ما در یک انسداد تاریخی، در دایره‌ی عبارات «اگر دولت بخواهد»، «نشد»، «نگذاشتند» و... دور خود می‌چرخیم. زیرانظام دینی، آن هم از نوع بدخیم و ولایت مطلقه فقیه، در قرون وسطا هم راهی جز به انسداد نبرد، چه برسد در قرن بیست و یکم!

ایران در محاصره نظامی آمریکا

● افزایش حضور ارتش آمریکا در افغانستان، بازگشت نیروهای پنتاگون به عراق، حضور روزافزون سربازان آمریکایی در سوریه و همچنین حضور نظامی این کشور در حاشیه جنوبی خلیج فارس، موقعیت دلنشینی برای جمهوری اسلامی ایران ترسیم نمی‌کند



تفسیر سیاسی هفته‌وار در صفحه ۲ پخوانید

حجت شرعی: امضای ولی فقیه زیر فرمان حصر



حدود هفت سال از حصر مهدی کروبی، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد می‌گذرد و هر قدر تلاش‌ها برای آزادی و یا تعیین تکلیف آنها بیشتر می‌شود، حکومت همچنان انعطافی نسبت به روشن شدن وضعیت آنها نشان نمی‌دهد. طی این هفت سال هیچ تغییری در کلیت مسئله‌ی حصر اتفاق نیفتاده، اما تغییراتی جزئی در حاشیه‌ی آن پدید آمده که ملموس است از جمله تغییر کلام آنهایی که به کمتر از «عدم» برای محصورین راضی نمی‌شدند و حالا کمتر روی اجرای حکم اشد مجازات برای آنها تأکید می‌کنند. همچنین طرح مسئله‌ی رفع حصر آنقدر نسبت به گذشته گسترش یافته که از یک سو دست مراجع قضایی و امنیتی را برای برخورد‌های قهری و پلیسی بسته، و از سوی دیگر حکومت و رهبری آن مجبور به توضیح و توجیه هستند. در صفحه ۲

مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری: پروژه‌ی امنیتی که عمر «نظام» را دوده‌ی بیمه کرد

در صفحه ۱۶

در این شماره می‌خوانید:

صفحات ۸ و ۹	● فرونت: چگونه می‌توانیم ایران را از تبدیل شدن به کره شمالی بازداریم؟
● «زن روز» و «مرد روز»	صفحه ۱۲
● دو قرن فرازونشیب مطبوعات در ایران (۳۳) - احمد احرار	صفحه ۱۴
● گلی که نشان بهار می‌شود - داریوش همایون	صفحه ۱۳
● سرگرمی - جدول - سودوکو	صفحه ۱۴
● خاطرات اردشیر زاهدی (۴)	صفحه ۱۵
● صفارهرندی: نیاید زرادخانه‌ها را تعطیل کنیم، آمریکا صدام را خلع سلاح کرد و عراق تسخیر شد!	صفحه ۱۶
● یغما فسخامی روزنامه‌نگار و ترانه‌سرای منتقد بازداشت شد	صفحه ۱۷
● صادق خلخالی یک قاتل بود	صفحه ۱۸

مسابقات کشتی فرنگی قهرمانی جهان - پاریس:
سه مدال برنز برای ایران

رونالدو بهترین فوتبالیست سال اروپا

لیگ قهرمانان اروپا
تیم‌های برتر قاره سبز رقیبان خود را شناختند

مسابقات کشتی آزاد جهان - پاریس
حسن یزدانی مدال طلا گرفت

کارلوس کیروش:
در ایران رفتارها به خاطر کم‌فرهنگی رادیکال است

سه بار اعدام برای خفاش جاده‌ها، تجاوز به نه زن در چهل روز

در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684

Fax: 0044(0)20 3633 3685

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید:

کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید

www.kayhan.london

email: ads@kayhan.london

ایران در محاصره نظامی آمریکا

● **افزایش حضور ارتش آمریکا در افغانستان، بازگشت نیروهای پنتاگون به عراق، حضور روزافزون سربازان آمریکایی در سوریه و همچنین حضور نظامی این کشور در حاشیه جنوبی خلیج فارس، موقعیت دلنشینی برای جمهوری اسلامی ایران ترسیم نمی کند**

که این واقعه زندگی او را تغییر داد و از آن زمان خواهان «گوشمالی» جمهوری اسلامی است که از دیدگاه او باعث «مرگ همقطاران» شده است. در بازگشت از این ماموریت و تا زمانی که در پنتاگون خدمت می کرد، استیو بنن تلاش داشت گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران روی میز قرار گیرد. پس از کناره‌گیری از پنتاگون نیز به تلاش‌هایش ادامه داد. تلاش‌هایی که البته هرگز نتیجه‌ای ندادند. استیو بنن پیروزی دونالد ترامپ را فرصتی برای پیش بردن سیاست‌هایی می‌دید که دیگر روسای جمهور آمریکا هرگز در نظر نگرفته بودند.

بازگشت نظامیان آمریکایی به عراق

همزمان با اعلام تقویت حضور نظامی آمریکا در افغانستان، جیمز متیس وزیر دفاع آمریکا، در سفری از پیش اعلام نشده راهی عراق شد. جیمز متیس در این سفر، در بغداد با حیدر العبادی نخست‌وزیر عراق، و در اربیل با مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان، دیدار و گفتگو داشت. این سفر چند روز پس از آغاز عملیات نظامی نیروهای عراقی، با پشتیبانی مشاوران آمریکایی، برای آزادسازی تلعفر، صورت گرفت. تلعفر آخرین شهر مهم عراق است که هنوز کنترل آن در دست ستیزگران حکومت اسلامی است. بیش از ۶۰ درصد جمعیت این شهر دویست‌هزار نفری را ترک‌ن‌های سنی تشکیل می‌دهند. ترک‌ن‌ها در عراق، پس از عرب‌ها و کردها، سومین گروه قومی به حساب می‌آیند. حدس زده می‌شود که هنوز بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ داعشی در این شهر حضور دارند. نیروهایی که برای آزادسازی تلعفر بسیج شده‌اند، علاوه بر ارتش عراق و پلیس فدرال این کشور، نیروهای حشدالشعبی را نیز دربر می‌گیرد که شبه‌نظامیان شیعه و تحت حمایت حکومت ایران هستند.

اقلیم کردستان، ترکیه و ترک‌ن‌های عراقی، با حضور نیروهای بسیج مردمی یا حشدالشعبی در جنگ با داعش در تلعفر مخالفانند. آیدین معروف، یکی از پنج نماینده ترک‌ن در پارلمان اقلیم کردستان، به کیهان لندن می‌گوید «ما از تلاش برای آزاد سازی تلعفر توسط ارتش عراق استقبال می‌کنیم، ولی نگران حضور حشدالشعبی در این عملیات هستیم». آیدین معروف در ادامه می‌افزاید: «ما در موصل شاهد بودیم که شبه‌نظامیان شیعی پس از خروج ستیزگران داعش، چند صد سنی را متهم به همکاری با حکومت اسلامی کرده و بدون محاکمه آنها را اعدام کردند. واهمه داریم که

متیس در بغداد نگرانی کاخ سفید از حضور پررنگ ایران را نیز به مقامات عراقی منتقل کرد. هدف دیگر بازگشت نظامی آمریکا به این کشور، محدود ساختن حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران است.

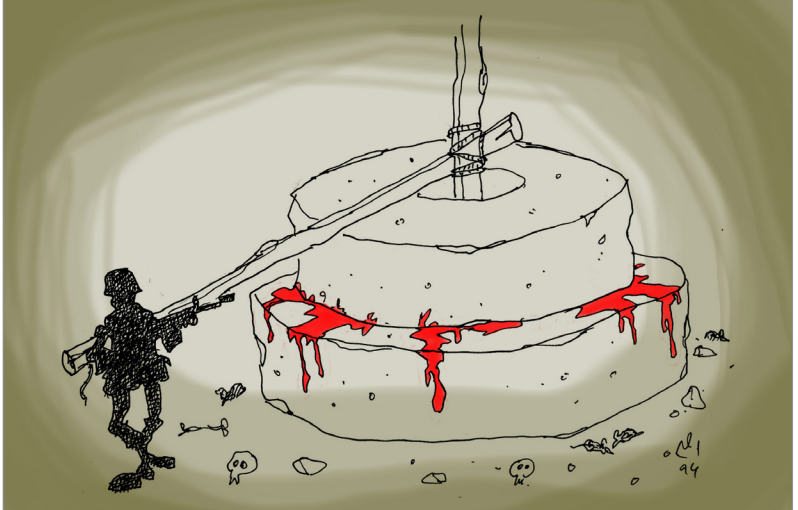
اسرائیل نگران حضور ایران در سوریه

حضور و نفوذ ایران در سوریه نیز یکی دیگر از نگرانی‌های آمریکا و به ویژه اسرائیل است. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، در ۴امین سفر خود به روسیه از سپتامبر ۲۰۱۵، در سوچی با ولادیمیر پوتین ملاقات کرد. رئیس موساد، نهاد امنیتی اسرائیل، و رئیس شورای امنیت ملی اسرائیل، نخست‌وزیر این کشور را در سفر به روسیه همراهی می‌کردند. رسانه‌های اسرائیلی می‌نویسند، بنیامین نتانیاهو در دیدار با ولادیمیر پوتین «تلاش مشترک برای شکست حکومت اسلامی» را بسیار مهم ارزیابی کرد، ولی افزود «متأسفانه شکست حکومت اسلامی راه را برای نفوذ جمهوری اسلامی ایران باز می‌کند». نخست‌وزیر اسرائیل در نشست مطبوعاتی مشترک با ولادیمیر پوتین گفت «ما نمی‌توانیم حتی برای یک دقیقه هم فراموش کنیم که جمهوری اسلامی هر روز تهدید به نابودی اسرائیل را تکرار کرده و به سازمان‌های تروریستی برای اقدام علیه، ما کمک نظامی، مالی و تسلیحاتی می‌کند». هنوز بنامین نتانیاهو از سفر به سوچی بازنگشته بود که بار دیگر یکی از مقامات جمهوری اسلامی اسرائیل را تهدید به نابودی کرد. عبدالرحیم موسوی فرمانده جدید ارتش که در قم صحبت می‌کرد، گفت: «رژیم صیہونیستی به همت مجاهدانی چون شهید حججی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید». عبدالرحیم موسوی در ادامه صحبت‌هایش آمریکا را نیز تهدید کرد: «لااوردان کشورمان چون شهید حججی دست کوتاه رژیم صیہونیستی و آمریکای جنایتکار را کوتاه‌تر خواهند کرد». محسن حججی، بسیجی اعزامی به سوریه، در مرداد امسال، در منطقه مرزی بین سوریه و عراق، توسط حکومت اسلامی به اسارت گرفته شد و پس از دو روز به قتل رسید.

حضور آمریکا در مرزهای ایران

با افزایش حضور ارتش آمریکا در افغانستان، بازگشت نیروهای پنتاگون به عراق، حضور روزافزون سربازان آمریکایی در سوریه، و با توجه به حضور نظامی این کشور در حاشیه جنوبی خلیج فارس، می‌توان گفت که حضور نیروهای اسلامی ایران در محاصره قرار گرفته است. با توجه به افزایش روزمره تنش در منطقه، یک جرقه می‌تواند آتش جنگی دیگر را شعله‌ور سازد. برای این چنین احتمالی است که جمهوری اسلامی نیز با تغییراتی در راس ارتش تلاش دارد خود را آماده این جنگ احتمالی کند.

برای اولین بار پس از سال‌ها، در دولت جدید



در تلعفر نیز این جنایات تکرار شوند.»

منابع ترک می‌گویند در جریان دیدار اخیر که رئیس جمهور ترکیه با محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران داشت، نگرانی خود از حضور حشدالشعبی در عملیات آزادسازی تلعفر را پنهان نکرده است. رجب طیب اردوغان به محمد باقری گفته است «تلعفر شهری ترک‌ن و سنی است و ما هیچ‌گونه اقدامی توسط حشدالشعبی علیه اهالی این شهر را تحمل نخواهیم کرد». البته محمد باقری تضمین داده است که حشدالشعبی پس از آزاد سازی تلعفر وارد این شهر نخواهد شد. حال باید دید محمد باقری تا چه حد می‌تواند برای حشدالشعبی، که توسط نیروهای قدس و قاسم سلیمانی راه‌اندازی شده است، تعیین تکلیف کند.

جیمز متیس در جریان دیدار اخیر خود از بغداد و گفتگو با مقامات عراقی، پیشنهاد کرد نیروهای آمریکایی پس از آزادسازی مناطقی که هنوز تحت کنترل حکومت اسلامی هستند، در این کشور برای جلوگیری از بازگشت آنها باقی بمانند. البته هدف آمریکا از حضور نظامی در عراق، تنها مقابله با خطر احتمالی بازگشت داعش نیست. جیمز

تحوالات بسیاری در خاورمیانه در جریان هستند که می‌توانند در آینده‌ای نه چندان دور، چهره این منطقه را به شدت تغییر دهند. البته هنوز برای پیش‌بینی کیفیت این تغییرات بسیار زود است و مشخص نیست که آیا به بهبود وضعیت کنونی و ثبات نسبی منطقه خواهند انجامید، یا اینکه باید در انتظار انفجاری مهیب بود.

دونالد ترامپ که در دوران کارزار انتخاباتی، و حتی در بدو ورود به کاخ سفید، خواهان خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان بود و تنها جنبه مثبت سیاست هشت ساله باراک اوباما را افراخواندن سربازان آمریکایی از عراق می‌دانست، در چرخشی که البته نمی‌توان آن را غیرمنتظره خواند، اعلام کرد کشورش حضور نظامی خود در منطقه را افزایش خواهد داد.

افزایش نیروهای آمریکایی در افغانستان سربازان آمریکایی نه تنها افغانستان را ترک نخواهند کرد، بلکه بر مبنای اظهارات اخیر دونالد ترامپ بر شمار آنها افزوده خواهد شد. رئیس جمهوری آمریکا دلیل افزایش نیروهای آمریکایی در افغانستان را جلوگیری از قدرت گرفتن گروه‌های ستیزگر اعلام کرد. دونالد ترامپ، که پس از برگزاری نشست در کمپ دیوید در رابطه با استراتژی آمریکا در افغانستان صحبت می‌کرد، افزود خروج سربازان آمریکایی از این کشور وضعیت را به قبل از ۱۱ سپتامبر برمی‌گرداند و تروریست‌ها خواهند توانست خلاء ایجاد شده را پر کنند. ترامپ با اشاره به اینکه در گذشته خواهان خروج نظامیان آمریکایی از افغانستان بوده است، گفت که بعد از ورود به کاخ سفید متوجه شده است باید دیدگاهش را تغییر دهد. او در ادامه، خروج عجلانه نظامیان آمریکایی از عراق در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما را نیز «شش‌ماه بزرگ» خواند که باعث «بر باد رفتن دستاوردهای آمریکا شد» و این کشور را به دست «دشمنان آمریکا» سپرد. اگرچه دونالد ترامپ نامی از این «دشمنان» نبرد، ولی واضح است که اشاره‌اش تنها به حکومت اسلامی (داعش) نبوده و جمهوری اسلامی ایران را نیز شامل می‌شود. دونالد ترامپ در توجیه تصمیم افزایش حضور نظامیان آمریکایی در افغانستان گفت: «این کشور برای تامین امنیت خود با دشمنی در حال جنگ است که تهدیدی جدی برای امنیت آمریکان نیز می‌باشد». رئیس جمهور آمریکا در ادامه افزود «هر اندازه نیروهای امنیتی افغانستان قوی‌تر شوند به همان اندازه این خطر برای امنیت آمریکا نیز کاهش خواهد یافت.»

استیو بنن، قربانی تغییر سیاست کاخ سفید اولین قربانی تغییر سیاست آمریکا در قبال افغانستان، استیو بنن، استراتژیست ارشد کاخ سفید است. در آستانه اعلام افزایش حضور نظامی آمریکا در افغانستان، سخنگوی کاخ سفید خبر از برکناری استیو بنن داد. این مشاور راست‌گرای دونالد ترامپ، که به گفته خودش نقش عمده‌ای در پیروزی رئیس جمهوری کنونی در انتخابات نوامبر ۹۶ داشته است، مخالف افزایش حضور نظامیان آمریکایی در افغانستان بود و پیشنهاد می‌کرد تامین امنیت در کابل و دیگر ولایت‌های این کشور به «کنتراکتورها»، یا گروه‌های شبه نظامی خصوصی سپرده شود.

خروج استیو بنن از کاخ سفید، بدون شک بر سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران نیز تاثیرگذار خواهد بود. در ماه‌های اخیر استیو بنن در تلاش بود کاخ سفید را متقاعد به خروج از برجام، یا توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با گروه ۱+۵ سازد. نظری که در کاخ سفید مخالفان بسیاری داشت. جیمز متیس وزیر دفاع، رگس تیلرسون وزیر خارجه، هوبرت مک‌مستر مشاور امنیت ملی و جان کلی مدیر اجرایی کاخ سفید، از جمله مخالفان خروج از برجام هستند. با برکناری استیو بنن، موقعیت حامیان برجام در کاخ سفید و دولت آمریکا تحکیم می‌شود. البته عدم خروج از برجام را نباید با سیاست مماشات با جمهوری اسلامی ایران اشتباه گرفت.

استیو بنن و ایران

رابطه استیو بنن با ایران به سال‌های اول انقلاب بازمی‌گردد. در زمان اشغال سفارت آمریکا در تهران و گروگان‌گیری دیپلمات‌های این کشور، استیو بنن در نیروی دریایی خدمت می‌کرد و در ماموریتی در خلیج عمان بسر می‌برد. هلی‌کوپترهایی که برای انجام عملیات آزاد ساختن گروگان‌ها راهی ایران بودند و در طیس گرفتار توان شن شدند، از ناوگانی برخاسته بودند که استیو بنن در آن مشغول خدمت بود. استیو بنن در برخی از مصاحبه‌هایش می‌گوید

حجت شرعی: امضای ولی فقیه زیر فرمان حصر

● **نظام تلاش می‌کند در مسئله حصر خود را مدّبر و حاکم بر اوضاع نشان دهد، اما این بحران به زخمی کهنه در پیکر نظام تبدیل شده**
● **نتیجه حصر، گسستی عمیق در ارکان جمهوری اسلامی است؛ نه مرجعیت یک‌صداست و نه انقلابیون موضع مشترک دارند**

مدعیان رفع حصر همان‌هایی هستند که موسوی و کروبی را «باران امام» در آن «دوران طلایی» می‌دانند، «مامی» که خود کارنامه‌های سیاه در حصر مراجع منتقد داشت. همچنان که روزنامه‌ی جوان نزدیک به سیاه در یکی از گزارش‌های خود درباره‌ی حصر، ماه‌ها پیش خطاب به کروبی نوشت که اگر دوران طلایی امام بود همه‌تان را اوزبان می‌کردند. محسن مجتهد شبستری، جعفر سبحانی، صافی گلپایگانی، حسین نوری همدانی، احمد خاتمی، احمد جنتی، احمد علم‌الهدی، سید محمد مهدی حسینی همدانی، علی رازینی و خیلی‌های دیگر جزو پیاده نظام این نظرنده.

نادیده گرفتن مخالفان

دست‌های دیگر، مراجع و روحانیونی هستند که از قدیم با علی خامنه‌ای زاویه داشتند و حتی مرجعیت او را هم به تمسخر گرفته و از آغاز اعتراضات سال ۸۸ از موسوی و کروبی و به طور کلی «سبزها» حمایت کردند. حسینعلی منتظری، یوسف صاغی، اسدالله بیات زنجانی و سیدمحمدعلی دستغیب و اکبر هاشمی رفسنجانی و سیدمحمد خاتمی که هر دو از سوی ولایت‌ها مأموم به فتنه‌گری شدند و بیت روح‌الله خمینی به میدان‌داری سید حسن خمینی و بیت منتظری به میدان‌داری احمد منتظری، خانواده‌ی سید محمد بهشتی و سید محمود طالقانی، منتقدین و مخالفین حصر هستند. نزاع بین اینان بر سر حصر انقدر زیاد شد که با حکم حکومتی مرجعیت بعضی مراجع مخالف حصر را از آنان گرفتند و بایکوت‌شان کردند تا آنجا که حتی صدلی آنان در مجلس خبرگان و همچنین آسایش آنها در حریم و خانه‌شان را با تجمع و تظاهرات بسیجی‌ها گرفتند.

باین حال آنها عقب‌نشستند و ۲۹ مرداد ۹۶ آیت‌الله دستغیب از مراجع بلندپایه در نامه‌ای به دیگر مراجع نوشت که طبق موازین شرع، حبس و حصر بدون ارائه دلایل، شرعی نیست و از هم لباسان خود خواست پس از هفت سال نظر فقهی‌شان را درباره حصر بی‌محاکمه روشن کنند.

از ددرس‌های دیگر حصر برای نظام گسست در بین وفاداران به انقلاب است که دامنه‌ی آن نه تنها به مجلس و دولت بلکه حتی به نهادهای امنیتی و سپاه کشیده شده است.

کارگرد حزب‌ی سپاه وقوه قضاییه در مسئله حصر

در حالی که برخی سران سپاه مخالف رفع حصر هستند، یدالله جوانی، مشاور نماینده ولی فقیه اخیراً در یادداشتی در روزنامه جوان نوشته سپاه در یادداشتی یادآوری کرده «تبرئه سران فتنه در گرو اثبات درستی ادعای تقلب است و آقایان فتنه‌گر اگر نتوانند ادعای خود را ثابت کنند، آنگاه مسئول همه خسارات وارد شده به کشور و مردم خواهند بود». محمد نقدی، حسن فیروزآبادی، غلام‌حسین

حدود هفت سال از حصر مهدی کروبی، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد می‌گذرد و هر قدر تلاش‌ها برای آزادی و یا تعیین تکلیف آنها بیشتر می‌شود، حکومت همچنان انعطافی نسبت به روشن شدن وضعیت آنها نشان نمی‌دهد.

طی این هفت سال هیچ تغییری در کلیت مسئله‌ی حصر اتفاق نیفتاده، اما تغییراتی جزئی در حاشیه‌ی آن پدید آمده که ملموس است از جمله تغییر کلام آنهايي که به کمتر از «اعدام» برای محصورین راضی نمی‌شدند و حالا کمتر روی اجرای حکم اشد مجازات برای آنها تاکید می‌کنند. همچنین طرح مسئله‌ی رفع حصر انقدر نسبت به گذشته گسترش یافته که از یک سو دست مراجع قضایی و امنیتی را برای برخورد‌های قهری و پلیسی بسته، و از سوی دیگر حکومت و رهبری آن مجبور به توضیح و توجیه هستند.

در این میان، موافقان حصر نیز دو گروه شده‌اند؛ گروه اول آنهايي که به عقب‌نشستن نظام در مقابل آنچه جریان «فتنه» و این سه نفر را رهبر آن می‌دانند تأکید می‌کنند. اینان همان‌هایی هستند که «توبه» را تنها شانس برای رهایی این سه نفر می‌دانند و به اینکه نظام قاطع و مقتدر در مقابل آنها ایستاده افتخار می‌کنند.

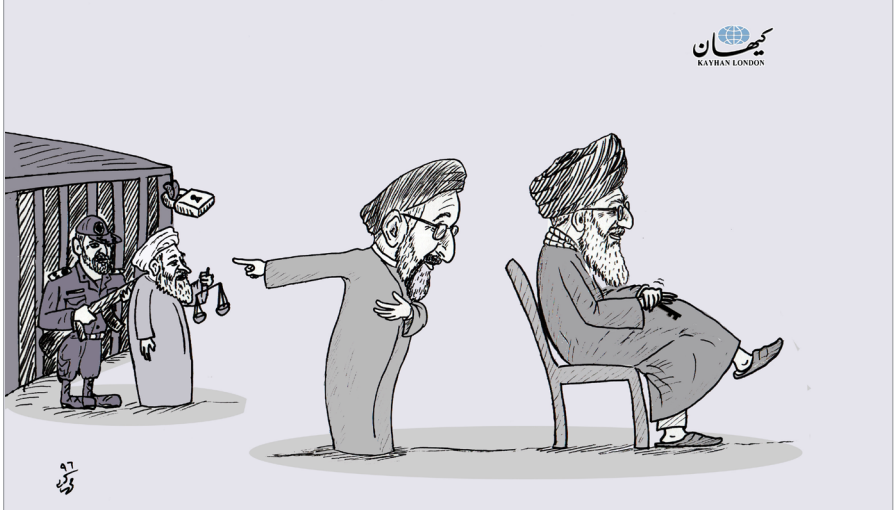
گروه دوم آنهايي هستند که دست‌کم در حرف نسبت به گروه اول رؤف‌ترند و اینکه کروبی، موسوی و رهنورد در خانه محصورند را تجلی رحم و شفقت اسلامی نظام می‌دانند و مدعی هستند که «لطف» نظام شامل حال آنان شده چون اگر به هر دلیل آنها آزاد شوند مردم و امت حزب‌الله دمار از روزگارشان در می‌آورند. آنها بر اساس مدعیات خامنه‌ای، تبلیغ می‌کنند که در واقع نظام با آگاهی از مسائل امنیتی به نفع محصورین عمل کرده که آنها را رفع حصر نمی‌کند. مخالفان حصر را هم می‌توان در دو گروه دسته‌بندی کرد. دسته‌ی اول خیل عظیم حامیان این سه نفر و یا مخالفان و منتقدین نظام، آزادی‌خواهان و فعالین و نهادهای حقوق‌بشری هستند که از اساس با به بند کشیدن منتقدین و دگراندیشان توسط حکومت مخالفانند و رژیم ترجیح می‌دهد صدای آنها را نشنود یا اگر شنید سفت در مقابل‌شان بایستند.

اما دسته دوم آنهايي هستند که حصر ابرازنده‌ی نظام نمی‌داند و اگر مخالف حصر ندیشتر از آنکه نویدبخش آزادی و رهایی باشند دل‌نگران مخدوش شدن چهره جمهوری اسلامی در افکار عمومی و عرصه بین‌المللی هستند. شاید اگر قرار باشد گشایشی هم در روشن شدن تکلیف محصورین پدید آید، این گروه نفوذ بیشتری برای تغییر این وضعیت دارند. افرادی مثل علی مطهری از این زاویه با موضوع حصر برخورد می‌کنند که از یک سو به دلیل پیشینه‌ی خانوادگی مورد اعتماد نظام هستند و از سوی دیگر به حلقه‌ی درونی قدرت وابسته‌اند و برای آن دلسوزی می‌کنند.

حصر چه با تعبیر ولایتی‌ها، تجلی رأفت نظام خوانده شود و چه به تعبیر منتقدان، ظلم بر منتقدینی به شمار رود که تنها خواست‌شان برپایی دادگاه صالح است، چندبعد کتمان‌ناپذیر دارد. هر قدر نظام با تمام قوا خود را در مسئله‌ی حصر مدبر و مدبر بشمارد، اما در عمل بار سنگینی بر دوش می‌کشد که نه جرات دارد آن را زمین بگذارد و از شر آن راحت شود و نه اعلام کند که دیگر یارای کشاندن آن را ندارد و راهی برای میانجیگری و مصالحه بجوید و حتی فرمالیته آن را حل و فصل کند.

استدلال به مثابه یک برگ برنده

از ددرس‌های حصر برای نظام ایجاد شکافی در مرجعیت، روحانیت و نهادهای دینی و حوزه‌ها بود. بخشی از مراجع که به تبعیت از اصل ولایت فقیه از همان ابتدا پشت علی خامنه‌ای ایستاده‌اند و حتی در پاسخ به آنهايي که می‌گفتند «حصر غیر شرعی» است، می‌گویند علی خامنه‌ای خود سال‌هاست مرجع تقلید است و برداشت‌های فقهی او برای مقلدان‌شان حجت شرعی دارد. موافقان حصر حتی تأکید کردند که خامنه‌ی نه تنها شرعاً دستش برای حصر باز است، بلکه چون رهبری جامعه اسلامی را دارد «حاکم زمان» است، همچنان که روح‌الله خمینی از چنین اختیاراتی برخوردار بود و چنین کرد. این استدلال هر چه نداشته باشد، اما یک چیز دارد: بخش عمده‌ی



غیب‌پرور، محمدعلی جعفری و خیلی‌های دیگر سردارانی هستند که بویی از انعطاف نبرده‌اند و مدام درباره‌ی فتنه و لزوم حصر مصاحبه و سخنرانی دارند. در مقابل حسن علایی و علی شمخانی و حتی قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس سازشان با ساز جمع کوک نیست. خانواده‌ی سپاهیان بلندپایه و سرداران جنگ مثل خانواده باقری و همت هم سفره‌ی خود را از سفره نندروهای سپاه جدا کرده‌اند و گروهی هم مثل محسن رضایی باتکلیف‌اند.

در جمهوری اسلامی ایران قوه‌ی قضاییه نیز کارکردی حزبی دارد و نه تنها قادر به انجام وظیفه‌ی خود بر اساس اصول استقلال و عدالت نیست بلکه گوش به فرمان خامنه‌ای است و به همین دلیل هم دادگاهی برای موسوی و کروبی برگزار نمی‌کند که هیچ تازه علیه آنها نیز تبلیغات می‌کند. در آخرین اظهار نظر، موسی غضنفرآبادی، رییس دادگاه انقلاب تهران درخواست‌ها برای رفع حصر و محاکمه محصورین را «حرف بیگانگان» دانسته و گفته «حرف دلسوزان نظام نیست». او حتی پیش از برگزاری هیچ دادگاهی حکم محصوران را صادر کرده و مدعی شده آنان از درخواست محاکمه خود «پشیمان» خواهند شد، زیرا «دادگاه و نظام با کسی تعارف ندارد و وظیفه قانونی خود را با قاطعیت، قدرت و دقت انجام می‌دهد!»

برزو فارسی

گفتگوی آمانو و هیلی در وین: تحقیق درباره‌ی پایبندی ایران به برجام و آزمایش موشک‌های بالستیک



دیدار سفیر آمریکا در سازمان ملل و مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در وین

پیش از این، دیدار آمانو و هیلی با انتقاد وزیر خارجه ایران روبرو شد و او در نامه‌ای به مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به سفر سفیر آمریکا به وین درباره برجام اعتراض کرد. او در این نامه نوشت تبلیغات واشنگتن درباره سفر یک مقام دولت این کشور به وین برای گفتگو درباره برجام «پیامدهای زیان‌باری» برای اجرای موفقیت‌آمیز این توافق هسته‌ای دارد. محمد جواد ظریف در این نامه تأکید کرده بود «حتی قبل از انجام این سفر، نحوه برنامه‌ریزی‌ها و تبلیغات پیرامون آن و علامت‌هایی که این سفر ارسال می‌کند، پیامدهای زیان‌بار قابل توجهی برای اجرای موفقیت‌آمیز برجام در پی خواهد داشت».

هیلی در واکنش به نامه ظریف به واشنگتن پست گفته بود «برایم جالب است که ایران تا این حد نگران سفر من به وین است. اگر چیزی برای پنهان کردن ندارند، نباید نگران پرسش‌های من از آژانس باشند».

ایالات متحده تحریم‌های جدیدی را علیه ایران آغاز کرده است که مربوط به آزمایش موشک‌های بالستیک، نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم است. توافق اتمی در سال ۲۰۱۵ هیچ ارتباطی با این موارد ندارد. مسئله اینجاست که پایبند نبودن ایران به توافق هسته‌ای و همزمانی آن با آزمایش موشک‌های بالستیک نقض توافق اتمی محسوب می‌شود.

گری سبک، محقق ارشد در دانشگاه کلمبیا که در شورای امنیت ملی تحت ریاست فورد، کارتر و ریگان خدمت کرده است، به CBS گفته که آمریکا و هم‌پیمانان غربی آن همگی نگران این شرایط هستند و می‌خواهند ایران حداقل آزمایش‌های بالستیک را کنار گذارد. گری سبک معتقد است فشارها بر ایران همچنان باید ادامه داشته باشد. در مقابل، ایران باور دارد که ترامپ اهل مذاکره نیست و می‌خواهد گفتگوها را به سمتی پیش ببرد که جای هیچ مذاکره‌ای باقی نماند.

● گری سبک معتقد است فشارها بر ایران همچنان باید ادامه داشته باشد.
● دیدار آمانو و هیلی در وین با اعتراض رسمی ایران روبرو شده است.

نیکی هیلی، سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحد در وین با یوکیا آمانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) دیدار و درباره میزان پایبندی ایران به توافق اتمی او گفتگو کرده است. آمریکا به دنبال آن است تا پس از آزمایش‌های موشک بالستیک، فشار بر ایران برای پایبندی بیشتر به برجام را افزایش دهد. به گزارش CBS نیکی هیلی در سفر خود به وین با گروهی از کارشناسان فنی ناظر بر توافق اتمی نیز دیدار و پس از گفتگوها اعلام کرده که آمریکا به شدت نگران است که رژیم ایران به طور کامل پایبند به مفاد توافق اتمی نباشد. یکی از مأموریت‌های هیلی این است که کشورهای دیگر را متقاعد کند که ایران تا حدودی پایبند به این توافق نبوده و تحقیقات درباره راستی آزمایشی را بیشتر کنند.

این سفر در شرایطی صورت گرفته که جدال لفظی بین مقامات جمهوری اسلامی ایران و ترامپ بالا گرفته و علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان اتمی ایران نیز روز سه‌شنبه در هشدارهای تهدیدآمیز اعلام کرده که ایران اگر تصمیم بگیرد طرف پنج روز به اورانیوم غنی‌شده ۲۰ درصدی دست پیدا می‌کند.

بر اساس توافق اتمی ایران از دستیابی به اورانیوم ۲۰ درصدی منع شده، چون احتمال می‌رفت از آن برای ساخت سلاح اتمی استفاده کند.

و ایزوله خواهد شد. نتیجه از این هم بدتر می‌شود: برای بازگرداندن ایران نه بازرسی‌ای وجود خواهد داشت و نه تحریم‌هایی که آن را تحت فشار قرار دهد. آمریکا به زودی خود را در بحرانی خواهد دید که امروز با کره شمالی تجربه می‌کند: ایرانی با چندین بمب هسته‌ای و نیروی موشکی موثر، خطر جنگ با ایران نیز یک فاجعه‌ی دیپلماتیک جهانی بسیار شدید به دنبال خواهد داشت.

یکی از اهداف دیپلماسی موثر این است که از شرایطی که تنها گزینه‌های آن سرنگونی یا جنگ است اجتناب شود. گاهی سازش ناقص بهترین راه برای جلوگیری از چنین معضلاتی است. دولت بوش این واقعیت را در سیاست خارجی خود در مورد کره شمالی نادیده گرفت و امروز جهان دارد با عواقب آن دست و پنجه نرم می‌کند. اکنون بر بستری جهانی که شاید حتی خطرناک‌تر و غافلگیرکننده‌تر از چیزی باشد که در سال ۲۰۰۲ رخ داد، دیگر وقت تکرار همان اشتباهات پیشین نیست.

فرونه: چگونه می‌توانیم ایران را از تبدیل شدن به کره شمالی بازداریم؟



بخش عمده‌ی فعالیت‌های اتمی ایران پس از برجام متوقف شد، اما جمهوری اسلامی بارها تهدید کرده در صورتی که آمریکا توافق را نقض کند ظرف چند ساعت غنی‌سازی اورانیوم از سر گرفته می‌شود

دو راکتور بزرگتر دیگر را متوقف کرده بود، ذخایر مواد هسته‌ای خود را نیز تسلیم کرد و به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه نظارت بر امکانات هسته‌ای خود را داد. در عوض به کره شمالی وعده‌ی راکتورهای آب شیرین‌مقاوم در برابر تکثیر و عرضه‌ی بیشتر نفت و همچنین اطمینان از عدم حمله‌ی آمریکا و چشم‌انداز روابط دیپلماتیک کامل با ایالات متحده داده شد. برآوردها این است که بدون این محدودیت‌ها و با همان سرعت اصلی که برنامه‌ی هسته‌ای کره شمالی پیش می‌رفت، این کشور می‌توانست صدها کیلوگرم پلوتونیوم و ده‌ها بمب دیگر تولید کند.

اما این روند ادامه نیافت و بخشی از آن به سبب این بود که دولت جرج دبلیو بوش بر سر کار آمد و تصمیم گرفت چارچوبی را که بر سر آن موافقت شده بود از بین ببرد. این اتفاق در سال ۲۰۰۲ رخ داد و هیچ برنامه‌ی جایگزینی برای آن ارائه نشد و صرفاً به مفاهیم مبهم و خصمانه علیه کره شمالی بسنده گشت. پیونگ یانگ بلافاصله و قطعانه واکنش نشان داد و راکتورهای اصلی خود را به کار انداخت و بازرسان آژانس را اخراج کرد و ۸۰۰۰ مایل سوخت هسته‌ای را برای بازفراوری آماده به کار کرد و از بیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز خارج شد. این کشور برنامه‌ی هسته‌ای خود را از سر گرفته و تا کنون ادامه داده است؛ چیزی که مستقیماً به بحران کنونی منجر شده است.

این در حالیست که به نظر می‌رسید کره شمالی در سال ۱۹۹۴ فقط یک یا دو بمب پلوتونیومی داشته باشد. اما امروز برآوردها خبر از ۱۳ تا ۳۰ و به روایتی بیش از ۶۰ سلاح اتمی می‌دهند. این اتفاق درس روشنی برای ما داشت: توافق هسته‌ای ناقص اما کاربردی را بدون آمادگی برای پیامدهای آن از بین نبرید. در بخشی از این گزارش آمده اگر برجام کنار گذاشته شود، چیزی مشابه قضیه‌ی کره شمالی در انتظار آمریکا خواهد بود. آمریکا ممکن است به طور یک‌جانبه از

● خطر جنگ با ایران یک فاجعه‌ی دیپلماتیک جهانی بسیار شدید به دنبال خواهد داشت.
● احتمال دارد در صورت نادیده گرفتن برجام از سوی آمریکا، ایران به صورت مخفی فعالیت‌های اتمی خود را دنبال کند.
● دیپلماسی موثر این است که از شرایطی که تنها گزینه‌های آن سرنگونی یا جنگ است اجتناب شود.

اخبار جدید درباره‌ی کره شمالی، یعنی خبر تسریع برنامه هسته‌ای و لفاظی‌های دو آتش و تهدید جنگ، نشانگر یکی دیگر از بحران‌های خطرناک بین‌المللی در دهه‌های اخیر است.

پایگاه خبری فرونت در تحلیلی با اشاره به بحران موشکی کره شمالی و مقایسه آن با وضعیت ایران نوشته، تراژدی بزرگ این است که ایالات متحده ۲۵ سال پیش توافقنامه‌ی را برای محدود کردن برنامه هسته‌ای پیونگ یانگ به مذاکره گذاشته بود، اما تندرورها در آمریکا از مفاد آن ناراضی بودند و این توافق را با هدفی مبهم در جهت تحمیل توافق بهتری به کره شمالی ترک کردند. هدفی که هیچ‌گاه به آن نرسیدند و اکنون آمریکا با خطری جدید در مورد برنامه‌ی هسته‌ای کره شمالی مواجه است.

همه‌ی اینها درس‌های مهمی برای یکی دیگر از کارزارهای اساسی سیاست خارجی آمریکا به همراه دارد: تجربه‌ی آمریکا با کره شمالی دلیلی قوی برای حفظ توافق هسته‌ای با ایران است.

نویسنده‌ی این گزارش میشل مازار گفته توافقنامه‌ی هسته‌ای ایران، برجام، موضوع انتقادات تند و شدید رییس‌جمهوری آمریکا و طیف وسیعی از دست‌اندرکاران امنیت ملی این کشور است. گزارش‌ها حاکی از آن است که بعضی افراد در دولت ترامپ اعلام کرده‌اند که قصد نابود کردن معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران را دارند. در گزارشی آمده بود که ترامپ مستقل از کانال‌های بین‌المللی به برخی از همکارانش دستور نوشتن پرونده‌ی را داده تا از شر برجام خلاص شود و معامله‌ی بهتری را به ایران تحمیل کند. اما قبلاً هم به این نقطه رسیده بودیم و پرونده‌ی کره شمالی نشان می‌دهد که عقب‌نشینی از محدودیت ناقص اما مفید بر سر راه برنامه‌ی هسته‌ای یک کشور تا چه اندازه می‌تواند خطرناک باشد.

ایالات متحده در دهه‌ی ۹۰ میلادی در رابطه با برنامه‌ی هسته‌ای کره شمالی، با این کشور وارد مذاکره شد و «چارچوب موافقت‌شده» را در اکتبر ۱۹۹۴ ایجاد کرد. کره شمالی یکی از راکتورهای هسته‌ای خود و ساختن

کره شمالی تهدید کرده سلاح‌های هسته‌ای خود را به سوریه و ایران خواهد فروخت



در مورد روابط موشکی ایران و کره شمالی گزارش‌ها کم نیست، حتی منابع امنیتی آمریکا گزارش دادند که ایران و کره شمالی موشک‌های ساخت یکدیگر را آزمایش کرده‌اند

موشکی خود شود. امیلی لاندو گفته وزیر امور خارجه آمریکا در مورد تحریم‌های جدید کره شمالی گفت تحریم‌های جدید می‌تواند کره شمالی را پای مذاکره با آمریکا بکشانند. او تأکید کرده آمریکا هیچ عمل تحریم‌آمیزی علیه کره شمالی در آن منطقه از کره زمین انجام نداده و امیدوار است که آن کشور سیگنال‌هایی را که آمریکا برای آنها فرستاده تا تنش‌ها کاهش یابد دریافت کند.

یک کارشناس امنیتی گزارش داده که با وجود تحریم‌های آمریکا، کره شمالی اقدام به فروش تجهیزات مربوط به سلاح‌های هسته‌ای به ایران و سوریه می‌کند. به گزارش اکسپرس، این کارشناس نظامی هشدار داده اگر دونالد ترامپ تحریم‌های کره شمالی را سنگین‌تر کند، آنها بدون نگرانی سلاح‌های اتمی خود را به دشمنان آمریکا می‌فروشند. با افزایش تنش میان رهبران کره شمالی و آمریکا، کیم جونگ اون، رییس‌جمهوری کره شمالی تهدید کرده بود که یک حمله موشکی به جزیره گوام که آمریکا در آن پایگاه نظامی دارد ترتیب خواهد داد. ترامپ نیز متقابلاً اعلام کرد هرگونه تهدیدات موشکی کره شمالی و حمله احتمالی را با برخورد نظامی قاطع پاسخ خواهد داد.

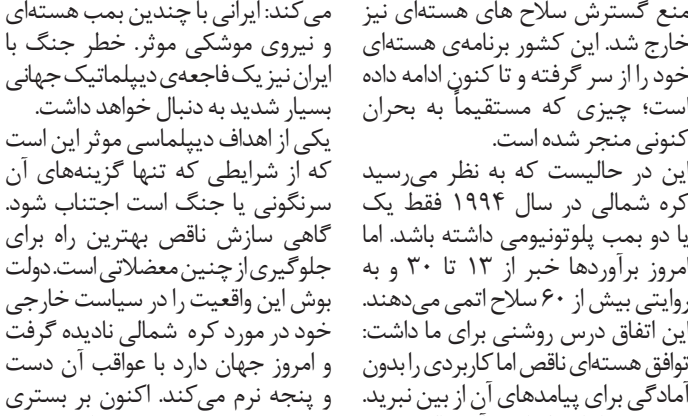
همچنین دور پنجم تحریم‌های روسیه و چین به عنوان حامیان اصلی رژیم کره شمالی را در نظر خواهد گرفت تا با این تحریم‌ها مانع از به راه افتادن جنگ جهانی سوم شود. این تحریم‌ها شامل ۱۰ شرکت و شش نفر از افراد مرتبط با رژیم کره شمالی هستند و در جهت آن است که روابط اقتصادی‌ای را که کره شمالی از آنها برای تقویت نظامی خود بهره می‌گیرد تضعیف کند.

امیلی لاندو، رییس برنامه نظارت بر تسلیحات در موسسه مطالعات امنیت ملی آمریکا (INSS) هشدار داده که تحریم‌های ترامپ می‌تواند باعث شود کره شمالی مجبور به فروش سلاح‌های خود برای تأمین مالی فعالیت‌های

● کارشناسان سیاسی نظامی در مورد تحریم‌های کره شمالی توسط آمریکا اظهارات متفاوتی دارند.
● امیلی لاندو، رییس موسسه آی‌ان‌اس‌اس می‌گوید تحریم‌ها باعث می‌شود کره شمالی برای بدست آوردن پول نقد اقدام به فروش سلاح‌های موشکی و اتمی کند.

● کره شمالی تهدید کرده سلاح‌های هسته‌ای خود را به سوریه و ایران خواهد فروخت

صربستان قانون اخذ ویزای توریستی برای اتباع ایران را لغو کرد



شهروندان ایران از این پس نیازی به دریافت ویزا برای سفر به صربستان ندارند.

و هند برای سفر توریستی به این کشور اروپایی اعلام شد. به گفته دولت صربستان، ورود گردشگران ایران و هند و سرمایه‌گذاران بالقوه این کشور، فضای اقتصادی مطلوبی را برای صربستان ایجاد خواهد کرد و باعث رشد مناسبات دو کشور خواهد شد.

بر اساس آمار موجود، مراودات اقتصادی ایران و صربستان در حدود ۲۰ میلیون دلار، و هند و صربستان در حدود ۱۵۰ میلیون دلار است.

جمهوری صربستان با جمعیت ۱۰ میلیون نفر در جنوب شرقی اروپا قرار دارد، پایتخت آن بلگراد است و از شمال با مجارستان، از شرق با رومانی و بلغارستان، از غرب با مونته‌نگرو، کرواسی و بوسنی هرزگوین و از جنوب با آلبانی و مقدونیه همسایه است.

● به گفته دولت صربستان، ورود گردشگران ایران و سرمایه‌گذاران بالقوه این کشور، فضای اقتصادی مطلوبی را برای صربستان ایجاد خواهد کرد و باعث رشد مناسبات دو کشور خواهد شد.

بر اساس اعلام دفتر مطبوعاتی دولت صربستان، شهروندان ایران از این پس نیازی به دریافت ویزا برای سفر به صربستان ندارند.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، این تصمیم در نشست روز سه‌شنبه، ۳۱ مرداد، دولت جمهوری صربستان اتخاذ شد و علت آن توجه به منافع گردشگری و جلب شهروندان ایران

دارالترجمه بین‌المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

صربستان قانون اخذ ویزای توریستی برای اتباع ایران را لغو کرد

● شهروندان ایران از این پس نیازی به دریافت ویزا برای سفر به صربستان ندارند.

● به گفته دولت صربستان، ورود گردشگران ایران و سرمایه‌گذاران بالقوه این کشور، فضای اقتصادی مطلوبی را برای صربستان ایجاد خواهد کرد و باعث رشد مناسبات دو کشور خواهد شد.

بر اساس اعلام دفتر مطبوعاتی دولت صربستان، شهروندان ایران از این پس نیازی به دریافت ویزا برای سفر به صربستان ندارند.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، این تصمیم در نشست روز سه‌شنبه، ۳۱ مرداد، دولت جمهوری صربستان اتخاذ شد و علت آن توجه به منافع گردشگری و جلب شهروندان ایران

پول بیاورید، پروژه بگیرید:

شرط و شروط زنگنه برای مشارکت پیمانکاران ایرانی در پروژه‌های توتال



بیژن نامدار زنگنه پرسابقه‌ترین وزیر نفت ایران است و رکورددار نشستن بر کرسی این وزارتخانه

- ایرانی‌ها در کار فنی «گیر» می‌کنند و به بهداشت، ایمنی و محیط زیست اهمیت نمی‌دهند و وقوع حادثه در کار افتخار می‌کنند.
- نباید روی بودجه عمرانی دولت حساب کنید.
- همه پروژه‌ها با مناقصه واگذار می‌شود به جز یک مورد کوچک ۲۰ میلیون دلاری!
- مدیران باید با قواعد روشن، «شفاف و بدون ابهام» همکاری کنند.

بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت کابینه دوم حسن روحانی در نخستین جلسه پس از گرفتن رای اعتماد از مجلس شورای اسلامی، در جلسه‌ای فعالان اقتصادی در اهواز با تأکید بر «ضعف‌های فنی صنایع نفتی ایران» به مدیران چند شرکت و کارخانه‌ی صنعتی گفته «انتظار داریم خودتان را آماده همکاری با توتال فرانسه کنید.»

وزیر نفت می‌گوید، در متن قرارداد توتال آورده‌ایم که باید ۶۰ درصد برخی از تجهیزات از شرکت‌های ایرانی خریداری شود.

او خطاب به مدیران اقتصادی گفته «توتال همه شرکت‌های معتبر ایرانی را ارزیابی می‌کند و فاینانس محدودیت بسیار جدی برای استفاده از ظرفیت‌های داخلی دارد، ما شرکت‌های زیادی داریم از جمله حفاری و لوله‌سازی بنابراین امیدواریم ۶۵ تا ۷۰ درصد ظرفیت‌ها برای کار به شرکت‌های ایرانی اختصاص دهیم.»

زنگنه در ادامه سخنان خود به مدیران اقتصادی تأکید کرده «دقت کنید» و «جمع‌تان را بزرگتر کنید چون توتال شرکت بزرگ را دعوت می‌کند.»

انطور که وزیر نفت می‌گوید: «هیچ مورد غیر مناقصه‌ای جز یک مورد کوچک ۲۰ میلیون دلاری وجود ندارد» و این برای خیلی از شرکت‌ها و کارخانجات فرصتی است که بتوانند در طرح‌های توتال مشارکت کنند، اما توضیح نداده که آیا این مناقصه‌ها

به سود بخش خصوصی خواهد بود یا همچنان شرکت‌های دولتی، نیمه‌دولتی و یا پیمانکاران نهادهای خاص با پوشش خصوصی دست روی آن می‌گذارند.

زنگنه همچنین نگفت «یک مورد کوچک» که ارزش آن ۲۰ میلیون دلار است بدون مناقصه به کدام نهاد واگذار می‌شود!

بیژن زنگنه همچنین افزوده «توتال تنها مدیریت کار و مهندسی مخزن را بر عهده دارد و ایرانی‌ها در کار فنی گیر می‌کنند و تعداد زیادی به SHE (بهداشت، ایمنی و محیط زیست) اهمیت نمی‌دهند و به وقوع حادثه در کار افتخار می‌کنند. این وضعیت افتخار ندارد و در حقیقت نابودی است.»

البته زنگنه در مورد دیگر پروژه‌های نفتی آب پاکی را روی دست مدیران ریخته و گفته «پولی که بخواهیم با آن صنعت نفت را تکان دهیم نداریم و باید پول را بیاوریم»، اما وعده داده

اگر مدیران بتوانند «از طریق برخی اقدامات» از جمله فاینانس پول بیاورند پروژه‌ها به آنها سپرده شود.

به بیان ساده اینکه زنگنه برای مدیران اقتصادی شرط گذاشته که اگر پروژه می‌خواهند باید سرمایه جذب کنند. در ادامه هم تأکید کرده «عادت کردیم دولت به ما پول دهد و کار خود را انجام دهیم در حقیقت نباید روی بودجه عمرانی دولت حساب کنید. اعتبار شرکت نفت از بانک مرکزی بیشتر

است و با توجه به این ظرفیت به دنبال توسعه باشید.»

در بخشی از این جلسه او به ضعف‌های صنایع نفتی ایران نیز اشاره کرده و گفته «لوله‌سازان ما عملکرد خوبی ندارند و نباید سر ملت ایران کلاه بگذارند.» به گفته این مقام نفتی «قیمت لوله‌های ایران از لوله‌های ترکمنستان گران‌تر است و این گرانی موجب خرید لوله از خارج می‌شود.»

نامدار زنگنه با بیان اینکه «اگر یک تکانی به خوزستان دهیم و یک اعتبار ۴ تا ۵ میلیارد دلار هزینه کنیم خوزستان زیر و رو می‌شود»، عنوان کرد: «پیشنهادات و راه حل‌هایی ارائه دهید که کمی و قابل کنترل باشند.»

وی این را هم گوشزد کرده که شرکت‌ها و تشکیلات مدیران باید با قواعد روشن، شفاف و بدون ابهام همکاری کنند.

این همه در حالیست که رفتارهای تهدیدآمیز جمهوری اسلامی دست دولت روحانی را برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی بسته است.

موسسه تحقیقاتی بازل در سوئیس در تازه‌ترین گزارش خود ایران را در صدر فهرست پر ریسک‌ترین کشورهای دنیا در زمینه سرمایه‌گذاری اعلام کرده و در چنین شرایطی وزیر نفت با فعالان اقتصادی در بخش خصوصی شرط کرده که اگر پروژه می‌خواهند باید سرمایه آن را تامین کنند.

محسن سازگارا:

کابینه‌ای امنیتی بانیم‌نگاهی به رهبری در دولت دوازدهم، بسیاری از وزرا دارای سابقه اطلاعاتی و امنیتی هستند



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

این دولت حضور گسترده‌ای دارند و می‌توان گفت که دولت جدید حتی پیش از دولت قبلی روحانی، کابینه‌ای امنیتی است.

احمدرفت با محسن سازگارا، تحلیلگر سیاسی درواشنگتن در رابطه با چگونگی تشکیل این دولت و دلیل امنیتی بودن آن به گفتگو نشست است.

- حسن روحانی می‌گوید دولت جدید «هم اصولگرا، هم اعتدال‌گرا و هم اصلاح‌طلب است!»
- کابینه دوم حسن روحانی توانست رای اعتماد مجلس شورای اسلامی را به دست آورد. تنها یکی از وزرای پیشینهادی، حبیب‌الله بیطرف که برای وزارت نیرو معرفی شده بود، رد صلاحیت شد.
- در این دولت حضور اصلاح‌طلبان که در انتخابات از حسن روحانی حمایت کرده بودند بسیار کم‌رنگ است.
- زنان و اقلیت‌های مذهبی نیز بر خلاف وعده‌های حسن روحانی در دولت دوازدهم حضور ندارند.
- چهره‌های اطلاعاتی در

حضور روحانی می‌گوید دولت جدید «هم اصولگرا، هم اعتدال‌گرا و هم اصلاح‌طلب است!» کابینه دوم حسن روحانی توانست رای اعتماد مجلس شورای اسلامی را به دست آورد. تنها یکی از وزرای پیشینهادی، حبیب‌الله بیطرف که برای وزارت نیرو معرفی شده بود، رد صلاحیت شد.

رئیس صدا و سیما جمهوری اسلامی می‌گوید ۶۵ میلیون ایرانی تلویزیون ما را می‌بینند!



- رئیس «صدا و سیما» می‌گوید تلویزیون جمهوری اسلامی ۸۲ درصد مخاطب دارد!
- معاون «سیما»: این آمار نهایتاً یکی، دو درصد خطا دارد!
- «اینترنت و فضای مجازی متعلق به آمریکا و اسرائیل است!»

رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی با ادعای داشتن مخاطب ۸۲ درصدی (۶۵ میلیون نفر) این رسانه، بر اینترنت و فضای مجازی تأخیر و این فناوری را متعلق به آمریکا و اسرائیل دانسته است. ادعای افزایش مخاطب تلویزیون در حالی مطرح می‌شود که با توجه به اقبال عمومی از ماهواره‌ها، معاون سیما جمهوری اسلامی گفته بود که تنها ۱۲ درصد مردم ایران ماهواره تماشا می‌کنند. حال آنکه، علی جنتی وزیر اسبق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرده بود ۷۰ درصد مردم ایران (۵۶ میلیون در موعده اعلام شده) ماهواره دارند و ضروری است در قانون ممنوعیت استفاده از ماهواره تجدید نظر شود.

رئیس سازمان «صدا و سیما» در ادامه درباره مخاطبانی که به تماشای سریال‌های تلویزیونی می‌پردازند، گفت: «سریال‌های تلویزیونی با ۸۰ درصد مخاطب جزو تأثیرگذارترین برنامه‌های سازمان صدا و سیما هستند و فیلمنامه‌نویسان نیز از اعضای موثر خانواده رسانه ملی تلقی می‌شوند.»

علی عسگری فناوری شبکه‌ای، اینترنت و فضای مجازی را متعلق به آمریکا، اسرائیل و صهیونیسم دانست و تأکید کرد: «حتی کشورهایی مانند

بر اساس نوشته‌هایتان خلق شده در جنگ نابرابر خودمان را حفظ کردیم.» مرتضی میرباقری معاون «سیما» هم گفته که «زمانی ۱۵۰۰ هنرمند فعال در تلویزیون کار می‌کردند و هفت سریال در حال تولید بود اما خوشبختانه حالا هزاران نفر فعال هستند و بسیاری از باکس‌های سریال در آنتن تلویزیون احیا شده است.»

میرباقری همچنین درباره شک و شباهت آماری که هر بار برای تعداد مخاطبان برنامه‌های تلویزیونی به وجود می‌آید، توضیح داد: «تعداد بینندگان بر اساس نمونه‌گیری مرکز تحقیقات صدا و سیما اعلام می‌شود. این مرکز بیش از ۵۰ سال سابقه دارد و تحقیقاتش را بر مبنای نمونه‌گیری از ۳۱ مرکز استان و ۴۲۰ شهرستان ایران اعلام می‌کند.» وی تأکید کرده که در این موارد هم روش نمونه‌گیری و هم روش بررسی کاملاً مشخص است، «بنابراین رقمی که از میزان مخاطبان تلویزیون اعلام می‌کنیم در نهایت ممکن است یکی



چین و روسیه نیز در مقوله مدیریت اینترنت اجازه ورود ندارند. با همکاری شما فیلمنامه‌نویسان و سریال‌هایی که دو درصد خطا داشته باشد. در این مورد نمی‌توان به برداشت‌های عینی و شهودی از اطراف اعتماد کرد.»

میرباقری معاون «سیما» پیش از این، این آمار را ۸۷ درصد اعلام کرده بود و گفته بود که تنها ۱۲ درصد مردم ایران، ماهواره تماشا می‌کنند. حال آنکه، علی جنتی وزیر اسبق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرده بود ۷۰ درصد مردم ایران (۵۶ میلیون در موعده اعلام شده) ماهواره دارند و ضروری است در قانون ممنوعیت استفاده از ماهواره تجدید نظر شود.

رئیس سازمان «صدا و سیما» در ادامه درباره مخاطبانی که به تماشای سریال‌های تلویزیونی می‌پردازند، گفت: «سریال‌های تلویزیونی با ۸۰ درصد مخاطب جزو تأثیرگذارترین برنامه‌های سازمان صدا و سیما هستند و فیلمنامه‌نویسان نیز از اعضای موثر خانواده رسانه ملی تلقی می‌شوند.»

علی عسگری فناوری شبکه‌ای، اینترنت و فضای مجازی را متعلق به آمریکا، اسرائیل و صهیونیسم دانست و تأکید کرد: «حتی کشورهایی مانند

نخستین وعده‌های شهردار جدید تهران



- محمدعلی نجفی معتقد است برای شهری به وسعت تهران که مسائل و مشکلات فراوانی دارد، نمی‌توان تنها یک اولویت مشخص کرد و از سوی دیگر بسیاری از مسائل مربوط به شهر با یکدیگر مرتبط هستند.
- نجفی همچنین می‌گوید مسائل مختلف همچون بدهی‌ها و مطالبات را ظرف سه ماه آینده حل و فصل می‌کنیم.

مختلف به‌خصوص در حوزه فرهنگی و اجتماعی ظرف مدت سه ماه آینده توافقنامه‌های امضا کنیم که وظایف هر ارگان مشخص شود.»

در حالی که پیشتر برخی رسانه‌ها از تصمیم نجفی برای تغییر مدیران «اصل بر تغییر مدیران نیست و ظرف هفته‌های آینده ارزیابی‌هایی انجام خواهد شد و هر کدام از مدیران فعلی که شایستگی کافی را داشته باشند، خواهند ماند.»

او همچنین توضیح داده است: «گفته بودم که بنای تعدیل [اخراج] کارمندان را دارم، اما گفتم که تعداد کارمندان شهرداری‌های مشابه بسیار کمتر است و این به معنای تعدیل [اخراج] نیست.» نجفی همچنین گفته است: «باید اعلام کنم که این اولین بار است که پس از ۱۴ سال مدیریت شهری و دولت با یکدیگر هماهنگ هستند. در این ۱۴ سال اختلاف نظرهای میان مدیریت شهری و دولت وجود داشته که

مختلف به‌خصوص در حوزه فرهنگی و اجتماعی ظرف مدت سه ماه آینده توافقنامه‌های امضا کنیم که وظایف هر ارگان مشخص شود.»

در حالی که پیشتر برخی رسانه‌ها از تصمیم نجفی برای تغییر مدیران «اصل بر تغییر مدیران نیست و ظرف هفته‌های آینده ارزیابی‌هایی انجام خواهد شد و هر کدام از مدیران فعلی که شایستگی کافی را داشته باشند، خواهند ماند.»

او همچنین توضیح داده است: «گفته بودم که بنای تعدیل [اخراج] کارمندان را دارم، اما گفتم که تعداد کارمندان شهرداری‌های مشابه بسیار کمتر است و این به معنای تعدیل [اخراج] نیست.» نجفی همچنین گفته است: «باید اعلام کنم که این اولین بار است که پس از ۱۴ سال مدیریت شهری و دولت با یکدیگر هماهنگ هستند. در این ۱۴ سال اختلاف نظرهای میان مدیریت شهری و دولت وجود داشته که

جمهوری اسلامی برنامه پخش می‌کنند که ۴۵ شبکه تنها فیلم و سریال برای فارسی‌زبانان نمایش می‌دهند.

آوازه

تنگ مضراب!

تورج در مثلث نوآوری

معروف «پیکرتراش» نادر نادرپور دارد. نادر نیز از زبان بت تراش می‌گوید که اگر ناز خود را افزون کند او را هم چون بت‌های دیگر در هم می‌شکند. یک بار این مطلب را با نگهبان در میان گذاشتیم و او مرا

موفقیت ادامه پیدا کرد. تورج از کسانی بود که برای نخستین بار گل و بلبل و شمع و

تصنیف‌سازی یا ترانه‌پردازی در ایران از مشروطیت به این سو چهار مرحله مختلف را طی کرده است. نخستین مرحله به تبعیت از خاندان هنر، آقا علی‌اکبرخان و پسرانش شکل گرفت. یعنی آهنگسازان همان خط‌های ملودی ردیفی را با کلمات فارسی در می‌آمیختند و همان را می‌خواندند. مرحله دوم از زمان امیر جاهد آغاز می‌شود که در واقع تصنیف معنای واقعی خود را می‌گیرد ولی همچنان وابسته به سنت باقی می‌ماند. مرحله سوم با ابوالحسن صبا و شاگردانش آغاز می‌شود که در عین وابستگی به سنت، ملودی‌های تازه و ریتم‌های متحرک را به کار می‌گرفتند و خوانندگان ترانه نیز به تبع آهنگسازان، شیوه ترانه‌خوانی خود را تغییر می‌دادند. بالاترین دستاورد ترانه‌سازی ایران پیش از زمان ما به همین دوره مربوط می‌شود. به‌خصوص شاگردان صبا از هیچ‌گونه تغییری امتناع نمی‌کردند و ترانه‌سازان از مهدی خالدي گرفته تا همایون خرم و فرامرز پایور همه در راه نوآوری سیر می‌کردند.

مرحله چهارم از ترانه‌سازی مربوط می‌شود به سال‌های دهه هفتاد خورشیدی به بعد که دگرگونی‌های عمیق‌تری حتی در سنتی‌خوان‌ها به وجود آمد. تغییرات دهه اخیر بخشی از دگرگونی‌های مرحله چهارم است که هنوز به پایان نرسیده.

در موفقیت این تغییرات یک عامل بیش از عوامل دیگر دخالت داشته و آن تحولی است که همزمان در شعر ایران و به تبع آن در متن ترانه‌ها پدید آمد. موسیقی که همیشه به کمک شعر آمده بود حالا از یاری‌های شعر بهره می‌گرفت تا خود را نو کند. ترانه‌سرایان دوره سوم و دوره چهارم بیشترین تاثیر را در دگرگونی‌ها داشته‌اند. یکی از آنها تورج نگهبان بود که زنده‌ترین ترانه‌های سنتی را در میان آثار او می‌توان یافت. تورج نگهبان ادبیات خواننده بود و نخستین کار ترانه‌ای خود را با مجید وفادار تجربه کرد. خودش می‌گوید، آهنگی بود که برای قربانیان سیل زاهدان ساخته شده بود و از برنامه کارگران با صدای مجری برنامه خوانده شد. ولی کار جدی نگهبان پس از آشنایی با همایون خرم آغاز شد. تورج که با خرم نسبت خانوادگی داشت، یک شب به درخواست او متن ترانه‌ای را برایش ساخت. پس از آن همکاری این دو با



«خارا» ترا به زخمه‌ی گیتارِ دردمند در آرزوی آبیِ «شیلی» سروده بود.

باری پیغامگستران بهاران باغ ما گلوژه‌های پیرهنِ خونسرشته را - کز جان چاک چاک تو می‌بارند سرب‌ی نوشته‌اند.

مین نیز خنیاگر خجسته‌ی خونم! نام ترا به اشک نوشتم.

*ویکتور خارا نوازنده‌ی گیتار و آوازخوان پُرآوازه‌ی شیلی بود که پس از کودتای پینوشه علیه دولت سالوادور آلنده در این کشور به قتل رسید.

خنیاگر خجسته‌ی خونم!

(رضا مقصدی)

۲۸ مرداد ۱۳۹۶ (به فریدون فرخزاد)

فریدون فرخزاد نام ترا به اشک نوشتم خنیاگر خجسته‌ی خونم! خورشید، در کرانه‌ی چشم‌ام سرود خواند. مهتاب، در ترانه‌ی چشم‌ام به غم نشست. در آسمان، ستاره‌ای از جنس جان‌مان بغض بلند هرشب‌اش را فرو شکست.

در روبروی آینه، با روشنای آب گفتم که از تبار تمنای آتشم.

آن آتشی که جان فروزنده‌ی ترا بر شادی شبانه‌ی نیلوفران، دمید. وان رازِ شاعرانه‌ی شعری شگفت را با جان عاشقان جهان گفت.

نام ترا به اشک نوشتم.

در دفتری که خاطره‌های «فروغ» را تا «ازدحام کوچی خوشبخت» برده بود. تا خلوت خمیده‌ی آن «خانه‌ی سیاه».

آری

من بدم و سرود تو بود و بنفشه بود آن باغ، از سپیدی سوز صدای تو با سازهای تشنه‌ی ما رنگ تازه داشت. با شادی برهنه‌ی آوازخوان آب آفاق آرزوی درخشان روزگار - گلبانگ تازه داشت.

اعتراض به آویزان شدن بهرام رادان از ستون‌های کاخ سعدآباد



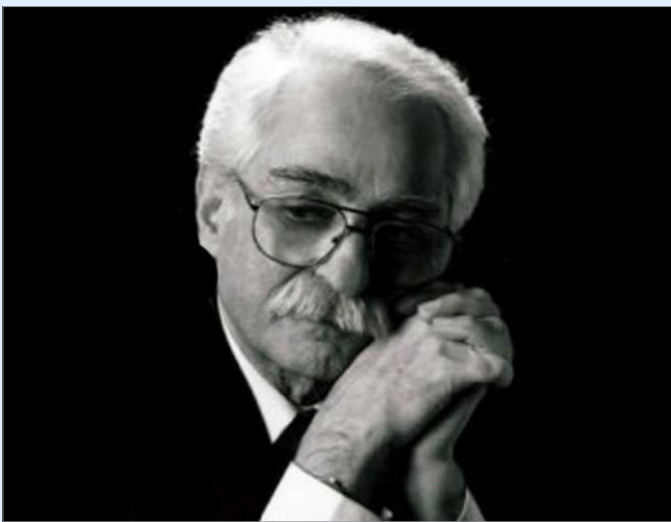
● نورپردازی روی بدنه کاخ، صدای بلند موسیقی و تخریب محوطه باز کاخ سعدآباد از نگرانی‌های دوستداران میراث فرهنگی از اجرای «سی» در این کاخ است.

بالا رفتن و آویزان شدن بهرام رادان از ستون‌ها و زنده‌های کاخ سعدآباد در نمایش - موسیقی «سی» اعتراض کارشناسان میراث فرهنگی را در پی داشته. مدیر برگزاری این پروژه در واکنش به این انتقادات گفته که این بازیگر با جرئت‌بله و وسیله قلاب و طناب آویزان می‌شود و به بنا صدمه‌ای نرساند. نمایش - موسیقی «سی» در کاخ سپید سعدآباد در حالی برگزار می‌شود که کارشناسان و وبسایت‌های میراث فرهنگی به بالا رفتن هر شب بازیگران این نمایش از ستون‌های این کاخ اعتراض کرده‌اند و پاندهای صدایی که موسیقی از آن پخش می‌شود را عامل دیگر تخریب این بنای تاریخی و ملی دانسته‌اند.

محمدحسین توتونچیان مدیر برگزاری پروژه «سی» احتمال هرگونه آسیب این پروژه به کاخ ملت سعدآباد یا محوطه آن را رد کرده و گفته که «آقای رادان از ستون‌های کاخ آویزان نمی‌شود؛ بلکه خودمان جرئت‌بله مخصوص آورده‌ایم که بازیگر به وسیله قلاب و طناب صخره‌نوردی به آن متصل است و طنابی که تماشاگر می‌بیند درواقع نقشی در نگهداری بازیگر ندارد.» وی همچنین تأکید کرده که «خبرنگاری که این نقدها و شبهات را مطرح کرده‌اند، می‌توانستند از پروژه بازدید کنند، آن وقت متوجه می‌شدند که هیچ کدام این موارد صحت ندارد.» این درحالیست که خبرنگاران اعلام کرده‌اند که این تقاضا را داشته‌اند ولی اجازه بازدید از پشت صحنه نمایش به آنها داده نشده است. مدیر برگزاری این پروژه همچنین تأکید کرده که اتاق‌های گرم و آماده‌سازی بازیگران در فضای داخلی کاخ نیست و آنها در محوطه باز شش

اتفاک نتوپان و ام‌دی‌اف برای این کار در نظر گرفته‌اند. وی همچنین در واکنش به نگرانی تخریب فضای باز کاخ سعدآباد با جیدن ۳۸۰۰ صندلی، گفته که در قرارداد با سازمان میراث فرهنگی متعهد شده که پس از پایان اجرا و جمع‌آوری وسایل کار، محوطه را چمن‌کاری کرده و به کاخ سعدآباد تحویل دهد. مدیر برگزاری پروژه «سی» همچنین درباره شبهه مطرح شده درباره وجود بلندگوها و ارتعاش صدای سیستم‌های صوتی و آسیب‌رسانی آن به کاخ گفت: «اولا باید این را بگویم که کاخ آنقدر ظریف و حساس نیست که امواج صوتی باعث آسیب‌رسانی به کاخ شود؛ اما باید منتقدان دقت می‌کردند که جهت بلندگوها رو به مردم و پشت به کاخ است.»

توتونچیان در رابطه با نقدی که درباره احتمال آسیب نورپردازی به کاخ مطرح شده هم گفت: «سال‌هاست این کاخ زیر نور مستقیم آفتاب قرار دارد که اشعه‌های مضرش بیشتر از نور استفاده شده در این کنسرت - نمایش است. ضمن اینکه قرارداد مکتوبی از سوی این پروژه با میراث فرهنگی وجود دارد که در آن تدابیر لازم برای جلوگیری از آسیب به این بنای تاریخی دیده شده است.» برخی کارشناسان میراث فرهنگی به برگزاری نمایش، کنسرت و مهمانی در بناهای تاریخی مخالف هستند و معتقدند برگزاری هر رویدادی در این بناهای ارزشمند



به تاریخ شعر رجوع داد. شعر تورج پیش از شعر نادرپور سروده شده است. اینجاست که توارد معنی واقعی پیدا می‌کند.

تورج و طنین

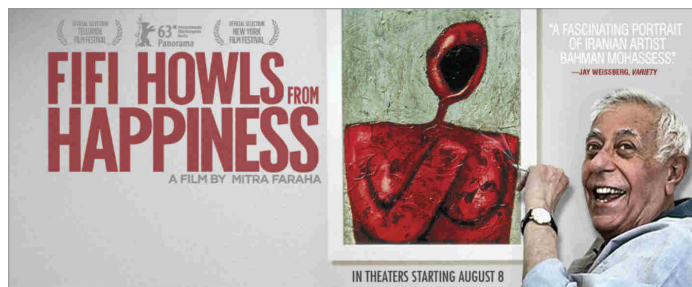
تورج نگهبان علاوه بر کار ترانه‌سرایی دین بزرگی به گردن «گروه طنین» دارد. او که در سال‌های چهل خورشیدی در شورای موسیقی رادیو کار می‌کرد، آگاه می‌شود که رادیو تصمیم دارد از آن پس از تولید ترانه خودداری کند و این کار را بر عهده بخش خصوصی بگذارد. نگهبان موضوع را با پرویز اتابکی در میان می‌گذارد و او را تشویق می‌کند که جمع کوچک هنرمندان ترانه را یاری برساند و سازمانی برای ساخت و پرداخت ترانه به وجود بیاورد. این پیشنهاد پذیرفته می‌شود و «گروه طنین» رسماً از سال ۱۳۴۸ کار تولید و توزیع ترانه‌ها را خود به دست می‌گیرد. همه دوستان تورج حضور او را از این بابت مغتنم می‌شمارند. دیدیم که موفقیت درخشانی نیز نصیب «گروه طنین» شد و بهترین و والاترین ترانه‌های سال‌های پیش از انقلاب ساخته و پرداخته همین «گروه طنین» است.

تورج نگهبان در سال‌های پس از انقلاب نخست به انگلستان و بعد به آمریکا مهاجرت کرد و در برون‌مرز نیز کار ترانه‌سرایی را ادامه داد. همکاری نزدیک او با مهین زرین‌پنجه به تهیه سه سی‌دی از آثار زرین‌پنجه منجر شد. این روزها نه سال از مرگ تورج نگهبان می‌گذرد ولی دستاوردهای او در بازار موسیقی همچنان رواج و رونق دارد.

پروانه را کنار گذاشت و به توصیف طبیعت پرداخت. عاشقانه‌ها را نیز با زبان امروزی پرورش می‌داد. از آن پس تورج همراه با خرم با خوانندگانی چون الهه، مرضیه، دلکش، مهستی، داریوش و خوانندگان دیگر همکاری مستمر داشت حتی یکی دو تن از آنان را به شهرت رسانید. مثل منوچهر همایون‌پور و امین‌الله رشیدی. ولی کار زنده تورج - خرم از زمان آشنایی و همکاری با پروین پدید آمد. پروین صدایی سخت ویژه داشت و رنگ صدایش با نوع آهنگ‌هایی که خرم می‌ساخت سازگار بود. خرم نیز مثل علینقی وزیری که پس از مدتی روح‌انگیز را پیدا کرده بود، خواننده باب طبع خود را یافته بود. حاصل همکاری این مثلث، ترانه‌های سرزنده و با شهرت رسانید و هم نام تورج و خرم را در فهرست هنرمندان دست اول به ثبت رساند. یکی از ترانه‌های دل‌انگیز این مثلث «تصویری در خیال» نام دارد. شاعر دلدار خود را چنان توصیف می‌کند که وقتی به واقعیت می‌رسد او را نمی‌شناسد و بعد به دلدار خود هشدار می‌دهد که اگر سرگرانی کند و قدر عشق او را نداند، او را هم از خیال خود بیرون می‌کند.

عشق من برتر از اندیشه خود در خیال از توبتی ساختمام داده‌ام پیکر زیبای تو را، تو را، خوانده جلوده که نشناختمام چو دریا، توفان‌زا، دو چشمت را فریدم سیه‌نقشی ز شب‌ها بر گیسویت کشیدم به لب‌های تو نقشی برتر از افسانه دادم ز مینا مستی از گلبرگ و بو بر آن نهادم شعر تورج شباهت غریبی به شعر

جلوگیری از نمایش فیلم «فی فی از خوشحالی زوزه می‌کشد» در تهران



● این فیلم زندگی و آثار «بهمن محمص» نقاش و مجسمه‌ساز را روایت می‌کند که آثارش پس از انقلاب از سطح شهر تهران جمع‌آوری و نابود شد.

از نمایش فیلم مستند «فی فی از خوشحالی زوزه می‌کشد» ساخته میترا فراهانی در سینما تک فرهنگسرای نیاوران جلوگیری شد. این فیلم درباره زندگی و آثار بهمن محمص نقاش و مجسمه‌ساز ایرانی است که در سال ۲۰۱۰ درگذشت. وبسایت ایران‌آرت نوشته که فیلم «فی فی از خوشحالی زوزه می‌کشد» به دلیل نداشتن مجوز در سینما تک فرهنگسرای نیاوران اکران نشد. از

قرار معلوم این فیلم مجوزهای لازم را نداشته و به دستور مدیریت این مجموعه اجازه نمایش پیدا نکرده است. مستند «فی فی از خوشحالی زوزه می‌کشد» یکی از معدود زندگی‌نگاره‌های نقاش معروف و بنام ایرانی، بهمن محمص است که به گفته خودش حاضر به حضور در آن شده «تا هر احمقی به دلخواه خودش

ادامه در صفحه ۱۵

اشتغال؛ ۳۸ سال اولویت بدون نتیجه جمهوری اسلامی



● بر اساس برنامه ششم توسعه، دولت موظف است سالانه ۹۵۰ هزار شغل ایجاد کند، اما طبق گفته کارشناسان اقتصادی تحقق چنین اشتغال‌زایی در گرو نرخ رشد اقتصادی پایدار و فراهم بودن شرایط از جمله جذب سرمایه‌گذار خارجی و ثابت بودن نرخ تورم است.

مهدی دهقان - روزگاری قرار بود در ایران آب، برق و گاز رایگان شود اما امروزه نمایندگان مجلس از تبدیل شدن ایران به گورستان به جای گلستان و همچنین بحران جنگ آب در استان‌های مختلف سخن می‌گویند. مهم‌ترین مشکل مردم تهیه آب و نان شده و جمهوری اسلامی برای حل بخشی از مشکلات به فروش «نفث در برابر کالا» روی آورده است.

در حاشیه نخستین نشست هیات دولت دوازدهم، نپاوندیان به عنوان معاون اقتصادی رئیس جمهور، جهانگیری معاون اول، ربیعی وزیر کار و کرباسیان به عنوان وزیر اقتصاد در جمع خبرنگاران بر ایجاد اشتغال تأکید کرده و آن را اولویت اول دولت دانستند. اما ۳۸ سال است که اشتغال و مبارزه با بیکاری از اولویت اول

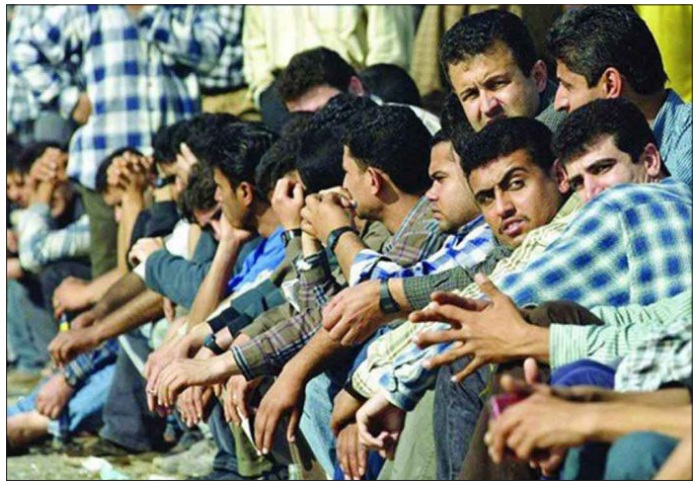
روحانی در جمع خبرنگاران، جمله کلیشه ای ایجاد اشتغال و افزایش تولید را تکرار کرد. بر اساس برنامه ششم توسعه، دولت موظف است سالانه ۹۵۰ هزار شغل ایجاد کند، اما طبق گفته کارشناسان اقتصادی تحقق چنین اشتغال‌زایی در گرو نرخ رشد اقتصادی پایدار و فراهم بودن شرایط از جمله جذب سرمایه‌گذار خارجی و ثابت بودن نرخ تورم است. طبق آخرین آمار منتشر شده مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری ایران تا بهار سال جاری ۱۲.۶ درصد گزارش شده است. این در حالیست که سالانه حدود یک میلیون نفر از دانشگاه‌های کشور فارغ‌التحصیل می‌شوند و دولت

کارفرما خود را مالک جان و مال کارگر می‌داند

قانون کار به شیوه‌ای تدوین شده است که کارفرما خود را مالک جان و مال کارگر می‌داند و دولت و مجلس هم با تصویب قوانین به نوعی حامی این تفکر هستند. طرح کارورزی نمونه بارزی از این شرایط است که به اعتقاد کارشناسان اقتصادی استثمار نیروی کار به شیوه مدرن است که با پرداخت یک سوم حقوق به کارورز سبب تشویق کارفرما به سوء استفاده و بیگاری از نیروی کار می‌شود اما ربیعی وزیر کار بر خلاف نظر کارشناسان اقتصادی می‌گوید که در این طرح آرام آرام افراد جذب بازار کار و بیمه می‌شوند و ۹ ماه دیگر هم در محل کار خود باقی می‌مانند؛ این طرح در بسیاری از کشورها تجربه شده است. متأسفانه همه پازل‌ها به گونه‌ای چیده شده است تا جویندگان کار به تمام خواسته‌ها تن دهند زیرا هر سال رکود شدیدتر و تعداد بیشتری از کارخانه‌ها تعطیل می‌شوند و کارگران با حقوق معوقه ۸ تا ۹ ماهه راهی جز ادامه همکاری ندارند.

نرخ بیکاری از ۱۱.۵ درصد در سال ۸۴ در سال جاری به ۱۲.۶ رسیده است. این در حالیست که طبق گفته فرشاد مومنی، استاد اقتصاد دانشگاه، با هزار میلیارد دلار درآمد در دولت احمدی نژاد حتی یک عدد شغل نیز ایجاد نشده است. تعداد بیکاران کشور از نیمه دوم سال ۹۳ نسبت به فصول مشابه سال قبل پیوسته در حال افزایش بوده است. تعداد بیکاران در فصل تابستان سال ۹۵ نسبت به فصل مشابه سال قبل به میزان ۶۰۲ هزار نفر افزایش یافته است که سهم مردان و زنان از این افزایش به ترتیب ۵۸ و ۴۲ درصد بوده است.

تعداد بیکاران کشور در ۶ ماه ابتدایی سال ۹۵ به میزان ۴۵۰ هزار نفر افزایش یافته است. سهم ۳۰ درصدی مردان در افزایش تعداد بیکاران طی ۶ ماه ابتدایی سال ۹۵ در ۱۰ سال اخیر بی سابقه بوده است. با وجود افزایش جمعیت شاغلان، به دلیل افزایش قابل ملاحظه جمعیت فعال و نرخ مشارکت، نرخ بیکاری در تابستان سال ۹۵ نسبت به فصل مشابه سال قبل به میزان ۱.۸ درصد افزایش یافته و به ۱۲.۷ درصد رسیده و اکنون نیز نرخ بیکاری طبق گزارش مرکز آمار ایران ۱۲.۶ درصد است. البته ثابت ماندن مبلغ یارانه نقدی ۴۵ هزار تومانی از سال ۸۹ تا کنون باوجود افزایش هزینه زندگی و همچنین فساد در تامین اجتماعی و شرکت‌های زیرمجموعه از دیگر موارد قابل بررسی در وزارت کار است که در گزارش‌های جداگانه به آن پرداخته خواهد شد.



باید در ۵ سال آینده حداقل برای ۴ میلیون و ۷۵۰ هزار نفر شغل ایجاد کند که با این وضعیت اقتصادی و رکود، تحقق چنین هدفی بیشتر به شوخی شبیه است.

مهر تایید مجلس و دولت بر ادامه استثمار کارگران

در ایران اگر ساختمانی مانند پلاسکو یا معدنی مثل معدن زغال سنگ زمستان بورتی منفجر شود یا حقوقی پرداخت نشود و به طور کلی حقی ضایع شود، آوار آن حتماً از اول تا آخر بر سر کارگران خراب خواهد شد. انتخاب مجدد ربیعی به عنوان وزیر کار از سوی روحانی و همچنین رای اعتماد مجلس به این شخص یک پیام روشن دارد و آن اینکه روحانی و مجلس شورای اسلامی از عملکرد چهار سال گذشته ربیعی راضی بودند و با انتخاب مجدد وی خواهان ادامه همین روند کنونی هستند.

در سه سال نخست دولت روحانی، اکثر وزرا از جمله وزیر کار ضعف خود را با انتقاد از عملکرد فاجعه‌آمیز دولت گذشته و از سوی دیگر با تعریف از عملکرد ظریف وزیر امور خارجه، توجیه می‌کردند اما در واقعیت اتفاقی که در چهار سال نخست دولت روحانی رخ داد، افزایش نرخ بیکاری، کاهش ظرفیت تولید کارخانه‌ها، تعطیلی کارخانه‌ها، اخراج کارگران، ممنوعیت تجمع کارگران بیکار شده یا با حقوق معوقه و در نهایت سیاسی کردن ماجرا و دخالت وزارت اطلاعات و سپاه است. مدت‌هاست که ایران شاهد اعتصابات کارگری است بدون آنکه دولت بتواند به مطالبات کارگران پاسخ دهد. قانون کار هم به گونه‌ای نوشته شده که بیشتر حامی کارفرماست تا کارگر که نتیجه آن سوء استفاده کارفرماها از این وضعیت است به طوری که در سال‌های گذشته شدت استثمار و بیگاری کارگران افزایش یافته است.

ربیعی وزیر کار در ابتدای دولت روحانی از قراردادهای سفیدامضا و دیگر مسئولان اقتصادی دولت

همه‌ی دولت‌های جمهوری اسلامی است. سرانجام این اولویت اما نرخ بیکاری مطلق ۱۲.۶ درصد و نرخ بیکاری ۳۵ تا ۴۰ درصد است که نتیجه آن استثمار کارگران و سوق آنها به سوی شغل‌های کاذب از جمله دستفروشی و به دنبال آن کشته شدن و سبیلی خوردن توسط مأموران شهرداری است.

سبک سخن گفتن و وعده دادن وزرا و مسئولان اقتصادی دولت روحانی به گونه‌ای است که گویا دولت، کاملاً جدید است و تازه ۴ سال اول خود را می‌خواهد تجربه کند و دولت ۴ سال گذشته در اختیار خاندان یا طایفه و یا اصلا در کشور دیگری بوده است!

جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری در حاشیه نخستین نشست هیات دولت دوازدهم، ایجاد اشتغال و مبارزه با بیکاری را اولویت دولت دوازدهم نیز عنوان کرد. همچنین علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جمع خبرنگاران گفته است که مردم از وزارت کار ناراضی هستند و می‌خواهیم فقر مطلق را کاهش دهیم و موضوع اشتغال را دنبال کنیم.

نپاوندیان نیز که از اتاق بازرگانی به نهاد ریاست جمهوری آمده و طی ۴ سال گذشته همچون رئیس دفتر رئیس جمهور فعالیت کرده و اکنون نیز به عنوان معاون اقتصادی رئیس جمهور انتخاب شده است، در گفتگو با خبرنگاری اینلنا وعده داده یک میلیون شغل در سال ایجاد خواهد شد و از سوی دیگر سرعت جذب سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر می‌شود. این در حالیست که سرمایه‌گذاری در ایران به کمترین سطح خود در سال‌های گذشته رسیده است و از سوی دیگر هیچ کشوری جرات سرمایه‌گذاری در ایران ندارد مگر برندهای نفتی معروف آن هم با شرایط خاص.

کرباسیان وزیر اقتصاد نیز همچون دیگر مسئولان اقتصادی دولت

گفتگوی یوسف مصدقی با دکتر رامین جهاننگلو: (۳) محمدعلی فروغی سیاستمدارِ روشنگر



رامین جهاننگلو

من با پدرم در این باره خیلی گفتگو می‌کردیم. پدرم خیلی به این نوع روشنگری که قبلاً اشاره کردم، اعتقاد داشت. همان‌طور که فروغی بعد از یک دوره شیفتگی به غرب، در میان‌سال‌ها به ریشه‌های فرهنگ ایرانی برگشت و از عرفان ایرانی تأثیر گرفت و حتی می‌شود گفت از طریق آن به نوعی تسامح فکری رسید. پدر من هم پس از فاصله گرفتن از چپ دقیقاً مثل فروغی بازگشت کرد به فرهنگ ایران. برخلاف تکنوکرات‌هایی که بعد آمدند، هر دوی اینها هم غرب و هم ایران را به خوبی می‌شناختند. این خیلی مهم است که روشنگران اجتماع چه بازگشتی به خویش‌شان می‌کنند و چگونه می‌توانند از این دریچه به تسامح و تساهل برسند. در آن دوران این افراد فارغ از عقاید و سلاطین‌شان به هم احترام می‌گذاشتند و داوری‌هایشان در مورد همدیگر کونه‌نظرانه نبود. من می‌توانم اینجا از دکتر پرویز نائل خانلری هم یاد کنم که از همین دست روشنگران بود. حالا اینکه او زمانی وزیر یا سناتور بود، اهمیت زیادی ندارد. آنچه مهم است، خانلری ادیب و استاد و مصحح حافظ است. این در مورد فروغی هم صادق است. بد نیست این را هم بگویم که پدر من و آل احمد قبل از پیوستن به حزب توده، شاگرد شریعت سنگلجی بودند و هر دو همیشه از این روحانی شیعه به نیکی یاد می‌کردند. بنابراین این تساهل در آن دوره وجود داشته است. به قول پاسکال این لباس نیست که فکر را می‌سازد بلکه فکر پشت لباس مهم است. فروغی هم از طریق کار سیاسی اداره‌ی جامعه به عنوان وزیر یا نخست‌وزیر و هم از طریق آموزش و کار فکری و نوشتن کتاب‌هایی مثل «سیر حکمت در اروپا» سعی می‌کرد روشنگری را ترویج کند. فروغی در مقاله‌ای که من خیلی آن را دوست دارم با عنوان «چگونه می‌توان ایران را دوست داشت؟» با خوش‌بینی بسیاری می‌گوید که ایران می‌تواند به کاروان تجدد و تمدن بپیوندد و کشور و جامعه‌ای بشود که برای بشریت مهم باشد همان‌طور که در گذشته بوده است. من با این فکر فروغی موافقم و معتقدم که این اصلاً آن ملی‌گرایی خامی نیست که خودش را در دیالکتیک کنش و واکنش قرار می‌دهد و برای طرد قسمتی از فرهنگ یا تاریخ ایران، قسمت دیگر را با افراط و بدون دانش، پرتنگ می‌کند. مثل این جماعتی که می‌گویند ما دیگر مسلمان نیستیم و می‌روند یک فروهر به گردن‌شان می‌اندازند بدون اینکه زرتشت را بشناسند یا گات‌ها را خوانده باشند. فروغی، خانلری یا پدر من اصلاً در این نوع کنش و واکنش‌های جاهلانه قرار نمی‌گرفتند. می‌گفتند که ما باید کارمان را در دو جبهه انجام بدهیم. اول اینکه از امکاناتی که سیستم به عنوان نخست‌وزیر یا سناتور یا کارمند شرکت نفت و استاد دانشگاه تهران در اختیارمان می‌گذارد استفاده کنیم تا بتوانیم در جبهه دوم کار فرهنگی و روشنگری انجام بدهیم. اینجاست که تفاوت فروغی را با تکنوکرات‌هایی از قبیل حسنعلی منصور می‌بینیم. از امثال منصور تقریباً هیچ چیزی باقی نمانده اما آثار نوشتاری و شاگردان فروغی و خانلری و پدر من باقی هستند و این همان نتیجه روشنگری است. آنهایی که به امثال فروغی هتاک می‌کنند همراه کسانی که چیزی از خود به جا نمی‌گذارند، صفحات سفید تاریخ‌اند، انگار که هیچ وقت نبوده‌اند.

ادامه دارد

قابلیت داوری کردن را آموخت. این کار کاملاً خلاف تصور رایج در کشورهای استبدادزده مانند ایران است که عموم جامعه به نظریه‌ی توطئه معتقدند و خود را داور و تصمیم‌گیرنده در هیچ امری نمی‌دانند. روشنگری سیاسی خلاف چنین رهیافتی است زیرا معتقد است که موقعیت تعامل از خود تعامل جدا نیست. شما برای اینکه دموکراسی داشته باشید باید نهادهای دموکراتیک داشته باشید. همین‌طور هم برای آموزش شهروندی باید زمینه‌ی شکوفایی شخصیت شهروندان را فراهم کرد. کار بزرگی که بزرگانی مثل فروغی انجام دادند این بود که نه تنها درباره‌ی این مسائل نوشته‌اند بلکه با تصمیم‌گیری و نهادسازی تلاش در جهت ترویج آگاهی و تقویت قابلیت داوری در جامعه ایران کرده‌اند. البته خیلی‌ها معتقد هستند که همکاری فروغی با رضا شاه خلاف این را ثابت می‌کند. ولی پرسش من این است: آیا برای امثال محمدعلی فروغی و علی‌اکبر داور ایران مهم‌تر بوده یا سلطنت پهلوی؟ به نظر من ایجاد فرهنگستان و تصحیح ادبیات کلاسیک ایران و نوشتن مقاله‌ی «چگونه می‌توان ایران را دوست داشت؟» نشان از ایران‌دوستی فروغی است.

● می‌دانید که طبق روایت رسمی جمهوری اسلامی از فروغی به عنوان «فراماسون خائن نوکر انگلستان» نام برده می‌شود که با حيله و نیرنگ، سلطنت خاندان پهلوی را پس از شهریور ۱۳۲۰ حفظ کرد. یاد می‌آید که در دهه‌های شصت و هفتاد خورشیدی، تنها کتاب تاریخ اجباری برای همه رشته‌های تحصیلی دبیرستان در ایران، کتاب «تاریخ معاصر ایران» سال سوم متوسطه بود- شاید الان هم باشد- در این کتاب در مورد عزل رضاشاه و نخست‌وزیری فروغی همین روایت رسمی آمده بود و همه دانش‌آموزان دوره متوسطه موظف بودند این مهملات را بخوانند و امتحان بدهند. خوب، با این نوع نگاه، اصلاً سیاست‌ورزی از نوعی که فروغی

● یوسف مصدقی: به نظر من بد نیست به سیاست در ایران بپردازیم. می‌دانم که بین سیاستمداران معاصر ایران به محمدعلی فروغی (دکاء‌الملک) علاقه‌ی خاصی دارید و چند مقاله و تألیف هم در مورد او منتشر کرده‌اید. علت این علاقه چیست؟ چه ویژگی‌ای در فروغی شما را این چنین به او جذب می‌کند؟ آیا به خاطر فرزندی و دانش فروغی است یا نوع سیاست‌ورزی او یا به خاطر نهادهایی که او بانی و بنیانگذار آنها بوده‌است؟

رامین جهاننگلو: وقتی ما افرادی مثل فروغی را مثال می‌زنیم باید روشنگری سیاسی را از نخیه‌گری سیاسی جدا کنیم. چون نخیه‌گری سیاسی بی‌مورد است و آن بحث که نخیه سیاسی که کارشناس است و فقط کارشناسان هستند که می‌توانند رهبری سیاسی را به عهده بگیرند.



محمدرضاشاه پهلوی و محمدعلی فروغی

نماینده آن بود محلی از اعراب ندارد که هیچ، خیانت به مردم هم محسوب می‌شود. اتفاقاً شما در کتاب «زمان چیزی نخواهد گفت» به رفاقت پدرتان و جلال آل‌احمد اشاره کرده‌اید و من می‌خواهم از این موضوع برای ادامه بحث کمک بگیرم. به نظر می‌رسد که بعد از کودتای بیست و هشت مرداد جلال آل‌احمد و امیرحسین جهاننگلو دو راه مختلف را انتخاب کردند.

● آیا فروغی در ایجاد شخصیت شهروندی در ایرانیان توفیق داشت؟ -اینجا موضوع جدیدی مطرح می‌شود و آن مسأله‌ی «قابلیت داوری کردن» است. آزادی در مفهوم سیاسی به این معنی نیست که من توان انجام هر کاری را دارم بلکه به این معناست که من توان داوری کردن در همه‌ی امور را دارم. برای اینکه شهروندی به توان و قابلیت داوری کردن برسد، باید به یک روش‌شناسی برسد و از آن پیروی کند. فروغی با ایجاد نهادهایی مثل فرهنگستان و نوشتن کتاب و همین‌طور با مدیریت جامعه و دعوت شهروندان به آگاه شدن، وظیفه‌ی روشنگری‌اش را انجام داد. او با آگاه کردن شهروندان از موقعیت‌شان به آنها

دکتر رامین جهاننگلو متفکر و روشنفکر شناخته شده‌ی ایرانی - کانادایی، در حال حاضر استاد و معاون دانشکده‌ی حقوق دانشگاه JGU، دهللی و همچنین مؤسس و مدیر مرکز صلح و عدم خشونت مهاتما گاندی است. او در دانشگاه‌های سوربن و هاروارد فلسفه و علوم سیاسی خوانده است و تا کنون بیش از سی عنوان کتاب به سه زبان فارسی، فرانسه و انگلیسی منتشر کرده است.

این گفتگو در چند بخش برای کیهان لندن تنظیم شده که به مرور منتشر می‌شود. در بخش نخست درباره‌ی مفهوم «سیاست» گفتگو شد و این نکته که آنچه «سیاست» باید باشد با آن سیاستی که عملاً وجود دارد، بسیار متفاوت است.

در بخش دوم بحث بر سر این موضوع اصلی «گفتگو شد که اساساً سیاست به عنوان «هنر ساماندهی جامعه» چگونه باید شکل بگیرد. کدام نگاه به انسان به کدام سیاست منجر می‌شود و «عقل» در این میان چه نقشی دارد.

بخش سوم این گفتگو به نقش افرادی چون محمدعلی فروغی در سیاست ایران اختصاص دارد.

بخش سوم

● یوسف مصدقی: به نظر من بد نیست به سیاست در ایران بپردازیم. می‌دانم که بین سیاستمداران معاصر ایران به محمدعلی فروغی (دکاء‌الملک) علاقه‌ی خاصی دارید و چند مقاله و تألیف هم در مورد او منتشر کرده‌اید. علت این علاقه چیست؟ چه ویژگی‌ای در فروغی شما را این چنین به او جذب می‌کند؟ آیا به خاطر فرزندی و دانش فروغی است یا نوع سیاست‌ورزی او یا به خاطر نهادهایی که او بانی و بنیانگذار آنها بوده‌است؟

رامین جهاننگلو: وقتی ما افرادی مثل فروغی را مثال می‌زنیم باید روشنگری سیاسی را از نخیه‌گری سیاسی جدا کنیم. چون نخیه‌گری سیاسی بی‌مورد است و آن بحث که نخیه سیاسی که کارشناس است و فقط کارشناسان هستند که می‌توانند رهبری سیاسی را به عهده بگیرند.

صادق خلخالی یک قاتل بود



● **خلخالی: در شب 24 بهمن ماه 1357 در مدرسه رفاه من تعداد 24 نفر را محکوم کرده بودم که به علت دخالت‌ها فقط دستور اعدام چهار نفر یاد شده - یعنی نصیری، خسرو داد، ناجی و رحیمی - را صادر کردم. آنها در پشت بام مدرسه رفاه اعدام شدند و این اولین اعدام ما بود. البته من با خون دل سرانجام توانستم همان 24 نفر را به تدریج اعدام کنم!**

● **رویدادها و احکام خلخالی در کردستان و ترکمن صحرا به کنار، آیا فاطمه صادقی خاطرات پدرش را هم نخوانده است؟!**

روشنک آسترکی - فاطمه صادقی، دختر صادق خلخالی، در مصاحبه‌ای با شماره 44 ماهنامه «اندیشه پویا» به جزئیاتی از زندگی پدرش اشاره کرده و به اظهار نظر در مورد شخصیت پدرش، حاکم شرع پس از انقلاب سال 57 در ایران، پرداخته است.

فاطمه صادقی در بخشی از این مصاحبه گفته است: «بابای من دستور مرگ داده اما دزدی نکرده است» و همین‌طور گفته است: «پدر من سختگیر بود ولی خشن نبود». این سخنان تا جایی که به بازتاب لایه‌های عاطفی و روانی فرزندی نسبت به پدرش مربوط می‌شود، قابل پذیرش است. دفاع دختری از پدر خود و اینکه او را نمونه همه خوبی‌ها و حتی قهرمان زندگی خود ببینید چندان عجیب نیست اما به این شرط که اظهار نظرها و دفاع کردن‌ها از صحنه سیاسی و تاریخی خارج باشد و داوری و نگاه فرزند نسبت به پدر وارد حوزه و حیطة سیاسی نشود.

با توجه به اینکه در ایران کمتر نشریه‌ای مستقل است و هر نشریه‌ای، و به تبع آن، هر مطلبی آدرسی دارد، این سخنان را نمی‌شود صرفاً در حوزه روان‌شناسی خصوصی افراد دید بلکه یک موضع‌گیری است که وسط معرکه سیاسی عنوان شده است.

با این شرایط اگر پاسخی مبتنی بر حقایق تاریخی به آنچه در پس این حس عاطفی بیان شده، داده نشود در آن صورت مجوزی پیدا می‌شود که همه قتل‌ها و همه قاتل‌ها توسط وابستگان قاتل با تکیه بر ویژگی‌های آن شخص در حوزه خصوصی، تبرئه شود.

در پاسخ به جملات یادشده از فاطمه صادقی در بالا، باید گفت: بابای شما فقط «دستور مرگ» نداده بلکه بابای شما یک قاتل بودا چرا که اگر مساله تنها «صدور حکم مرگ» می‌بود می‌شد مساله را اینطور دید که یک قاضی مطابق با احکام و قوانین موجود، عمل یا اقدامی را جنایت ارزیابی کرده و حکم اشد مجازات یعنی مرگ را برای مجرم صادر کرده است. اما در مورد صادق خلخالی بحث این نیست که به عنوان قاضی «حکم مرگ» صادر کرده و چون در عین حال «دزدی» هم نکرده پس در نتیجه قاضی پاکي بوده بلکه تمام مساله این است که خلخالی در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی، در هر دورانی از تاریخ که می‌بود، یک قاتل و یک جنایتکار است. همان‌گونه که همه‌ی قضات و حاکمان رژیم‌های توتالیتر هستند. رژیم‌هایی که جرم محکومان‌شان، مخالفت با آنها بوده است!

خلخالی مورد عنایت و ارادت اصلاح‌طلبان بود

اصلاح‌طلبان در این سال‌ها با تکیه بر قدرت رسانه‌ای کوشیده‌اند شخصیت نیروهای اصلی خود را مطابق با استاندارد مورد قبول روز جامعه بازسازی کنند؛ در این راه فرزندان آنها نیز بسیار کوشا هستند. آنها می‌کوشند چهره‌های قدیس‌گونه و فرشته مآب از جناح «چپ» انقلابیون، یعنی همان‌هایی که تندروترین جناح انقلاب بوده‌اند، ارائه دهند. همان‌هایی که کم فردی در

بین‌شان هست که دستش به خون آلوده نباشد.

محمدصادق صادقی گیوی، معروف به صادق خلخالی که عضو مجمع روحانیون مبارز بود و زمانی یکی از قدیمی‌ترین گروه‌های چپ‌گرای ایران، حزب توده، از او هم در انتخابات نخستین مجلس پس از انقلاب و نخستین انتخابات ریاست جمهوری پشتیبانی کرده بود، در انتخابات ریاست جمهوری سال 1376 از محمد خاتمی حمایت کرد. فاطمه صادقی در گفتگو با «اندیشه پویا» درباره حمایت پدرش از محمد خاتمی گفته است: «پدرم خیلی طرفدار خاتمی بود. فضای خانه ما این بود که باید به خاتمی رأی داد. پدر من هم خیلی طرفدار خاتمی بود. آن شب تصادفاً همه دور هم

صادق خلخالی پیامی صادر کرد و البته پیام رئیس مجلس وقت، حجت الاسلام مهدی کروبی، نیز نشان از ارادت ویژه او به صادق خلخالی داشت. در این پیام تسلیت آمده است: «خدمات و مجاهدات این روحانی عظیم‌القدر در دوران قبل و پس از انقلاب اسلامی در صفحات زرین تاریخ پرشکوه انقلاب اسلامی متجلی است.»

علاقه و ارادت مهدی کروبی به صادق خلخالی پیش از مرگ و در دوران انزوایش هم شامل حال او بوده به‌طوری که کیان ارثی، داماد خلخالی و نماینده فریدونشهر و فریدن در مجلس شورای اسلامی در گفتگویی با روزنامه کیهان چاپ تهران از دلسوزی‌های مهدی کروبی



جمع بودیم که صحبت از انتخابات شد. من گفتم رأی نمی‌دهم و دلایل خودم را برای رأی ندادن داشتم. خیلی هم تند بودم. مهمانی تمام شد و پدرم هم شب به قم رفت. صبح فردا من هنوز خواب بودم که تلفن کرد. تعجب کردم چون بابا خیلی کمی تلفن می‌کرد مگر کار خیلی واجبی داشت. گفتم من به عنوان پدر از تو خواهش می‌کنم به خاتمی رأی بدهی. واقعا قصد رأی دادن نداشتم اما گفتم چشم فقط برای برآورده کردن خواهش شما می‌روم.»

از سوی دیگر مجمع روحانیون مبارز پس از مرگ صادق خلخالی بیانیه‌ای صادر و او را «عالم ربانی و روحانی مجاهد» که «شمشیر برآن و سربازی آماده برای انقلاب بود» خطاب کرد. در بخشی از بیانیه تسلیت مجمع روحانیون مبارز برای صادق خلخالی آمده است: «نام او با تاریخ انقلاب آنچنان گره خورده است که از ایشان شخصیتی ماندگار به جای نهاده که هرگز از خاطره تاریخ و زمان زودوده نخواهد شد. وفاداری، اخلاص و پایبندی به اصول و آرمان‌های امام خمینی از لحظه‌های آشنایی او با پیر و مراد خویش و نیز جدیت و طبعیت و شکست‌ناپذیری ایشان در روزهای سخت و بحرانی و سرنوشت ساز سال‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی، نشانگر اوج ایمان و ارادت او به رهبری انقلاب اسلامی و تعهد و مسوولیت‌شناسی او نسبت به اصول و نظام نوپای اسلامی بود.» محمد خاتمی نیز برای درگذشت

صالح و عادلانه محاکمه می‌شد، وکلایش قطعاً برای تخفیف مجازات وی به اختلال روحی و فکری وی استناد می‌کردند. بعد از آنکه آیت‌الله خمینی حکم قضاوت شرع و دادگاه‌های انقلاب را به صادق خلخالی داد، نام او با سرعت بر سر زبان‌ها افتاد. خلخالی در خاطرات خود می‌گوید: «حکم خمینی را پذیرفتم و داد مستضعفان و ملت مظلوم در طول تاریخ را از مستکبرانی مانند هویدا و خسرو داد و ربیعی و رحیمی و پاکروان، مقدم و نصیری و مهندس ریاضی و خلعتبری و صدها سپهبد و سرلشکر و ساواکی و خوانین گردن کلفت و دیگر مفسدین فی‌الارض را به وجه احسن گرفتم و آنها را به پای میز محاکمه کشاندم و به جزای عمل‌شان رساندم.»

خلخالی آمده، او یک فرمول ساده داشته: سیستم حکومت پهلوی آن هم پس از تبعید خمینی از ایران، سیستم جور بود و «هر کس عمله آن بوده مفسد فی‌الارض است» و باید بمیرد: «من عقیده داشتم و حالا هم معتقدم که تمام وکلای مجلسین شورا و سنا و همه استانداران و روسای ساواک و شهربانی که از سال 42 به بعد و پس از تحریم امام بر سر کار بودند محکوم به اعدام می‌باشند در حالی که عده انگشت شماری از آنها اعدام شدند.»

این، قضاوت خلخالی و در واقع حکم از پیش صادرشده‌ی او برای همه افرادی است که قرار بوده محاکمه شوند. گذشته از اینکه اصول آیین دادرسی و قوانین موضوعه همان زمان ایران رعایت نشده بلکه



خلخالی حتی در حد متعارف نیز قاتل به «قضا» نبوده بلکه به عنوان یک انقلابی - اسلامی دواشته با حکمی که پیشاپیش صادر کرده بود، قربانیان خود را به کام مرگ می‌فرستاد. وی پس از سال‌ها نیز نه تنها از جنایات خود پشیمان نشد بلکه نسبت به اینکه چرا کم اعدام کرده تاسف می‌خورد.

خلخالی در خاطرات خود می‌گوید: «در شب 24 بهمن ماه 1357 در مدرسه رفاه من تعداد 24 نفر را محکوم کرده بودم که به علت دخالت‌ها فقط دستور اعدام چهار نفر یاد شده - یعنی نصیری، خسرو داد، ناجی و رحیمی - را صادر کردم. آنها در پشت بام مدرسه رفاه اعدام شدند و این اولین اعدام ما بود. البته من با خون دل سرانجام توانستم همان 24 نفر را به تدریج اعدام کنم!»

آیا فاطمه صادقی که به گفته‌ی خودش خبر ندارد در کردستان چه اتفاقی افتاده و جنایات خلخالی را با «شرایط انقلابی» توجیه می‌کند، خاطرات پدرش را هم نخوانده است؟! او در بخش دیگری از خاطراتش می‌گوید: «فردای که در دادگاه‌های انقلاب با حکم این جانب اعدام شدند از مهره‌های اصلی دستگاه نظام شاه‌نشاهی بودند و من هیچ‌گونه رحمی به آنها نکردم زیرا ترحم بر پلنگ تیزدندان ستم‌کاری بود بر گوسفندان! من رنج حرمان ملت ایران را که به دست همین سفاکان بر آنها تحمیل شده بود دیده بودم.» خلخالی مدعی است این افراد

خلخالی این سخنان را در قالب خاطراتش سال‌ها پس از ارتکاب به قتل‌های فعالان سیاسی و مقامات حکومت پهلوی در سال‌های نخست پس از انقلاب و دهه شصت گفته است. در نتیجه استدلال او باید پخته‌تر از آن فکری باشد که حین انجام اعدام‌ها داشته اما در همین خاطرات هم نشان می‌دهد چگونه بر پایه‌ی عقیده و ایمان، حکم قضایی علیه کسانی صادر کرده که جرم‌شان یا کار و خدمت در قیل از انقلاب رسیده و یا فقط داشتن یک عقیده‌ی دیگر.

این خاطرات اگر حکم دفاعیه‌ی اندیشیده شده او را داشته باشد باز هم به اندازه کافی گویای ابعاد جناح‌یتکارانه‌ی اقدامات صادق خلخالی است. «داد مستضعفان» و «ملت مظلوم در طول تاریخ» را چگونه می‌شود با اعدام خسرو داد و چند سرلشکر و سپهبد گرفت؟ «داد مستضعفان در طول تاریخ» چه ربطی به محاکمه و اعدام بلندپایگان رژیم گذشته داشت؟ چگونه می‌شود با تکیه بر این کلیات، ارتش یک کشور را از هم پاشاند و امیران آن را به جوخه اعدام سپرد؟

واسع‌ترین است که خلخالی بر اساس همین اختلال فکری، صدها نفر را به اتهام واهی «مفسد فی‌الارض» محاکمه و اعدام کرد. دلیل او برای «مفسد فی‌الارض» دانستن این قربانیان چه بوده است؟ بر اساس آنچه در خاطرات صادق

خلخالی آمده، او یک فرمول ساده داشته: سیستم حکومت پهلوی آن هم پس از تبعید خمینی از ایران، سیستم جور بود و «هر کس عمله آن بوده مفسد فی‌الارض است» و باید بمیرد: «من عقیده داشتم و حالا هم معتقدم که تمام وکلای مجلسین شورا و سنا و همه استانداران و روسای ساواک و شهربانی که از سال 42 به بعد و پس از تحریم امام بر سر کار بودند محکوم به اعدام می‌باشند در حالی که عده انگشت شماری از آنها اعدام شدند.»

این، قضاوت خلخالی و در واقع حکم از پیش صادرشده‌ی او برای همه افرادی است که قرار بوده محاکمه شوند. گذشته از اینکه اصول آیین دادرسی و قوانین موضوعه همان زمان ایران رعایت نشده بلکه

خلخالی حتی در حد متعارف نیز قاتل به «قضا» نبوده بلکه به عنوان یک انقلابی - اسلامی دواشته با حکمی که پیشاپیش صادر کرده بود، قربانیان خود را به کام مرگ می‌فرستاد. وی پس از سال‌ها نیز نه تنها از جنایات خود پشیمان نشد بلکه نسبت به اینکه چرا کم اعدام کرده تاسف می‌خورد.

خلخالی در خاطرات خود می‌گوید: «در شب 24 بهمن ماه 1357 در مدرسه رفاه من تعداد 24 نفر را محکوم کرده بودم که به علت دخالت‌ها فقط دستور اعدام چهار نفر یاد شده - یعنی نصیری، خسرو داد، ناجی و رحیمی - را صادر کردم. آنها در پشت بام مدرسه رفاه اعدام شدند و این اولین اعدام ما بود. البته من با خون دل سرانجام توانستم همان 24 نفر را به تدریج اعدام کنم!»

آیا فاطمه صادقی که به گفته‌ی خودش خبر ندارد در کردستان چه اتفاقی افتاده و جنایات خلخالی را با «شرایط انقلابی» توجیه می‌کند، خاطرات پدرش را هم نخوانده است؟! او در بخش دیگری از خاطراتش می‌گوید: «فردای که در دادگاه‌های انقلاب با حکم این جانب اعدام شدند از مهره‌های اصلی دستگاه نظام شاه‌نشاهی بودند و من هیچ‌گونه رحمی به آنها نکردم زیرا ترحم بر پلنگ تیزدندان ستم‌کاری بود بر گوسفندان! من رنج حرمان ملت ایران را که به دست همین سفاکان بر آنها تحمیل شده بود دیده بودم.» خلخالی مدعی است این افراد

«کشاورزی و دامداری و صنعت مملکت را به نابودی کشانند». این «کیفرخواست» خلخالی علیه امرای ارتش ایران و وزرای است که به فرمان او به قتل رسیدند. او همچنین ادعا می‌کند: «این عاملین فساد با اسلام و قرآن مخالف بودند و ارتشی می‌خواستند که در داخل ایران ملت را سرکوب کند و در عمان و مسقط و ظفار، اعراب مسلمان را به خاک و خون بکشد.» او از ارتش انتقام می‌گرفت. اقدامات او به حدی تند و با عطش همراه بود که در اعدام شمس تبریزی، فرمانده لشکر زرهی اهواز، آیت‌الله خزعلی معترض او شده و گفته بود «عجله کرده‌ای». همچنین او بدون برگزاری دادگاهی و یا حتی تفهیم اتهام به بسیاری از مقامات و وزرای حکومت پهلوی مانند محمدرضا عاملی تهرانی، که پرونده‌ی سینما رفس آبدان را پیگیری می‌کرد، آنها را به کام مرگ فرستاد. او نسلی از ارتشی‌ها و وزار و کارشناسان ایران را برانداخت که جمهوری اسلامی هنوز با گذشت چهار دهه از انقلاب ویرانگرش، از تربیت و پرورش چند نفر مانند آنها عاجز و درمانده است.

خلخالی روند قضایی را ضروری نمی‌دانست

برخلاف آنچه برخی معتقدند، بررسی اعمال و اعدام‌های خلخالی به حال و هوای زمانه و مقتضای آن روزگار و مصالح انقلاب اسلامی بر نمی‌گردد بلکه به طرز فکر او مربوط است؛ طرز فکری که به شدت تبهکارانه بوده و برای از میان برداشتن هر آن‌کس که تشخیص می‌داده، به روند قضایی نیازی نداشته است.

جالب است در حالی که عده‌ای برای امیرعباس هویدا وکیل فرانسوی استخدام کرده بودند که در دادگاه از او دفاع کند اما آن وکیل در راه سفر به ایران شنید که هویدا کشته شده است. حتا خود انقلابیون هم نمی‌توانستند مانع از عطش خلخالی به اعدام و کشتار شوند. خودش در خاطراتش اذعان می‌کند که: «در محاکمه بعضی از افراد توصیه‌هایی به من می‌شد، اما صبح که از خواب بیدار می‌شدند خبردار می‌شدند که من آنها را اعدام کرده‌ام.»

ابوالقاسم سرحدی‌زاده، عضو شورای مرکز حزب جمهوری اسلامی و وزیر سابق کار و امور اجتماعی، در مصاحبه با جام جم گفته است: «یکی از نگهبان‌های بزرگی قانونی برای شهیدبهرشتی نامه نوشته بود که در یک شب که من در اینجا نگهبان بودم از دادگاهی که مسئولیت آن با مرحوم آقای خلخالی بود چهار نفر اعدامی را برای ما فرستادند که آنجا بماند تا صبح ببرند و دفن کنند. این چهار جنازه را در سردخانه گذاشتیم نیمه‌های شب از محل نگهداری جنازه‌ها سر و صدایی آمد دیدم یکی از این اعدامی‌ها هنوز نیمه جان است و من به سرعت با آقای خلخالی تماس گرفتم و موضوع را اطلاع دادم و آنها هم شبانه دو سه نفر را فرستادند، فرد نیمه‌جان را با تیر زدند و رفتند ما هم که در ترس و واهمه از آن مامورین بودیم هیچ عکس‌عملی نشان ندادیم.» فاطمه صادقی این عبارات را نخوانده است؟! ابوالفضل توکلی نیز در مصاحبه با خبر آنلاین می‌گوید خلخالی حکم اعدام خود را هم امضا کرده بود: «بچه‌های ما در زندان قصر یک روز حکم اعدام عده‌ای را تایپ کرده و نزد خلخالی می‌برند، بین این احکام اعدام، حکم اعدام خود خلخالی را هم قرار می‌دهند، خلخالی حتی حکم اعدام خودش را هم امضا کرده بود.»

فاطمه صادقی این را هم ندیده است؟! در پایان باید به این نکته اشاره کرد که فاطمه صادقی در گفتگویی خود با «اندیشه پویا» با دلخوری از اینکه پدرش را «دزد» نامیده‌اند سخن می‌گوید و پافشاری می‌کند که او «دزد» نبوده است! گذشته از طنز سیاه و تلخ این ادعا در رابطه با اعدام‌هایی که به فرمان خلخالی صورت گرفت، باید گفت تا کنون موضوع «دزدی» خلخالی مورد بررسی قرار نگرفته و باید دید در جریان اعدام افرادی که اموال‌شان نیز مصادره می‌شد، وی چه نقشی داشته است.

زنان شاخص

فتانه حاج سیدجوادی (۱۳۲۴ - کازرون)



فتانه حاج سیدجوادی رمان نویس ایرانی است. رمان پرفروش او، بامداد خمار دهها بار در ایران تجدید چاپ شد. این کتاب در ۱۰ سال ۳۰۰ هزار نسخه فروش داشته و برخی از نوبت‌های چاپ آن با شمارگان ۱۰ تا ۱۸ هزار نسخه در خور توجه است. این کتاب، داستان سوزناک عشق نافرجام دختری از اعیان دوره قدیم تهران به جوانی نجار از طبقه پایین جامعه است. بامداد خمار یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های معاصر ایران است و به همین دلیل از ادبیات عامه‌پسند می‌باشد. این رمان با بحث‌های داغ و نقدهای بسیار روبه‌رو شد. موافقان، آن را برای مقوله روابط میان زنان و مردان جوان مفید دانسته و یا درس عبرتی دانستند برای جوانان بی‌تجربه. مخالفان، آن را دفاع از اصالت و شرافت طبقات بالادست جامعه و تحقیر فرودستان دانستند. از معروف‌ترین موافقان این

حتما همه شما با یک لیوان چای و تنقلات عصرانه موافق هستید؛ اما کدام نوع از این تنقلات را ترجیح می‌دهید؟ خرما، توت، انجیر یا کشمش؟ برخی چای عصرانه خود را با قند می‌نوشند و برخی عادت به طعم تلخ چای دارند. یک ضرب‌المثل انگلیسی هست که می‌گوید: «نه قند بخورید، نه نمک!» این دو سم سفید سلامت بدن را تهدید می‌کنند. بهتر است تنقلات چای عصرانه‌تان مواد مغذی، بی‌ضرر و حاوی ارزش غذایی بالا باشد. این سینی چای ما سرشار از مواد مغذی است.

چای را با چه چیزی بنوشیم؟

شفابخشی دارد. به افرادی که عصبی هستند، خوردن توت پیشنهاد می‌شود؛ چراکه آرام‌بخش مؤثری محسوب می‌شود. مصرف توت برای زخم معده نیز مفید است.

تقویت معده

انجیر هم انتخاب مناسبی است. انجیر، نیروبخش و مولد انرژی است و مواد لازم برای سوخت‌وساز بدن را فراهم می‌کند. انجیر برای نرم کردن سینه فواید بسیار دارد. جالب است که بدانید اگر ۴۰ تا ۱۲۰ گرم انجیر خشک را در یک لیتر آب بجوشانید، جوشانده‌ای به‌دست می‌آید که برای معالجه زکام‌های شدید و تورم حنجره مفید است. انجیر به علت دارا بودن دانه‌های ریز باعث تقویت معده و روده می‌شود؛ ولی برای کبد‌های ضعیف زیان‌آور است. هضم انجیر نیز ساده است و برای کودکان و افرادی که از بستر بیماری برخاسته‌اند و دوره

سلاح کم‌خونی

خرما میوه‌ای گرمسیری بوده که بسیار خوش‌طعم است و به‌صورت تازه و خشک مصرف می‌شود. خرما سرشار از فسفر و کلسیم است که برای تندرستی بدن واجب بوده و از آن‌جایی که دارای مقادیر بالایی ویتامین A است، در رشد و نگهداری کلسیم در بدن مؤثر است. فسفری که در خرما وجود دارد، در سرزنده نگاه‌داشتن سلول‌های عصبی نقش به‌سزایی دارد و کمبودهای بدن را جبران می‌کند. اگر از کم‌خونی رنج می‌برید، مصرف خرما را جدی بگیرید. خرما به علت داشتن آهن در نیروبخشیدن به گلبول‌های قرمز خون مؤثر است و کم‌خونی را معالجه می‌کند. منیزیم موجود در خرما باعث مصونیت بدن در برابر سرطان می‌شود و در تقویت سیستم عصبی و قوه ادراک مؤثر است. خرما به علت داشتن گروه ویتامین‌های B برای تولید و انتقال انرژی، نمو جنین، سوخت‌وساز مواد پروتئینی و درمان بیماری‌های قلبی‌عروقی و کبد مؤثر است. به‌طور کلی خرما میوه‌ای انرژی‌دهنده و ماده غذایی کاملی است.

شفابخش بیماری‌های تنفسی

جالب است که بدانید توت از جمله میوه‌هایی است که همه بخش‌های آن از میوه، برگ و شیره گرفته تا پوست شاخه‌های آن در طب استفاده می‌شود. توت سرشار از املاح معدنی، مواد چربی و ویتامین‌های C و A است. مواد غذایی توت وقتی جذب بدن می‌شود که صبح ناشتا یا عصر در فاصله غذایی ظهر و شام (درواقع همان عصرانه) خورده شود. قند موجود در توت سفید برای کسانی که مبتلا به دیابت هستند، بی‌ضرر است و اغلب به این افراد توصیه می‌شود چای را همراه با توت خشک بنوشند. توت ادراک‌آور بوده و ملین مزاج است. همچنین در بیماری‌های دستگاه تنفس اثرات



علل افتادگی چشم

امروزه از جمله جدی‌ترین مشکلاتی که زیبایی بانوان را تحت الشعاع قرار می‌دهد افتادگی چشم است. افراد بسیاری هستند که به دنبال یافتن راهی مناسب برای درمان این اختلال هستند. تشکیل کیسه و افتادگی پوست دور چشم‌ها اصولاً ارثی بوده و معمولاً با بالا رفتن سن به وجود می‌آید هر چند که زودتر هم ممکن است ایجاد شود. در حالت عادی پوست این مناطق ظریف‌تر بوده و به زیر پوست محکم چسبیده نیست. بتدریج که شخص پیر می‌شود برخی از عضلات زیری و بافت‌های زیرین تحلیل می‌رود و پلک پایین می‌افتد و چین می‌خورد. اقدامات آرایشی کار زیادی نمی‌توانند بکنند. با هر پلک زدن عضلات و پوست پلک‌های فوقانی قدری کشیده می‌شوند؛ ولی فیبرهای الاستیک موجود در پوست، آنها را به موقعیت طبیعی خود باز می‌گردانند. در طول زمان، پوست و عضلات پلک بالا طولانی‌تر می‌شوند و در نهایت یک چین کوچک پوستی به دلیل پوست اضافه، به وجود می‌آید که به سمت خارج برجسته شده و روی پلک آویزان می‌شود. در بعضی افراد، این پوست حتی تا روی مژه‌ها می‌آید و در فرد، ایجاد احساس ناراحتی کرده و نگاه کردن به سمت بالا را مشکل می‌سازد. اگر مشکل شدید باشد، فرد متوجه محدودیت دید خود توسط پلک پایین افتاده می‌شود. ایجاد پوست اضافه در پلک بالا می‌تواند به دلیل پایین افتادگی ابرو باشد. در این موارد، جراحی پلک به تنهایی نمی‌تواند نتیجه ایده‌آل داشته باشد. پایین افتادگی پلک تحتانی، به صورت کیسه‌های زیر چشم خود را نشان می‌دهد. تقریباً هر فردی در این ناحیه دچار درجاتی از افتادگی

روش اول:

یک: شکر و ملاس دلدوره، تشویش و مشکلات عصبی هستند، بسیار مناسب است. در کشمش مقدار کمی آنتی‌اکسیدان وجود دارد که از تخریب سلول‌ها جلوگیری می‌کند. جالب است که بدانید کشمش با این‌که شیرین و چسبنده است؛ اما باعث خراب‌شدن دندان‌ها و بیماری‌های لثه نمی‌شود و برعکس سلامت آن‌ها را بهبود می‌بخشد. یکی از موادی که در کشمش وجود دارد، اسید اولئولیک است که برای از بین بردن باکتری‌هایی که باعث خراب‌شدن دندان‌ها می‌شود، بسیار مؤثر است.



تصفیه خون

یکی از برطرف‌دارترین نوشیدنی‌های عصرانه چای است. چای نوشیدنی مفیدی است که برای تصفیه خون استفاده می‌شود. این نوشیدنی از طریق ازدیاد ترشحات کلیدی خون را تصفیه می‌کند. همچنین به هضم غذا کمک می‌کند و سبب نشاط می‌شود و خواب‌الودگی را دور می‌کند. کافئین موجود در چای آرام‌بخش بوده و تنش و استرس را از بین می‌برد. تنوفیلین ساختاری مانند کافئین دارد که در چای سبز و سیاه به‌وفور دیده می‌شود. این ماده باعث شل‌شدن عضلات، افزایش‌دهنده جریان خون در کلیه، افزایش انقباض‌پذیری و کارایی عضلات قلب، تنظیم ضربان قلب، کاهش فشارخون و اثرات التهابی می‌شود. ویتامین B کمپلکس موجود در چای نیز سبب بهبود سوخت‌وساز بدن می‌شود. در چای مقداری فلوراید وجود دارد که سبب استحکام دندان و پیشگیری از بوی بد دهان می‌شود.

رفع افسردگی

کشمش برای تقویت انرژی فوق‌العاده است. فیبر موجود در کشمش به کاهش کلسترول و بهبود عملکرد روده‌ها کمک می‌کند. در کنار آن پتاسیم موجود در کشمش موجب کاهش فشارخون و جلوگیری از دفع مایعات بدن می‌شود. اگر می‌خواهید پوست زیبا، جوان و باطراوتی داشته باشید، کشمش بخورید. سلنیوم موجود در کشمش سلامت پوست‌تان را تضمین می‌کند. همچنین کشمش مقادیر قابل‌توجهی ویتامین A و B دارد که برای سلامت پوست لازم است. چون این ماده غنی از کالری است، برای کسانی که مبتلا



زن روز

سازش می‌سندید با هیچ بهانه کز خون شهیدان رودی ست روانه از ریشه بَبَرید آن دست که دریاغ می‌کند شکوفه می‌سوخند جوانه بس غنچه زدل‌ها ترکیب به سینه پس میوه زسرها آویخت به شانه آن پنجه ی بیداد از بُند، جدا باد کز سینه سپهراب بگرفت نشانه هر کشته گمنام زان سرو قدان را بر گور نشانید سروی به نشانه بسازش می‌سندید بر وعده بخندید کافتاده به حیلت دام از بی دانه تا کعبه ی مقصود راه دگری هست جولانگه دیو است این راه میانه



سیمین بهبهانی

چطور شکر قهوه‌ای درست کنیم؟

کنید، اما شما باید یک/دوم پیمانه (۲۰ میلی لیتر) را به ازای هر یک پیمانه (۲۴۰ میلی لیتر) شربت افرازی که استفاده می‌کنید، کم دهید. از استفاده شربت افرازی در دستورهای غذایی که نیاز به کره و شکر دارند، بپرهیزید. شربت افرازی را می‌توانید برای درست کردن آب نبات، کارامل، بستنی و پودینگ استفاده کنید.

ملاس را به دیگر مواد اضافه کنید. چهارم: اگر می‌خواهید تا خمیری با حجم زیاد داشته باشید به همان میزان می‌توانید دو یا سه بار پیمانه را اضافه کنید. از یک دستگاه هم‌زن یا مخلوط‌کن بزرگتر استفاده کنید و حدود پنج دقیقه شکر و ملاس را مخلوط کنید.

جایگزین‌های شکر قهوه‌ای

اول: عسل را به جای شکر قهوه‌ای استفاده کنید. اگر شکر قهوه‌ای یا ملاس را در دسترس ندارید، به جای شکر قهوه‌ای در دستورالعمل خود، از عسل استفاده کنید. برای جایگزینی عسل، از یک/دوم پیمانه (۱۷۰ گرم) تا سه/چهارم پیمانه (۲۵۵ گرم) عسل برای هر پیمانه (۲۰۰ گرم) شکر قهوه‌ای که مورد نیاز است؛ اضافه کنید و همچنین یک/چهارم قاشق چای‌خوری بکینگ پودر به آنها اضافه کنید. شما همچنین باید ۲۰ درصد مایعات را از دستور پخت کم کنید و درجه

چطور از شکر قهوه‌ای نگهداری کنید؟

شکر قهوه‌ای را باید در ظروفی بدون روزه نگهداری کنید. بهتر است آن را در انبار بگذارید؛ جایی که خشک و خنک است. اگر ظروف مخصوص بدون روزه ندارید، باید از کیسه‌پلاستیک‌های دارای زیپ استفاده کنید که با مکش هوا، اجازه ورود رطوبت و هوا به داخل را نمی‌دهند.

اگر شکر قهوه‌ای دچار چسبندگی شده و می‌خواهید تا آن را نرم کنید، شکر را داخل ظرف مخصوص بریزید و داخل مایکروویو بگذارید. باید ۱۵ تا ۲۰ ثانیه صبر کنید تا شکر نرم شود. شکر را می‌توانید در مجاورت نان قرار دهید. نان رطوبت شکر را می‌گیرد و خودش نرم می‌شود. البته به یاد داشته باشید که نباید بیش از حد این زمان طول بکشد، چون نان از بین می‌رود. همچنین یک یا دو تکه سیب هم می‌توانید در مجاورت شکر، قرار دهید تا آن را نرم کند.



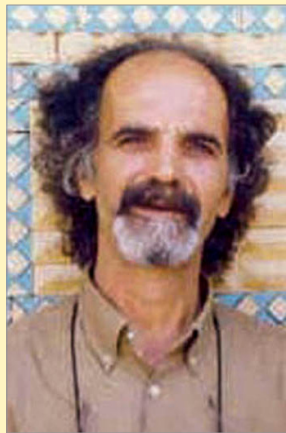
شیرین است ولی مقدار سدیم آن بیشتر از ملاس معمولی است. دو: ملاس و شکر را در مخلوط‌کن ترکیب کنید. برای داشتن بهترین ترکیب، از یک مخلوط‌کن ایستاده و یا برقی برای ترکیب کردن ملاس و شکر استفاده کنید تا مخلوط بدست آمده قهوه‌ای طلایی، نرم و پف کرده شود. این کار می‌تواند چندین دقیقه طول بکشد. همچنین می‌توانید مواد اولیه را در یک غذاساز با هم ترکیب کنید.

اگر قصد دارید تا شکر را با چنگال مخلوط کنید. اگر مخلوط‌کن ندارید یا فقط می‌خواهید تا شکر، رنگ قهوه‌ای کمتری داشته باشد، می‌توانید ملاس و شکر را در یک کاسه کوچک قرار دهید و از یک چنگال برای مخلوط کردن استفاده کنید.

اگر قصد دارید تا برای کیک‌پزی از شکر قهوه‌ای استفاده کنید، اصلاً نیازی به استفاده از هم‌زن برای ترکیب شکر و ملاس ندارید. فقط مواد لازم را به دستور کیک اضافه کنید. به عنوان مثال، اگر قصد دارد که بیسکوئیت بپزد، فقط کافی است که شکر و



مردان شاخص



هوشنگ گلشیری (۱۳۱۶ - ۱۳۷۹)

هوشنگ گلشیری نویسنده معاصر ایرانی و سردبیر مجله کارنامه بود. مورخان ادبی وی را از تأثیرگذارترین داستان‌نویسان معاصر زبان فارسی دانسته‌اند او با نگارش رمان کوتاه شازده احتجاب در اواخر دهه چهل خورشیدی به شهرت فراوانی رسید. این کتاب را یکی از قوی‌ترین داستان‌های ایرانی خوانده‌اند. وی با تشکیل جلسات هفتگی داستان‌خوانی و نقد داستان از سال ۱۳۶۲ تا پایان عمر خود نسلی از نویسندگان را پرورش داد که در دهه هفتاد خورشیدی به شهرت رسیدند. او همچنین عضو کانون نویسندگان ایران و از بنیانگذاران حلقه ادبی خنگ اصفهان بود. گلشیری همکاری خود را با مطبوعات از جوانی آغاز کرد. وی برخی آثار خود را در نشریاتی مانند پیام نوین، کیهان هفته و فردوسی به چاپ رساند. پس از راه‌اندازی جنگ اصفهان نیز گلشیری شاخص‌ترین چهره این جریان به شمار می‌رفت. پس از انقلاب نیز گلشیری فعالیت کارنامه بود.

روزنامه‌نگاری را ادامه داد. گلشیری از اواخر سال ۱۳۶۴، با همکاری با مجله آدینه از اولین شماره آن، و پس از آن، دنیای سخن، و پذیرش مسئولیت صفحات ادبی مفید برای ده شماره دور تازه‌ای از کار مطبوعاتی خود را آغاز کرد. سردبیری ارغوان که فقط یک شماره منتشر شد (خرداد ۱۳۷۰)، و سردبیری و همکاری با چند شماره نخست فصلنامه زنده رود (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲) ادامه فعالیت‌های مطبوعاتی او تا پیش از سردبیری کارنامه بود.



دلایل عرق سوز شدن بدن

انسداد غدد عرق در پوست سبب عرق سوز شدن شما می‌شود. این مشکل در اثر گرمای زیاد و طولانی مدت هوا یا تعریق بیش از حد ایجاد می‌شود. از جمله نشانه‌های عرق سوزی، ضایعات به شکل وزیکول و به رنگ قرمز و کوچک هستند که معمولاً بر روی قسمت‌های پوشیده بدن ایجاد می‌شوند. **پیشگیری از عرق سوز شدن:** از پوشیدن لباس‌هایی از جنس نایلون یا پلاستیک، در آب و هوای گرم و هنگام ورزش خودداری کنید؛ زیرا احتمال عرق سوز را افزایش می‌دهند. دوش گرفتن با آب سرد می‌تواند تا حدی ناراحتی ناشی از عرق سوز را کاهش دهد. استفاده از **کمپرس آب سرد** (مثل حوله خیس شده در آب سرد) را فراموش نکنید، زیرا خارش و سوزش ناشی از عرق سوز را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. از **لباس‌های نخی و نازک** در هوای گرم استفاده کنید تا هوا به خوبی در بدن جریان داشته باشد. پوست عرق سوز شده را باز نگاهدارید و روی آن را کاملاً نبوشانید. از پوشیدن لباس‌های تنگ که سبب آزار منطقه عرق سوز می‌شود، جدا خودداری کنید. **لباس‌های گشاد و آزاد** انتخاب کنید تا هوای کافی به آن مناطق برسد و سریع‌تر بهبود یابد. **استحمام صبحگاهی** یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از عرق سوز شدن در تابستان است؛ زیرا موجب باز شدن منافذ پوست و دیر بسته شدن آنها، تعریق کمتر می‌شود. هرگز **مناطق عرق سوز شده را نخارانید**؛ زیرا خراشیدن آنها سبب عفونت می‌شود و ممکن است پزشک، برای از بین بردن عفونت مجبور به تجویز آنتی‌بیوتیک شود.

راه و روش صحیح مراقبت از گیاهان آپارتمانی

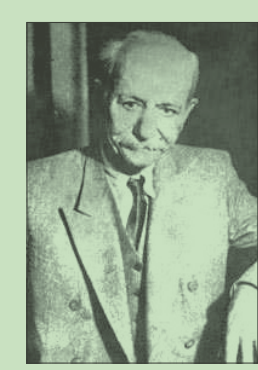
کلردار است. این گیاه محبوب و به گفته طرفدارانش متفاوت، به زیبایی محیط اطراف کمک شایانی می‌کند. **۶- در آسانای پرجمی** در آسانا جزو گیاهان درختی شکلی است که به دلیل مقاومت بالایی که دارد، نگهداری از آن بسیار آسان است. برگ‌های این گیاه بلند و کشیده است و بسیار سریع رشد می‌کند. این گیاه به نور کافی و غیرمستقیم آفتاب نیاز دارد. آبیاری آن هفته‌ای دو مرتبه در فصل تابستان کافی است. چه بهتر که برگ‌های این گیاه بسیار زیاد است و سریع را تمیز نگه دارید. **۷- برگ بیدی** این گیاه در گرمای زیاد هم مقاوم است. خاک این گیاه همیشه باید مرطوب باشد. برگ بیدی به سرعت داخل آب (به منظور تکثیر) و خاک رشد می‌کند و پر از ریشه می‌شود. ریشه‌های این گیاه بسیار زیاد است و برای نگهداری از آن باید هر چند وقت یکبار به فکر گلدان بزرگ‌تر باشید. این گیاه حتی در باغچه هم می‌تواند به‌عنوان گیاه رونده کاشته شود. **۸- گیاه برگ عبایی** شاید بتوان نام مقاوم‌ترین گیاه آپارتمانی را به برگ عبایی اختصاص داد در حدی که گفته می‌شود این گیاه حتی داخل کمد هم رشد می‌کند و به همین خاطر است که داخل آب (به منظور تکثیر) و خاک رشد می‌کند و پر از ریشه می‌شود. ریشه‌های این گیاه بسیار زیاد است و برای نگهداری از آن باید هر چند وقت یکبار به فکر گلدان بزرگ‌تر باشید. این گیاه حتی در باغچه هم می‌تواند به‌عنوان گیاه رونده کاشته شود.

۳- کالاتا اورانتا تنوع این گیاه بسیار بالاست. گیاهی که آفتاب مستقیم را دوست ندارد و نور متوسط برایش کافی است. کالاتا؛ به دلیل برگ‌های براق و زیبایش از گیاهان آپارتمانی زیبا محسوب می‌شود. برگ‌های این گیاه باید مرطوب باشد، اما به آبیاری زیادی احتیاج ندارد. ضمن این که گیاهی است که با نور کم آپارتمان هم سازگاری دارد. **۴- پاجیرا** نگهداری از این گیاه داخل منزل به نسبت راحت است، اما در دسته گیاهان گران قیمت قرار می‌گیرد. عده‌ای معتقدند این گیاه برای شان خوش شانس و پول به همراه می‌آورد؛ به همین خاطر است که با نام گیاه پول هم شناخته می‌شود. پاجیرا، به آبیاری زیاد حساس است و هفته‌ای یکبار برای آن کفایت می‌کند. نور متوسط برای این گیاه کافی است.

حتمی دولت محلی خود چک کنید: بعضی مراکز بسیاری از نوجوانان را برای تابستان استخدام می‌کنند، گاهی اوقات این استخدام‌ها برای کارآموزی صورت می‌گیرد و پرداختی ندارد ولی گاهی اوقات برای دستمزد ساعتی هم پرداخت می‌شود. بعضی از شهرها برنامه‌های اشتغال جوانان را به طور رسمی دنبال می‌کنند. **فرزندان را برای انجام کارهای غیر تخصصی استخدام کنید:** استخدام بچه‌ها برای انجام کارهایی مانند تمیز کردن گاراژ یا ساماندهی به اوضاع کمد لباس‌ها، ایده خوبی است. من دختر ۱۸ ساله‌ای را



مرد روز



علی اکبر دهخدا

چند گویی: نبود یک غمخوار
خواجه را گاه جان سپردن او،
بهر میراث خوارگان آسفا،
زان همه درد و رنج بردن او
محلّه تیم و حاصل ده را،
هفته و روز بر شمردن او
چو ز بحر محیط بوتیمار
خواجه را مال خود نخوردن او،
خواجه، همچون دگر لثیمان مرد
نسزد بیش یاد کردن او
بهترین کار خواجه در همه عمر
هیچ دانی چه بود؟ مردن او

چرا فرزند شما به کار تابستانی نیاز دارد؟

وقتی دانش‌آموز بودم، دو تابستان گرم را در یک مزرعه ارگانیک به وسعت ۳۵۰ هکتار در پنسیلوانیا مشغول به کار بودم. این یک اردوی تفریحی با برنامه تمرین‌های شنا و یا آموزش گره زدن کراوات‌های رنگی نبود، بلکه هدف آن توسعه مهارت‌های رهبری و ارتباطات بچه‌ها بود. همانند بسیاری از اردوهای طولانی، این کمپ از بچه‌هایی تشکیل می‌شد که به طور عمده از شهرها می‌آمدند و می‌توانستند از مزایای یک اردوی تابستانی برخوردار شوند. این شامل بسیاری از برنامه‌های دیگر مانند کلاس‌های خصوصی، مسافرت‌های بین‌المللی، و کلاس‌های ورزشی فوق برنامه هم بود. به طور معمول، نوجوانانی که به مزرعه می‌آمدند؛ اغلب نمی‌دانستند چگونه جارو را نگه دارند، سبب‌زینی

را تمیز کنند. یا بعد از خوردن شام، کف سالن غذاخوری را تمیز کنند تا بعد از آن بتوانند برای رقصیدن در آن آماده شوند. اگر آن موقع یک مشاور مدرسه بودم، یک خبر عجیب برای والدین داشتم: بچه‌ها تقاضای کار می‌کردند! کودکان در تمام سنین، و همه سطوح اقتصادی، به منظور داشتن احساس تعلق به یک جامعه نیاز به مسئولیت دارند. برای احساس اعتماد به نفس و کسب استقلال از خانواده، مدرسه و دنیای پیرامون خود؛ باید آموزش ببینند. وقتی والدین این فرصت و امتیاز را برای بچه‌ها در نظر نمی‌گیرند، در واقع به اشتباه فکر می‌کنند که به نفع آنها عمل کرده‌اند. اما در حقیقت، با این کار، افزایش عزت نفس و مهارت‌های زندگی آنها را محدود می‌کنند. به همین دلیل است که بچه شما و من به یک کار تابستانی نیاز دارد.

۹- گیاه سرخس سرخس باید در محیطی مرطوب و نمناک رشد کند. همچنین این گیاه در اتاقی به نسبت سرد سریع‌تر رشد می‌کند. توجه داشته باشید که برخی گیاه‌های گلخانه‌ای از لحاظ ظاهری شبیه این گیاه هستند، اما جزو طیفه‌های بدنی سرخس‌های محسوب نمی‌شوند. زمانی که خاک گلدان خشک شود، باید مجدد به آن آب بدهید، اما زیرگلدانی آن همیشه باید مرطوب باشد.



۵- بونسای این گیاه زیبا حاصل تلفیق باغبانی و هنر است. نگهداری از این گیاه به اندازه گونه‌های مختلف آن متنوع محسوب می‌شود. در کل بدانید که بهترین فضا برای نگهداری از بونسای یک محیط معتدل مثل پاسیو یا راهرو است. دشمن این گیاه آب

همان‌طور که می‌بینید این گیاه دارای برگ‌های بنفش رنگ زیبایی است که باعث می‌شود آن را در دسته گیاهان زینتی محبوب قرار داد. این گیاه را در هر فصلی هم که باشد، باید در شرایط نیم‌سایه، مرطوب و خنک نگهداری کرد اکسالیس، جزو گیاه‌های گلده محسوب می‌شود و نکته جالب در مورد این گیاه این است که جلوه‌اش را مدیون برگ‌های منحصر به فردش است، نه گل‌هایش...



۲- زامیفولیا اگر نمونه‌ای از این گیاه در منزل دارید، اما تا به حال آشنایی چندانی با آن نداشته‌اید، بدانید که اکثر قسمت‌های این گیاه سمی (در صورت مصرف) است. البته اگر مطمئن هستید که گیاه شما نمونه‌ای از زامیفولیا محسوب می‌شود، در این صورت بهتر است این گیاه را از دسترس کودکان خارج کنید. گیاهی با ریشه‌هایی مستحکم که به کم آبی گرایش بیشتری دارد تا آبیاری مستمر. نور متوسط برای این گیاه کافی است، اما در نور کم هم بسیار مقاوم است.



می‌شناسم که در فصل تابستان از صبح ۶ بعد از ظهر از خواهر کوچک دوستش مراقبت می‌کند. **از تغییرات ساده در روال عادی زندگی برای ایجاد سیاست‌های خلوت کردن خانواده در تابستان استفاده کنید:** این سیاست‌ها قوانین ساده‌ای مانند تعطیل کردن تلویزیون تا زمانی است که یک وظیفه را به انجام برسانند. متوجه شده‌ام که مهم نیست پول به بچه‌ها بدهید یا نه؛ مهم این است که به آنها انگیزه خوبی چون داشتن یک شغل می‌دهید و این پیام را به آنها مخابره می‌کنید که «من ماشین تولید پول این تابستان برای تو نیستم!» بخصوص برای بچه‌های بزرگتر که درخواست‌های بیشتر و هزینه‌بری هم دارند؛ آنها با کار کردن هزینه خریدن یک ماشین، موتور یا رفتن به سینما را تأمین می‌کنند. بچه‌ها شاید اکنون برای این کار از ما تشکر نکنند ولی بعدها وقتی به درآمد ماهیانه می‌رسند، برای مسئولیت‌پذیر بودن و سختکوش بودن خود، قطعاً از ما تشکر خواهند کرد.

شرکت در اردوهای تابستانی بخشی از لذت کار کردن و مسئولیت داشتن را به آنها می‌آموزد ولی من ایده‌های دیگری برای کار کردن بچه‌ها دارم: **به فرزندتان کمک کنید تا یک آگهی برای پیدا کردن کار تهیه کنند:** این تقاضای کار می‌تواند حتی نگهداری از کودکان هم باشد. این آگهی را می‌توانید صرفاً با نشانی پست الکترونیکی فرزندتان در صندوق پست همسایه‌ها، اطراف خانه یا بلوک‌های اطراف قرار دهید. در صورت ایمن بودن، نرخ ساعت کار، تجربه فرزندتان و ایمیل تماس او را نیز وارد کنید. نیازی به درج مواردی چون تلفن و آدرس خانه نیست. برای فرزندتان یک کسب و کار کوچک فصلی راه‌اندازی کنید: یک مهد کودک خانگی، چمن‌زنی یا کوتاه کردن شاخه‌ها. مجدداً به آنها کمک کنید تا یک تبلیغ یا آگهی برای انتشار بین همسایگان و دوستان داشته باشند.

بیشترین چیزی که من را شوکه کرد، این بود که بعد از مدتی والدین برای کار نکردن بچه‌هایشان حاضر بودند تا پول پرداخت کنند ولی بچه‌ها علاقمند به انجام دادن آن کارها بودند. حتی زمانی که آنها باید یک ساعت زودتر از بقیه از خواب بیدار می‌شدند تا به اسب‌ها غذا بدهند و حمام کل اردوگاه ۷۵ نفره



گیاه سرخس

بونسای

فرزندان را برای انجام کارهای غیر تخصصی استخدام کنید

با کتابخانه‌های محلی، اردوهای تابستانی، اردوهای ورزشی و

فرزندان را برای پیدا کردن کار تهیه کنند

مسابقات کشتی فرنگی قهرمانی جهان - پاریس:

سه مدال برنز برای ایران



محمدعلی گرائی نفر اول از راست

مسابقه‌های کشتی فرنگی قهرمانی جهان در پاریس در حال برگزاری است. کشتی‌گیران ایران در چهار وزن نخست این رقابت‌ها صاحب چهار مدال برنز شده‌اند. محمدعلی گرائی که برای اولین بار در مسابقات جهانی شرکت کرده است در وزن ۷۱ کیلوگرم مدال برنز دریافت کرد. او ابتدا بولکوا دزه از گرجستان را شکست داد، در دومین مسابقه خود به فرانک استابلر کشتی‌گیر آلمانی و دارنده مدال طلای جهان باخت، در دیدار بعدی خود روسل چونایف از آذربایجان را شکست داد و در آخرین نبرد کاتا گارا از مولداوی را مغلوب کرد و به مدال برنز رسید. ایران در پایان رقابت‌های روز اول با احتساب امتیازات کشتی‌گیران ایرانی در وزن‌های ۵۹ و ۱۳۰ کیلو پس از روسیه در رده دوم قرار گرفت. مدال طلای این وزن را فرانک استابلر آلمانی به گردن آویخت و موزادریف کشتی‌گیر قزاقستان مدال نقره دریافت کرد.

اسامی بازیکنان تیم فوتبال ایران برای دیدار با کره و سوریه

تیم ملی به اردو رفت.

اردوی تیم ملی فوتبال ایران برای دیدار با تیم‌های کره جنوبی و سوریه در چهارچوب بازی‌های باقیمانده انتخابی جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه چهارشنبه این هفته برپا شد.



بازیکنان دعوت شده به اردو از سوی کارلوس کیروش سرمربی تیم ملی اینها هستند: حامد لک، علیرضا بیرانوند، جلال حسینی، محمد انصاری، وحید امیری و مهدی طارمی از تیم پرسپولیس امید نورافکن، وریا غفوری، روزبه حسینی از استقلال تهران سعید آقایی از تیم سپاهان و مهدی ترابی از باشگاه سایپا. قرار است روز پنجم شهریور ماه کیروش اسامی بازیکنان شاغل در تیم‌های خارجی را برای بازی مقابل کره و سوریه اعلام کند. ایران و کره جنوبی روز ۳۱ اوت در سئول به میدان می‌روند.

رونالدو بهترین فوتبالیست سال اروپا



کریستیانو رونالدو فوتبالیست سی و یک ساله پرتغالی گوی سبقت را از لیونل مسی بازیکن تیم ملی آرژانتین و باشگاه بارسلون اسپانیا و بوفون دروازه‌بان چهل ساله تیم ملی ایتالیا ربود و عنوان بهترین بازیکن فصل فوتبال ۲۰۱۶-۲۰۱۷ معرفی شد. این سومین بار است که رونالدو به این عنوان دست پیدا می‌کند. فهرست نامزدهای بهترین بازیکن سال از سوی هشتاد تن از مربیان لیگ برتر قهرمانان و لیگ فوتبال اروپا و پنجاه و پنج روزنامه‌نگار تهیه شده است، ده بازیکن برتر فصل گذشته فوتبال اروپا این افراد هستند:

- ۱- کریستیانو رونالدو ۲- لیونل مسی ۳- جیانلو ییچی بوفون ۴- لوکامودریچ ۵- تونی کروس ۶- پائولو دیبالا ۷- سرخیو راموس ۸- کیلیان امپابه ۹- روبرت لواندفسکی ۱۰- زلاتان ایبراهیموویچ

لیگ قهرمانان اروپا تیم‌های برتر قاره سبز رقیبان خود را شناختند



قرعه‌کشی مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا روز پنجشنبه این هفته برگزار شد و بهترین تیم‌های لیگ برتر فوتبال اروپا حریفان خود را شناختند. از چند گروه می‌توان به عنوان گروه مرگ نام برد.

گروه‌بندی این رقابت‌ها چنین است: گروه یک: بنفیکا پرتغال، منچستر یونایتد انگلیس، بازل سوئیس و زسکا مسکو گروه دوم: بایرن مونیخ آلمان، پاریس سن ژرمن فرانسه، اندرلخت بلژیک و سلتیگ اسکاتلند گروه سوم: چلسی انگلیس، اتلتیکو مادرید اسپانیا، رم ایتالیا و قره‌باغ آذربایجان گروه چهارم: یوونتوس ایتالیا، بارسلون اسپانیا، المپیاکوس یونان، اسپورتینگ لیسبون پرتغال گروه پنجم: اسپارتاک مسکو، سویا اسپانیا، لیورپول انگلیس و ماریانو اسلوانی گروه ششم: شاختار دونتسک روسیه، منچستر سیتی انگلیس، ناپولی ایتالیا، فاینورد هلند گروه هفتم: موناکو فرانسه، پورتو پرتغال، بشیکتاش ترکیه و لایپزیگ آلمان در میان این گروه‌ها از گروه دو و چهار گروه مرگ یاد می‌شوند.

کارلوس کیروش: در ایران رفتارها به خاطر کم‌فرهنگی رادیکال است



کارلوس کیروش تیم ملی فوتبال ایران را برای دومین بار به جام جهانی فوتبال برد، آن هم با کوردی باورنکردنی، بدون گل خورد و بدون حتی یک شکست!

در برزیل و پرتغال صحبت کرده و به نوع سیستم فوتبال در ایران رسیده است و اینکه چه کار پیچیده‌ای داشته تا بازیکنان ایرانی به سیستم‌های مورد نظر کیروش خو بگیرند. در این گفتگو چند سوال از دردمس‌های حاکم بر فوتبال ایران از کیروش شده است که تا حدودی غیرفوتبالی هستند.

خبرنگار پرسیده «آیا تیم ملی ایران ساختار منظمی برای اجرای برنامه‌های تمرینی دارد؟» که او پاسخ داده «متأسفانه شرایط ساختاری در ایران محدود است. اولاً به این خاطر که فوتبال قربانی یک جو راکد شده که نمی‌تواند از آن خارج شود و در ادامه تحریم‌هایی قرار دارند که علیه ایران اجرا می‌شود و در سراسر جامعه می‌توانید تاثیر آن را ببینید و فوتبال نیز تحت تاثیر این تحریم‌ها قرار گرفته است. ما در تهران تمرین می‌کنیم، در یک زمین ۶۰ متری و هیچ وقت منابع و امکانات مورد نیاز را در اختیار نداریم، با این حال توانستیم به جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه صعود کنیم و پروژه‌ها و دستاوردهایی که مورد نظر ما بود را تا حد زیادی توانستیم به مرحله اجرا در بیاوریم.»

خبرنگار در سوالی دیگر از سرمربی تیم ملی ایران پرسیده شما در امارات متحد عربی و ایران کار کرده‌اید، درباره تعصب در دنیای اسلام چه می‌توانید بگویید؟» که او پاسخ داده «تعصب وجود دارد، آنچه از مقداری

تیم ملی فوتبال ایران در گفتگو با پایگاه خبری سوپر اسپورت برزیل به انتقاد از شرایط و امکانات فوتبال در ایران پرداخته، اما گفته سختی کار او بیش از آنکه فنی باشد ریشه در مسائل فرهنگی و سیاسی و تعصبات دینی دارند که صبر و حوصله افراد را کم می‌کند و از آنها افرادی رادیکال می‌سازد.

کیروش در مقدمه این گفتگو در مورد موفقیت مربیان پرتغالی و فوتبال در دینی دارند که صبر و حوصله افراد را کم می‌کند و از آنها افرادی رادیکال می‌سازد.

در بخش انفرادی این مسابقه‌ها امیرحسین عباسیان از اصفهان با زمان یک ساعت و ۳۵ ثانیه اول، ساسان حجتی از تهران با زمان یک ساعت و سه دقیقه و سی ثانیه دوم و محسن سوخته‌سرای با زمان یک ساعت و پنج دقیقه و پنجاه ثانیه سوم شدند.

● فوتبال ایران قربانی یک جو راکد است، هیچ وقت امکانات و منابع مورد نیاز را نداشتیم.

● در یک زمین ۶۰ متری تمرین می‌کنیم با این حال توانستیم به جام جهانی ۲۰۱۸ صعود کنیم.

کارلوس کیروش، سرمربی پرتغالی تیم ملی فوتبال ایران در گفتگو با پایگاه خبری سوپر اسپورت برزیل به انتقاد از شرایط و امکانات فوتبال در ایران پرداخته، اما گفته سختی کار او بیش از آنکه فنی باشد ریشه در مسائل فرهنگی و سیاسی و تعصبات دینی دارند که صبر و حوصله افراد را کم می‌کند و از آنها افرادی رادیکال می‌سازد.

اصفهان قهرمان شنای آب‌های آزاد ایران



مسابقات شنای آب‌های آزاد ایران پنجشنبه این هفته به مسافت پنج کیلومتر از خلیج گرگان تا بندرگز برگزار گردید و تیم شنای اصفهان با ۲۸ امتیاز قهرمان این رقابت‌ها شد. تیم‌های تهران و مازندران با ۱۷ امتیاز به مقام دوم و سوم رسیدند.

بخت. استرالیا در کوارتر اول ۱۸ بر ۱۴ و در کوارتر دوم ۲۵ بر ۱۲ به برتری رسید، کوارتر سوم را ایران ۱۷ بر ۱۳ برد و کوارتر چهارم نیز ۲۳ بر ۱۳ به سود استرالیا پایان یافت. در پایان مسابقات محمد جمشیدی و حامد حدادی در جمع پنج بازیکن برتر کاپ آسیا قرار گرفتند.

مسابقات کشتی آزاد جهان - پاریس

حسن یزدانی مدال طلا گرفت



مسابقه بعدی ولا دیسیلاوالیف قهرمان جوانان جهان از روسیه را شکست داد و به فینال راه یافت. او در مرحله نهایی نیز با پیروزی بر ماکوف از اسلواکی مدال طلا به گردن آویخت.

مسابقه‌های کشتی آزاد جهان در پایتخت فرانسه در حال برگزاری است. در نخستین روز این رقابت‌ها پداله محبی در وزن ۱۳۵ کیلوگرم، داوید مونزمانشویلی نفر دوم المپیک لندن از ازبکستان را شکست داد. در دومین مسابقه بر آلن ژاسایف از اوکراین غلبه کرد و به مرحله یک چهارم نهایی راه یافت ولی در این مرحله به کشتی‌گیر آمریکایی باخت و حذف شد. در روز اول رقابت‌های کشتی آزاد جهان، عطری و احسان پور دو کشتی‌گیر دیگر ایرانی نیز از دور مبارزات خارج شدند. در وزن ۸۶ کیلو که ۳۴ کشتی‌گیر شرکت داشتند حسن یزدانی برنده مدال طلای المپیک واقعاً شیرین کاشت. او ابتدا دولت بیگف از قزاقستان را مغلوب کرد. سپس

پایان مسابقات بسکتبال آسیا ایران دوم شد



تیم ملی بسکتبال ایران که کلیه رقیبان آسیایی خود را در رقابت‌های جام بسکتبال آسیا در لبنان شکست داده بود؛ در دیدار نهایی از تیم استرالیا شکست خورد و به مقام دوم رسید.

تیم ملی بسکتبال ایران در فینال این مسابقات ۷۹ بر ۶۵ به استرالیا

مظنونین سلاخی و سوزاندن پلنگ مادر و توله‌اش دستگیر شدند



لاشه آنها را به آتش کشیده و محل را ترک کرده بودند.

مجموعه و برخی از اندام‌های باقی‌مانده و همچنین آثار گلوله و خون به جا مانده در محل حادثه نشان می‌دهد کشتار پلنگ‌ها طی روزهای اخیر رخ داده است. بر اساس اعلام اداره کل حفاظت محیط زیست استان مازندران، چهار شکارچی متخلف دستگیر شده سابقه‌دار بوده و پس از تشکیل پرونده، این شکارچیان متخلف به مراجع قضایی تحویل داده شدند.

محیط زیست این گونه‌ی جانوری در ایران به وجود آوردند. نیروهای محیط زیست و کارشناسان در بررسی‌های خود متوجه شدند شکارچیان متخلف بر سر چشمه‌ای به نام چشمه لب سنگ واقع در در منطقه جنگلی شهیدآباد به کمین نشسته و یک پلنگ ماده که به همراه توله‌اش برای نوشیدن آب بر سر چشمه آمده بودند را هدف گلوله قرار دادند.

متخلفین به طرز بی‌رحمانه‌ای پس از کندن پوست پلنگ ماده و توله‌اش،

۴ شکارچی غیرمجاز و مظنون به سلاخی و سوزاندن دو قلاوه پلنگ دستگیر شدند.

پلنگ ماده و توله‌اش برای خوردن آب به سر چشمه آمده بودند که شکار شدند.

مأموران اداره حفاظت محیط زیست شهرستان بهشهر می‌گویند ۴ شکارچی را که مظنون به سلاخی و سوزاندن یک پلنگ ماده و توله‌اش کرده‌اند. در این شهرستان هستند، دستگیر

آن‌طور که خبرگزاری میزان گزارش کرده، مأموران اداره حفاظت محیط زیست بهشهر ۴ شکارچی متخلف و مظنون به سلاخی و سوزاندن دو قلاوه پلنگ را در جنگل‌های شهیدآباد این شهرستان دستگیر کرده‌اند. روز جمعه ۲۷ مردادماه لاشه دوپلنگ سوخته در منطقه جنگلی شهیدآباد بهشهر توسط نیروهای یگان محیط زیست پیدا شد. شکارچیان غیرمجاز با کشتن بی‌رحمانه یک ماده پلنگ و توله‌اش در این منطقه جنگلی، حادثه‌ای دردناک و جبران‌ناپذیر برای

سه بار اعدام برای خفاش جاده‌ها، تجاوز به نه زن در چهل روز



شناخت. این زن که روسری و کفش نیز به پا نداشت، گفت بعد از خروج از درمانگاه گرفتار خفاش خون‌آشام شده بوده است. هشتمین طعمه خفاش زن چهل و شش ساله‌ای بود که در مسیر بازگشت از خانه دخترش در تله او گرفتار شد و آخرین قربانی خفاش دختر نوزده ساله‌ای بود که برای خرید از خانه خارج شده بود، گرفتار ارباب مرگ مرد جانی شد.

بدین ترتیب از آنجا که هیچ یک از قربانیان نتوانسته بودند شماره پلاک اتومبیل مرد جانی را به خاطر بیاورند و یا یادداشت کنند رئیس آگاهی نظرآباد، تیمی از کارآگاهان را به مرکز کنترل ترافیک راهور قزوین فرستاد تا دوربین‌های اطراف محل سوار شدن قربانیان را مورد بازرسی قرار دهند. همچنین دوربین‌های عوارض و مرکز پلاک‌خوان هم بررسی شد تا مشخصات و شماره پلاک اتومبیل‌های سمنند سفید که در ساعت‌های اعلام شده در آن مسیر رفت و آمد داشته‌اند کشف گردد. از اداره آگاهی تهران نیز خواسته شد اسامی مجرمان آزاد شده و سابقه‌دار از زندان‌های استان‌های البرز و آبیگ را اعلام کنند.

اداره راه قزوین نیز مأموریت یافت تا شماره پلاک تمامی ماشین‌های سمنندی که در روزهای به خصوص از ناحیه عوارض الموت یا قزوین - زنجان وارد قزوین شده بودند را شناسایی کنند. کارآگاهان مسیره‌های مشکوک به کمین راننده سمنند

مرد چهل ساله‌ای که به او خفاش جاده‌ها نام داده شده است تنها در مدت چهل روز به عنوان مسافرکش نه زن و دختر را سوار کرده، آنها را در بیابان مورد ضرب و شتم و تجاوز قرار داده، پول و زینت‌آلاتشان را به سرقت برده است.

نخستین کسی که از خفاش به پلیس شکایت کرد بانویی است شصت ساله و آخرین شاکی نیز دختری است نوزده ساله. این نه تن از طبقات مختلف جامعه هستند و یک خانم پزشک نیز در میان آنها وجود دارد و همگی آنان در گفتگو با پلیس از قساوت قلب، بی‌ادبی و بی‌رحمی راننده داستان‌ها گفته‌اند.

اولین کسی که از خفاش جاده‌ها به پلیس شکایت کرد، خانمی بود شصت ساله که در فروردین ماه امسال با سر و وضع آشفته به مرکز پلیس هشترگرد در نزدیکی قزوین رفت و گفت: در قزوین سوار یک اتومبیل مسافربر شدم، در بین راه راننده که مرا مادر صدا می‌کرد به بهانه سوخت‌گیری از مسیر اصلی خارج شد و در بیابان مرا از ماشین بیرون کشید و با تهدید به مرگ مورد تجاوز قرار داد و سپس پول‌ها و زینت‌آلات و طلاهایم را دزدید. هشتم اردیبهشت امسال نیز خانم میانسانی به پلیس نظرآباد کرج گفت: در میدان آزادی تهران سوار ماشین مسافربر شدم راننده بعد از طی مسافتی وارد بیابان شد، به زور و کتک به من تجاوز کرد، پول و زینت‌آلاتم را دزدید و هنگام فرار برای آنکه نتوانم نمره اتومبیل او را ببینم خاک به صورتم پاشید.

چند روز بعد دختر بیست و یک ساله‌ای که با همین شیوه ربوده شده و مورد تجاوز قرار گرفته بود گزارش واقعه را به پلیس هشترگرد داد. دو روز پس از آن نیز دختر بیست ساله‌ای با سر و وضع ژولیده و خاک‌آلود از تجاوز خفاش جاده‌ها به پاسگاه نجم‌آباد شکایت نمود. روز بعد خانم دکتر چهل ساله‌ای مورد تجاوز راننده حیوان صفت قرار گرفت.

در حادثه بعدی در بیابان‌های روستای نجم‌آباد مردی که فریادهای زن چهل و پنج ساله‌ای را که گرفتار خفاش شده بود شنید، به کمک او

تفاهم نامه‌ای امضا شده که از این پس اینگونه معتادان را که غالباً به بیماری‌های ایدز و هپاتیت مبتلا هستند در بیمارستان‌هایی که وزارت بهداشت معرفی می‌کند نگهداری کنند تا بعد از مداوا در اختیار سازمان بهزیستی قرار گیرند. ضمناً از این پس برای افراد بی‌خانمان که در خیابان‌ها آواره هستند اما معتاد نیستند نیز سازمان بهزیستی مکان‌هایی را در نظر خواهد گرفت.

وی دندانپزشک است و در کانادا زندگی می‌کند و بلیط پرواز به تورنتو را نیز برای روز بعد به همراه داشت. خانم دکتر گفت؛ روز حادثه هنگامی که پدر و مادرش در سفر بوده‌اند اسید خریده به خانه خاله خود رفته و برای گرفتن انتقام آن را به صورت خاله‌اش پاشیده است. بعد از چندی خاله دختر به داسرای تهران رفت و خواهرزاده خود را بخشید و خانم دکتر آزاد شد. اما چند روز بعد پدر دختر اسیدپاش به داسرای تهران اطلاع داد که دخترش به دلیل سکنه قلبی فوت کرده است و به این ترتیب پرونده این ماجرا بسته شد.

۶۰۰ معتاد با ۱۸۵ کیلو مواد مخدر دستگیر شدند

پلیس تهران این هفته در طول چند ساعت ۶۰۰ معتاد را از نواحی زیرپوشش کلانتری‌های یک، دو و یازده تهران جمع‌آوری کرد. سوی این معتادان ۱۸۵ کیلو مواد مخدر و تعداد زیادی قمه و ادوات مصرف مواد مخدر نیز ضبط شد. قرار است این برنامه در مناطق دیگر تهران نیز انجام شود. پلیس تهران در مورد اینکه برای معتادان دستگیر شده چه برنامه‌ای دارد اظهار نظر نکرده است. در این سال‌ها گهگاه معتادان از پارک‌ها و پاتوق‌های آنها دستگیر و دو سه روزی در کلانتری‌ها نگهداری و سپس رها شده‌اند.

مشکی ضبط کرده بودند. پلیس لایلا و بهزاد را دستگیر کرد و با کسانی که مورد حمله قرار گرفته بودند روبرو نمود. آنها گفتند این دختر و پسر اگر به آسانی نمی‌توانستند الگو و گردنبدن ما را سرقت کنند با چاقو آنها را پاره می‌کردند.

به گفته پلیس بهزاد که ۳۱ سال دارد چند پرونده خلاقاری داشته است. لایلا نیز چند روز بعد در خانه خود در محله نازی‌آباد تهران به دام و پسر جوان را با یک موتورسیکلت

چاقوی دزدان زیر گلوی کودک برای سرقت جواهرات مادر، حادثه‌ای که مشهد را تکان داد

زیر گلوی فرزندم گذاشت و گفت اگر سر و صدا کنم او را می‌کشد. آنها سپس مرا به جاده قدیم قوچان بردند با قیچی که همراه داشتند الگوهایم را بریدند، گوشواره‌هایم را نیز از گوشم خارج کردند و مرا پیاپی کردند و رفتند. پلیس از روی مشخصاتی که این زن از اتومبیل سارقین داده بود آن را هنگام حرکت در خیابان آزادی مشهد متوقف کردند و راننده اتومبیل که جوان ۲۶ ساله‌ای بود بازداشت شد. وی به کارآگاهان گفت به اصرار دوستم دست به این کار زدم. تلاش مأموران برای دستگیری همدست این پسر ادامه دارد.

مرگ سه عضو خانواده به فاصله چند ساعت

بانوی هفتاد ساله‌ای جمعه شب پیش در خانه‌اش در دزفول به دلیل نامعلوم جان سپرد، بعد از دو سه ساعت هنگامی که اعضای خانواده که پیکر این زن را به بیمارستان برده بودند به منزل بازگشتند، با جسم بی‌جان پسر ۴۰ ساله او روبرو شدند افراد خانواده دوباره همراه پیکر پسر زن فوت شده به بیمارستان رفتند و بعد از ساعتی که به خانه بازگشتند این بار با جنازه عروس خانواده که او نیز ۴۰ ساله بود مواجه گردیدند. آنها که از مرگ سه تن از نزدیکان خود در عرض چند ساعت به شدت پریشان حال و شوکه شد بودند نمی‌توانستند حدس بزنند که چه اتفاقی برای مادر، فرزند و عروسش می‌تواند افتاده باشد. اما روز بعد سرهنگ الهامی فرمانده پلیس دزفول گفت؛ احتمالاً آب گرمکن نشت کرده و این سه نفر به دلیل مسمومیت جان باخته‌اند!

انتقام به سبک داعش

سال گذشته در حادثه برخورد یک اتومبیل با یک موتورسیکلت، راننده موتورسیکلت جان خود را از دست داد. برادر پسر کشته شده که از روز حادثه تا کنون در فکر انتقام بود، سه‌شنبه این هفته هنگامی که راننده آن اتومبیل و یکی از دوستانش در یک زمین بزرگ کشاورزی در حال قدم زدن بودند با یک تریلی آنها را عمداً زیر می‌گیرد و پانصد متر با خود می‌کشد. در این حادثه پسری که راننده تریلی قصد گرفتن انتقام از او را داشت به کما می‌رود و دوست از همه جا بی‌خبرش بلافاصله کشته می‌شود. راننده تریلی در بازجویی گفت می‌خواستم از کسی که با اتومبیل برادرم را کشت انتقام بگیرم. وی اینک در بازداشت بسر می‌برد.

اطخار فدراسیون پزشکی به فوتبالیست‌ها: ترامادول نخورید!



نگران‌کننده استفاده از قرص‌های ترامادول بین فوتبالیست‌ها با وزارت ورزش، فدراسیون‌های ورزشی و باشگاه‌ها گفتگو کند و برای آنها نام بنویسد. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده قرار است در این نامه به فدراسیون‌ها و باشگاه‌های مختلف، نسبت به عوارض این قرص‌ها احتیاط‌های جدی داده شود و از باشگاه‌ها خواسته شود نظارت دقیق‌تر و مدیریت بیشتری روی این پرونده حساس داشته باشند سیستم کلیه و کبد، بی‌خوابی، ناراحتی اعصاب، ضعف عمومی، گشادی عروق و بی‌اشتهایی است. دکتر غلامرضا نوروزی، رئیس فدراسیون پزشکی ورزشی و دبیرکل ستاد ملی مبارزه با دوپینگ ایران، اکنون تصمیم دارد درباره رواج

مرکز پزشکی فدراسیون جهانی فوتبال در ایران «ایفمارک» اخیراً به فوتبالیست‌ها هشدار داده است از مصرف بیش از اندازه قرص ترامادول خودداری کنند چون عوارض نامطلوبی خواهد داشت. پزشکان این مرکز تأکید کردند استفاده از این قرص بیش از ده روز ممنوع است زیرا حداقل زیان مصرف زیاد آن روی آوردن به مواد مخدر دیگر است. اثرات جانبی استفاده بیش از حد مجاز این قرص، اختلال در سیستم کلیه و کبد، بی‌خوابی، ناراحتی اعصاب، ضعف عمومی، گشادی عروق و بی‌اشتهایی است. دکتر غلامرضا نوروزی، رئیس فدراسیون پزشکی ورزشی و دبیرکل ستاد ملی مبارزه با دوپینگ ایران، اکنون تصمیم دارد درباره رواج

معتادان جمع‌آوری شده دوباره به خیابان بازمی‌گردند

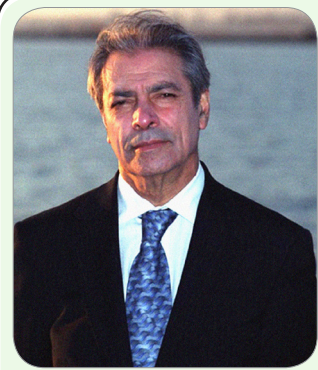
تفاهم نامه‌ای امضا شده که از این پس اینگونه معتادان را که غالباً به بیماری‌های ایدز و هپاتیت مبتلا هستند در بیمارستان‌هایی که وزارت بهداشت معرفی می‌کند نگهداری کنند تا بعد از مداوا در اختیار سازمان بهزیستی قرار گیرند. ضمناً از این پس برای افراد بی‌خانمان که در خیابان‌ها آواره هستند اما معتاد نیستند نیز سازمان بهزیستی مکان‌هایی را در نظر خواهد گرفت.

امضاء تفاهم‌نامه میان وزارت بهداشت و بهزیستی برای نگهداری معتادان بیمار

به گفته معاون امنیتی و انتظامی استانداردی تهران معتادانی را که پلیس سالی چند بار از خیابان‌های پایتخت جمع‌آوری می‌کند، بعد از چند روز به جای اول خود باز می‌گردند. محسن نسج همدانی گفت؛ میان وزارت بهداشت و سازمان بهزیستی

خانم دکتر اسیدپاش پیش از محاکمه درگذشت

چندی پیش همسایه‌های یک بانوی ۶۳ ساله با شنیدن صدای فریادهای او به سوی خانه وی دویدند و هم‌زمان به پلیس نیز تلفن کردند. مأموران هنگام ورود به منزل این خانم زن جوانی را در حالی که خود را دست داشت و با عجله قصد خارج شدن از خانه را داشت روبرو شدند و از خروج او جلوگیری کردند.



داریوش همایون
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

داریوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «ایندگان» بود که صفحه‌های نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی‌وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به بازتشر گلچینی از آثار داریوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

گلی که نشان بهار می‌شود

کیهان لندن شماره ۱۲۷۶ - ۹ مهرماه ۱۳۸۸

آوردن اروپا و آمریکا به ایران افتاده‌اند. همه نمی‌توانند از ایران بگریزند ولی همه می‌توانند از جهان سوم، جهان اسلامی (نه به معنی مسلمان بودن که امری شخصی و داوطلبانه است)، و جهان خاور میانه‌ای (که ترکیب هر دو آنها و بدترین است) مهاجرت کنند. جنبش سبز و پیروزی‌های پیاپی آن - تازه‌ترینش روز قدس - به آنان و به همه ایرانیانی که دل از یک آینده بهتر در میهن خود کند بوجد اعتماد و بسر می‌برد، از جوانی خود پس از یک کودکی بی‌بهره چنین یاد می‌کند: شادی‌ها و دغدغه‌های جوانی ما: شادی‌ها کم‌رنگ‌تر می‌شود و دغدغه‌ها پررنگ‌تر... نه، اصلاً شادی‌هایت هم، شکل دغدغه به خودشان می‌گیرند... مثلاً شادی تو این است که روزی خانه و ماشین می‌خری... اما رسیدن به این شادی‌ها برایت دغدغه می‌شود... رسیدن به آنها برای تو هدف می‌شود... هدفی که حتماً باید «جهان سومی» باشی که آن را داشته باشی... و هیچ جای دیگر برای کسی هدف نیستند... معیارهای «آدم خوب بودن» جهان سومی هم دغدغه تو می‌شود، دغدغه‌ای که هم‌هشاش این است: می‌ترسی از اینکه نکند کسی قبل از خدا، تو را در این دنیا محاکمه کند... این ترس تو را کمی غیر انسانی می‌کند. اگر جهان سومی باشی، استاندارد و مقیاس‌های تمام اجزای زندگی تو، جهان سومی می‌شود... اینکه در سال چند بار بلخند می‌زنی... در روز چند بار گریه می‌کنی... راهی که تو را به بهشت و جهنم می‌رساند... و حتی جنس خدای تو هم جهان سومی است... آن بخش پایانی مورد نظرتان است: پس از برخورد و آشنائی با نگاهی نو، تو مسؤلیت کیفیت خودت را قبول می‌کنی و می‌خواهی و می‌کوشی به جای این که خودت به جهان اول مهاجرت کنی کشورت را به جهان اول برسانی. این است که سبزی می‌شوی. تازه آن وقت است که از خودت خجالت می‌کشی.

سده‌های پیش برگردد. هر رویدادی در جهان، بویژه اگر فاجعه‌آمیز باشد، به دست و اشاره آنهاست. ذهنی که نمی‌تواند درباره دین با همه پنجاهی که بر زندگی مادی و معنوی جامعه انداخته است به آزادی بیندیشد؛ و سیاستی که هم‌هشاش توطئه و مظلومیت است؛ و فضای «انتلکتوتلی» که با شاعر و دروغ و نیمه حقیقت آغشته است چه برای والائی اندیشه و عمل می‌گذارد؟ برای رسیدن

نام آقای جوانی به نام احسان از تهران که زیر عنوان «بیرون از جهان سوم در تهران» انتشار یافت (کیهان ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۹) یک پاراگراف پایانی دارد که به نظرم از بزرگ‌ترین نشانه‌های آنچه جایجائی پارادایم در جامعه ایرانی می‌نامیم به شمار می‌رود. در آن نامه نویسنده پس از توصیف شیوائی از وضعیت جهان سومی در واقع خاور میانه‌ای (جهان سومی اسلامی) که در آن بزرگ شده است و بسر می‌برد، از جوانی خود پس از یک کودکی بی‌بهره چنین یاد می‌کند: شادی‌ها و دغدغه‌های جوانی ما: شادی‌ها کم‌رنگ‌تر می‌شود و دغدغه‌ها پررنگ‌تر... نه، اصلاً شادی‌هایت هم، شکل دغدغه به خودشان می‌گیرند... مثلاً شادی تو این است که روزی خانه و ماشین می‌خری... اما رسیدن به این شادی‌ها برایت دغدغه می‌شود... رسیدن به آنها برای تو هدف می‌شود... هدفی که حتماً باید «جهان سومی» باشی که آن را داشته باشی... و هیچ جای دیگر برای کسی هدف نیستند... معیارهای «آدم خوب بودن» جهان سومی هم دغدغه تو می‌شود، دغدغه‌ای که هم‌هشاش این است: می‌ترسی از اینکه نکند کسی قبل از خدا، تو را در این دنیا محاکمه کند... این ترس تو را کمی غیر انسانی می‌کند. اگر جهان سومی باشی، استاندارد و مقیاس‌های تمام اجزای زندگی تو، جهان سومی می‌شود... اینکه در سال چند بار بلخند می‌زنی... در روز چند بار گریه می‌کنی... راهی که تو را به بهشت و جهنم می‌رساند... و حتی جنس خدای تو هم جهان سومی است... آن بخش پایانی مورد نظرتان است: پس از برخورد و آشنائی با نگاهی نو، تو مسؤلیت کیفیت خودت را قبول می‌کنی و می‌خواهی و می‌کوشی به جای این که خودت به جهان اول مهاجرت کنی کشورت را به جهان اول برسانی. این است که سبزی می‌شوی. تازه آن وقت است که از خودت خجالت می‌کشی.

تازه‌ای به قدرت‌شان می‌دهد. زور این رژیم به این ملت نخواهد رسید. * * * جهان سومی بودن واژه دیگری برای واپس‌ماندگی است. آنان که در دهه پنجاه اصطلاح سه جهان را سکه زدند حق داشتند. جهان غرب، جهان اول بود که پیشرفت در آن نه یک امر اکتسابی، نه نتیجه سیاست‌ها و تصمیم‌های یک گروه یا دوره معین، بلکه امری ذاتی بود که از کارکرد عادی جامعه بر می‌خاست. جهان‌بینی مردمان، سازمان اجتماعی، و نظام سیاسی در خدمت آن بود. جهان دوم قلمرو کمونیسم بود که بزرگ‌ترین اشتباه بشریت نام گرفته است. جهان اسلامی به جامعه‌هایی گفته می‌شود که در جهان سومی بودن‌ش پابرجا تر از همگنان است. در آن همگنان نظام ارزش‌ها را بر پیشرفت می‌گیرد. جامعه‌های اسلامی مقررات تقدیس شده‌شان را نیز بویژه در زمینه حیاتی حقوق بشر بر آن می‌افزایند. اداره جامعه بر پایه شریعت، آن را به همه جاهانی که در عربستان و ایران و افغانستان‌های جهان دیده‌ایم می‌تواند برساند ولی به مدرنیته نخواهد رساند. جهان سومی و جزئی از جهان اسلامی بودن را خاور میانه‌ای بودن چنان تکمیل می‌کند که دیگر، در بیرون از آفریقا، پائین‌تر از آن نمی‌توان رفت. خاور میانه‌ای اگر مسلمان و عرب به جهان اول، کوشش برای رساندن کشور به جهان اول؛ و سبزی شدن به معنای هر چیز خوبی شدن. شنیدن این سخنان از ایران که صحنه نخستین انقلاب ارتجاعی و قرون وسطائی بود خیر از دگرگونی‌ای می‌دهد که پنجاه سال کوشش شکست خورده پشت سر آن است. اکنون نسلی که برفراز آن شکست‌ها نشسته است و هر چه بیشتر از آن پنجاه سال فاصله می‌گیرد دارد درست سخنانی را تکرار می‌کند که کلید گشایش است و سرانجام ملت ما را از آخوندبازی در سیاست، از فرو رفتن در چاه جگرمان، از فلسطین و لبنان و روسیه، از خشونت و تبعیض به عنوان نخستین درس‌های زندگی، از نگرش جنسیتی به اخلاق و روابط اجتماعی، از بینوائی همه سویه‌ی نشسته بر دارائی‌های استثنائی، آزاد خواهد کرد. جوانانی که در بیشتر این سی سال هدف یا دست کم آرزوی‌شان مهاجرت به اروپا و آمریکا بود - به هر جامی شد رفت یا گریخت - اکنون به اندیشه



به والائی می‌باید توانائی برونرفت از عادت‌های ذهنی و خرد متعارف و مدهای روز را یافت. ولی فرهنگی که شهادت را بالاترین ارزش‌ها کرده است از شهامت بی‌بهره است و از بیرون شدن از متعارف می‌هراسد. روشنفکر در این فرهنگ با حکومت‌ش آسان‌تر در می‌افتد تا با همگنان‌ش. اگر مال اندوزی، انحراف سیاست‌گران چنین جامعه‌هایی است عوام‌زدگی، انحراف روشنفکران آنهاست (هر دو گروه می‌توانند به آسانی از یکدیگر تقلید هم بکنند).

هیچ یک از آن سه جهان بیرون آمدنی، حتی خاور میانه، جغرافیای مشخصی ندارد. آنها بیشتر حالات ذهنی state of mind هستند - پدیده‌هایی فرهنگی که در عادت‌ها و رسم‌ها، و نهادها، جا گیر شده‌اند. می‌توان از آنها بیرون زد، و کامیاب‌ترین ملت‌ها چنین کرده‌اند. (فرایند معکوس آن نیز روی داده است؛ خاورمیانه عربی و جهان اسلام به طور کلی در شش دهه گذشته از جامعه‌هایی که داشتند مدرن می‌شدند به جامعه‌هایی که هر چه اسلامی‌تر می‌شوند در می‌آیند. در ایران ما با یک چرخ فلک واقعی سرو کار داریم - از واپس ماندگی محض به نوسازندگی مدرنیته و از آن به واپس‌ماندگی محض و اکنون باز - و این بار - به گوهر مدرنیته). زمان‌هایی همه دنیا جهان سوم بود؛ سده‌های دراز بخش بزرگی از آسیا و آفریقا جهان اسلامی بوده - جز زبستی و اندیشیدن به شیوه‌های نامشخصی که رنگ اسلامی داشتند و اسلامی خوانده می‌شدند در تصور توده‌ها نمی‌گنجیده است. از هنگامی که نویسنده‌گان بریتانیایی و امریکائی در سده گذشته اصطلاح خاورمیانه را که هیچ‌گاه مرزهای روشنی نیافت رواج دادند، آن خاور میانه‌ای‌ها، جهان سومی‌های اسلامی، ترکیب ناخجسته خود را سرنوشت ناشاد خویش گردانیدند. * * *

در تاریخ و فرهنگ ما، در نگرش بلندپروازانه‌ای که به خود داریم، هیچ ناگزیری از ماندن در آن جهان‌ها نیست. اکنون انسان‌های بیشمار نام آنچه را هم که می‌خواهند یافته‌اند - بیرون زدن از جهان‌های شوربخشی ما، آوردن جهان اول به میهنی که در بیشتر تاریخ خود نگاهش به آن منطقه جغرافیائی بوده است - یونان، رم، اروپا، آمریکا

از همان ابتدای کار، صف خود را مشخص کرده و به دو گروه متشکل پارلمانی - دموکرات و اعتدالی - پیوسته بودند سفارتخانه‌های روس و انگلیس «متفقین» از یک سو و آلمان و عثمانی «متحدین» از دیگر سو در تلاش بودند این گروه‌بندی را در جهت منافع خود تقویت یا تضعیف کنند. پس از تعیین هیأت رئیسه مجلس شورای ملی، دموکرات‌ها سلیمان میرزا اسکندری و اعتدالیون سید محمدصادق طباطبائی را به رهبری برگزیدند. سفارت آلمان درصدد بود بین سلیمان میرزا و سید محمدصادق تفاهمی برقرار و زمینه را برای ائتلاف این دو گروه مهیا سازد. در صورتی که چنان ائتلافی صورت می‌گرفت دموکرات‌ها که در سیاست خارجی مخالف سرسخت متفقین بودند ابتکار عمل را به دست می‌گرفتند و دولتی بر سر کار می‌آمد که امکان داشت با نفوذ روس و انگلیس در ایران به مقابله برخاسته حتی با الغای بیطرفی، به‌نفع متحدین در جنگ موضعگیری کند. ایران، برخلاف عثمانی، ارتش مجهزی نداشت که دوشادوش سپاهیان دول متحده مرکزی و علیه متفقین وارد جنگ کند اما پیوستن این کشور به متحدین از لحاظ استراتژیک اهمیت زیاد داشت. اولاً راه برای مداخله آشکار و بدون منازع آلمان و عثمانی در سراسر خاک ایران گشوده می‌شد و این سرزمین به‌صورت پایگاه مهمی مورد استفاده متحدین قرار می‌گرفت. ثانیاً مردم ایران که اکثرًا مخالف روس و انگلیس بودند علیه این دو کشور تجهیز می‌شدند و تأسیسات سیاسی و اقتصادی آنان، از جمله صنایع نفت جنوب به‌خطر می‌افتاد. ثالثاً پلی که آلمان و عثمانی برای لشکرکشی به هندوستان بدان احتیاج داشتند در اختیارشان قرار می‌گرفت. رابعاً با وحدت ایران و عثمانی - تنها دو کشور مستقل اسلامی در آن زمان - افکار عمومی در قلمرو اسلام برانگیخته می‌شد و چنین پیشامدی به‌ویژه در افغانستان و هندوستان برای انگلستان فاجعه‌آفرین بود.

سفراتخانه‌های روس و انگلیس، در عین حال که می‌کوشیدند مانع ائتلاف دموکرات‌ها و اعتدالیون در مجلس شوند، مراقب فعالیت‌هایی بودند که در زمینه تشکیل دولت

درد سر زمامداری در چنان دوران پر آشوبی برهاند. همان روز که مؤتمن‌الملک به‌ریاست مجلس برگزیده شد، مستوفی الممالک برای تبریک گفتن به منزل او رفت و ضمناً اظهار داشت که به‌علت خستگی و کسالت مزاج تصمیم دارد وکالت مجلس را بپذیرد و از ریاست دولت کناره‌گیری کند. مؤتمن‌الملک در مذاکره با رؤسای فراکسیونها قضیه را مطرح کرد و متذکر شد که هرگاه خواستار ابقای مستوفی باشند لازم است پیش از آن که اعتبارنامه‌اش مطرح شود با او به مذاکره بپردازند و تصمیمش را عوض کنند. در غیر این صورت به فکر جانشینی برای مستوفی باشند. متعاقباً فعالیت شدیدی برای منصرف کردن مستوفی از کناره‌گیری آغاز شد. در همین حال اعتبارنامه نمایندگی مستوفی و دو عضو کابینه مستغفی وی (ذکاءالملک فروغی و حاجی محتشم‌السلطنه اسفندیاری) از تصویب گذشت و می‌بایستی که آنها بین وکالت و وزارت، یکی را انتخاب کنند.

از آنجا که نظر اکثریت بر ابقای مستوفی الممالک دایر بود، رؤسای فراکسیون‌ها و تنی چند از زعمای اکثریت و اقلیت به منزل مستوفی در «پنک» رفتند و از حوالی غروب تا نیمه‌شب با وی گفت و گو کردند تا رضایت او را برای باقی ماندن در رأس دولت به‌دست آوردند. مستوفی، استعفاي خود را از نمایندگی اعلام کرد و آماده تشکیل کابینه شد اما این خود، کار آسانی نبود. صرف نظر از آن که برای گزینش یک‌ایک وزرا مجبور بود با فراکسیون‌های مجلس به توافق برسد، سپردن پست‌های حساس کابینه به اشخاص مناسب، در چنان شرایط بحرانی، مستلزم چانه‌زنی بود و دشواری تشکیل دولت را دوچندان می‌ساخت. در همین گیر و دار، سربازان روسیه از یک سو و ارتش عثمانی از سوی دیگر، بی‌اعتنا به بیطرفی ایران، وارد آذربایجان شدند و به زد و خورد پرداختند. مستوفی در نظر داشت کسی را که وصلة طرفداری از این یا آن دولت درگیر جنگ به دامانش نخسبید و از قدرت و لیاقت کافی برای برقراری نظم و امنیت برخوردار باشد، در رأس وزارت داخله بگمارد و این

کفیل وزارت امور خارجه، صاحب‌اختیار وزیر جنگ، محتشم‌السلطنه وزیر مالیه، مخبرالسلطنه وزیر عدلیه، شهاب‌الدوله وزیر پست و تلگراف، مهندس‌الملك وزیر تجارت و فوائد عامه، علاءالسلطنه وزیر علوم و اوقاف. با آن که مستوفی الممالک از وجاهت ملی برخوردار و مورد تأیید و حمایت دموکرات‌ها بود، مطبوعات وابسته به حزب دموکرات حضور عین‌الدوله را در مقام وزارت داخله برنمی‌تافتند و از ترکیب کابینه شدیداً انتقاد می‌کردند. عین‌الدوله صدر اعظم دوره استبداد و معتاد به رسم و راه حکومت کردن در آن دوره بود. دموکرات‌ها بیم داشتند که بازگشت وی به عرصه سیاست، راه را برای قدرت گرفتن دیگر مستبدین - یا به تعبیر آنان: دشمنان توبه کرده ملت و مشروطیت - هموار سازد. مطبوعات تندرو، در مخالفت با چنین رجعتی پیشتاز بودند اما کابینه مستوفی نه به این دلیل، که در برخورد با یک رویداد بحران‌زا، سقوط کرد. در حالی که بیش از ده روز بر عرش نمی‌گذشت. تلاش دولت مستوفی برای حفظ بیطرفی ایران، این بار بر اثر بازداشت «واسموس» کنسول آلمان در شیراز و «لیستمان» کنسول این کشور در بوشهر توسط نیروهای نظامی انگلستان، به شکست انجامید. مهدیقلی خان مخبرالسلطنه که در کابینه جدید به وزارت عدلیه منصوب شده بود این زمان حکومت فارس را برعهده داشت ولی پیش از آن که عازم حرکت به تهران شود تلگرافی از وزیر داخله - عین‌الدوله - به دستش رسید که از وی می‌خواست تا حل و فصل قضیه جنوب در مأموریت فارس باقی بماند.

مخبرالسلطنه در «خاطرات و خطرات» می‌نویسد: «مردم تنگستان پس از گرفتار شدن کنسول آلمان شب ۱۸ حوت علناً با سیاست و رفتار انگلیس اظهار مضادت می‌کردند. مشفقانه به کنسول انگلیس گفتم کنسول آلمان را برگردانید، این هیجان بخواید. نکردند. آلمان هم روز به‌روز پیشرفت می‌کند و مردم بر مضادت می‌افزایند. در این هنگام انگلیس بوشهر را قبضه کرد. روی تمبر ما چاپ کردند «Bushire under British occupation» (بوشهر در تصرف انگلیس!). بیطرفی را نه‌تنها شکستند، خرد کردند!

مستوفی در نظر داشت کسی را که وصلة طرفداری از این یا آن دولت درگیر جنگ به دامانش نخسبید و از قدرت و لیاقت کافی برای برقراری نظم و امنیت برخوردار باشد، در رأس وزارت داخله بگمارد و این

«ادامه دارد»

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۳۳)

کیهان لندن شماره ۱۲۱۴

احمد احرار

جدید جریان داشت. مطابق عرف پارلمانی، پس از تصویب دوسوم اعتبارنامه‌ها، مجلس شورای ملی رسمیت می‌یافت و می‌بایستی دولت استعفا کند و دولت جدید با رأی تمایل مجلس تشکیل شود. اکثریت مجلس تمایل به ابقای مستوفی‌الممالک در مقام ریاست دولت داشت. دربار نیز کسی را مناسبتر از مستوفی نمی‌دانست اما مستوفی که از تهران به وکالت مجلس انتخاب شده بود ترجیح می‌داد به مجلس برود و خود را از



میرزا حسین خان پیرنیا (مؤتمن‌الملک)

از همان ابتدای کار، صف خود را مشخص کرده و به دو گروه متشکل پارلمانی - دموکرات و اعتدالی - پیوسته بودند سفارتخانه‌های روس و انگلیس «متفقین» از یک سو و آلمان و عثمانی «متحدین» از دیگر سو در تلاش بودند این گروه‌بندی را در جهت منافع خود تقویت یا تضعیف کنند. پس از تعیین هیأت رئیسه مجلس شورای ملی، دموکرات‌ها سلیمان میرزا اسکندری و اعتدالیون سید محمدصادق طباطبائی را به رهبری برگزیدند. سفارت آلمان درصدد بود بین سلیمان میرزا و سید محمدصادق تفاهمی برقرار و زمینه را برای ائتلاف این دو گروه مهیا سازد. در صورتی که چنان ائتلافی صورت می‌گرفت دموکرات‌ها که در سیاست خارجی مخالف سرسخت متفقین بودند ابتکار عمل را به دست می‌گرفتند و دولتی بر سر کار می‌آمد که امکان داشت با نفوذ روس و انگلیس در ایران به مقابله برخاسته حتی با الغای بیطرفی، به‌نفع متحدین در جنگ موضعگیری کند. ایران، برخلاف عثمانی، ارتش مجهزی نداشت که دوشادوش سپاهیان دول متحده مرکزی و علیه متفقین وارد جنگ کند اما پیوستن این کشور به متحدین از لحاظ استراتژیک اهمیت زیاد داشت. اولاً راه برای مداخله آشکار و بدون منازع آلمان و عثمانی در سراسر خاک ایران گشوده می‌شد و این سرزمین به‌صورت پایگاه مهمی مورد استفاده متحدین قرار می‌گرفت. ثانیاً مردم ایران که اکثرًا مخالف روس و انگلیس بودند علیه این دو کشور تجهیز می‌شدند و تأسیسات سیاسی و اقتصادی آنان، از جمله صنایع نفت جنوب به‌خطر می‌افتاد. ثالثاً پلی که آلمان و عثمانی برای لشکرکشی به هندوستان بدان احتیاج داشتند در اختیارشان قرار می‌گرفت. رابعاً با وحدت ایران و عثمانی - تنها دو کشور مستقل اسلامی در آن زمان - افکار عمومی در قلمرو اسلام برانگیخته می‌شد و چنین پیشامدی به‌ویژه در افغانستان و هندوستان برای انگلستان فاجعه‌آفرین بود.

سفراتخانه‌های روس و انگلیس، در عین حال که می‌کوشیدند مانع ائتلاف دموکرات‌ها و اعتدالیون در مجلس شوند، مراقب فعالیت‌هایی بودند که در زمینه تشکیل دولت

درد سر زمامداری در چنان دوران پر آشوبی برهاند. همان روز که مؤتمن‌الملک به‌ریاست مجلس برگزیده شد، مستوفی الممالک برای تبریک گفتن به منزل او رفت و ضمناً اظهار داشت که به‌علت خستگی و کسالت مزاج تصمیم دارد وکالت مجلس را بپذیرد و از ریاست دولت کناره‌گیری کند. مؤتمن‌الملک در مذاکره با رؤسای فراکسیونها قضیه را مطرح کرد و متذکر شد که هرگاه خواستار ابقای مستوفی باشند لازم است پیش از آن که اعتبارنامه‌اش مطرح شود با او به مذاکره بپردازند و تصمیمش را عوض کنند. در غیر این صورت به فکر جانشینی برای مستوفی باشند. متعاقباً فعالیت شدیدی برای منصرف کردن مستوفی از کناره‌گیری آغاز شد. در همین حال اعتبارنامه نمایندگی مستوفی و دو عضو کابینه مستغفی وی (ذکاءالملک فروغی و حاجی محتشم‌السلطنه اسفندیاری) از تصویب گذشت و می‌بایستی که آنها بین وکالت و وزارت، یکی را انتخاب کنند.

از آنجا که نظر اکثریت بر ابقای مستوفی الممالک دایر بود، رؤسای فراکسیون‌ها و تنی چند از زعمای اکثریت و اقلیت به منزل مستوفی در «پنک» رفتند و از حوالی غروب تا نیمه‌شب با وی گفت و گو کردند تا رضایت او را برای باقی ماندن در رأس دولت به‌دست آوردند. مستوفی، استعفاي خود را از نمایندگی اعلام کرد و آماده تشکیل کابینه شد اما این خود، کار آسانی نبود. صرف نظر از آن که برای گزینش یک‌ایک وزرا مجبور بود با فراکسیون‌های مجلس به توافق برسد، سپردن پست‌های حساس کابینه به اشخاص مناسب، در چنان شرایط بحرانی، مستلزم چانه‌زنی بود و دشواری تشکیل دولت را دوچندان می‌ساخت. در همین گیر و دار، سربازان روسیه از یک سو و ارتش عثمانی از سوی دیگر، بی‌اعتنا به بیطرفی ایران، وارد آذربایجان شدند و به زد و خورد پرداختند. مستوفی در نظر داشت کسی را که وصلة طرفداری از این یا آن دولت درگیر جنگ به دامانش نخسبید و از قدرت و لیاقت کافی برای برقراری نظم و امنیت برخوردار باشد، در رأس وزارت داخله بگمارد و این

«ادامه دارد»

● سفر جنوب که صحبتش را می‌کنید بعد از مراجعت از اروپا و آمریکا بود، اینطور نیست؟

همینطور است. ما یک هفته قبل از عید نوروز به تهران بازگشتیم. پدرم قصد داشت بلافاصله پس از مراسم سلام نوروز برای چند روزی برود به شمال و قرار بود من هم با او بروم. در مراسم سلام که در کاخ گلستان برگزار شد اعلیحضرت فرمودند شما در سفر جنوب با ما خواهید بود. اعلیحضرت تشریف می‌بردند به خوزستان برای بازدید از تأسیسات نفتی و عملیات ساختمانی سد کرخه. روز هشتم فروردین رقتیم و پنج روز این سفر طول کشید. در راه مراجعت، کاغذی از علم رسید که اعلیحضرت خواندند و پس از خواندن، آن را ریز ریز کردند و آتش زدند. من با اعلیحضرت تخته می‌زدم. به‌شوخ می‌فرمودند در تهران کودتا شده است. محسن خان قراگزلو که برادر خانم علاء و رئیس تشریفات دربار بود افتخار ملازمت داشت. خواستیم تفریحی کرده باشیم. دستور دادند قطار سلطنتی متوقف شود و به محسن خان بگوئیم نصیری گزارش داده است در تهران کودتا شده و علاء را هم بازداشت کرده‌اند تا ببینیم چه حالی به او دست می‌دهد.

مرحوم علاء را ابتهاج و امینی و علم و انتظام و دیگران که معرکه‌گردان بودند برای نخست‌وزیری کاندیدا کرده بودند. علاء شخصاً علاقه به نخست‌وزیری نداشت و وزارت دربار را ترجیح می‌داد. به‌علاوه، وضع مزاجی او تعریفی نداشت. با مزه این که مخالفین پدرم میگفتند زاهدی بیمار است و توان اداره امور را ندارد در حالی که کاندیدی خودشان از پدرم مریض‌تر بود. به‌همین جهت هم بلافاصله بعد از تشکیل کابینه، انتظام را به‌عنوان کفیل نخست‌وزیری معرفی کرد و برای معالجه عازم پاریس شد. باری، برگشتیم به تهران. در ایستگاه راه‌آهن، پدرم از اعلیحضرت استقبال کرد و بعد از آن که اعلیحضرت تشریف بردند، من با پدرم در اتومبیل نشستیم. پدرم شمه‌ای از جریانات را برایم حکایت کرد و گفت که تصمیم دارد استعفا کند چون با این کارهایی که می‌شود، مخالف است. آنجا بود که من فهمیدم امینی و عبدالله انتظام هم در تحریکات دخالت مؤثر دارند. این هم برای من ضربه سختی بود. چون می‌دانستم پدرم با چه تعصبی از وزرای خود دفاع می‌کرد.

● روابط امینی با سپهبد زاهدی از کی شروع شد و چرا او را به وزارت دارایی تعیین کردند؟

پیش از این که به سؤال شما جواب بدهم باید کمی به عقب برگردم و از روابط خانوادگی خودمان بگویم. پدرم اخلاق مخصوصی داشت. اول این که هیچوقت محبت هیچ فردی را بی جواب نمی‌گذاشت و بی‌نهایت حق‌شناس بود. دوم این که بی‌اندازه به خانواده اهمیت می‌داد و در روابط خانوادگی متعصب و غیرتی بود. به‌همین دلیل علاقمند بود که روابط من با خانواده ماری نزدیک باشد. وقتی یک سال پیش از مراجعت به ایران میهمان پدرم بودم و از آمریکا به اروپا آمدم، پدرم مرا به پاریس برد به دیدار خانم منیر اعظم و قوام‌السلطنه و سایر خانواده قاجار که در پاریس بودند.

بنابراین وقتی به ایران آمدم پدرم از خانم عشرت‌السلطنه مادر بزرگم و مادرم خواسته بود که مرا با یکایک افراد خانواده آشنا کنند. از جمله با خانم فخرالدوله که خانم عزیز و بزرگوار بود دیدار داشتیم. وقتی مادر بزرگم که پدرم بی‌نهایت عاشق او بود، فوت کرد، خانم فخرالدوله و خانم عشرت‌السلطنه برای ختم او آمدند و خانم فخرالدوله ختم را برچید و این در پدرم اثر گذاشته بود. در حیات مادر بزرگم هم خانم فخرالدوله از او دیدار می‌کرد و این دید و بازدیدها در اغلب عیدها تکرار می‌شد.

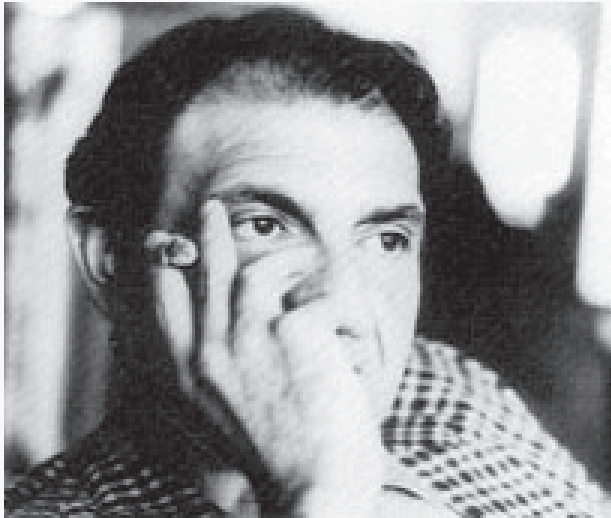
علی امینی در این خانواده اهل سیاست بود و برای دیدار پدرم می‌آمد. در وزارت کشور پدرم در دوران مصدق‌السلطنه با این که در آن وقت اعلیحضرت به ابوالقاسم امینی نظر خوبی نداشت پدرم او را به استانداری اصفهان به حضور شاهنشاه معرفی کرد. پس از استعفاي پدرم از

اردشیر زاهدی؛ خاطراتی از سفر آمریکا و انگلستان در ملازمت پادشاه و ملکه ایران (۴) :

استعفای پدرم از نخست‌وزیری و روی کار آمدن

دولت علاء

باز نشر



جلد اول خاطرات اردشیر زاهدی، وزیر پیشین امور خارجه و داماد محمدرضا شاه که اخیراً انتشار یافت مشتمل است بر یازده فصل، از کودکی تا پایان زمامداری پدر.

اردشیر زاهدی از دو خاندان سیاسی نسب می‌برد. پدرش سپهبد فضل‌الله زاهدی نخست‌وزیر و شخصیت سیاسی و نظامی دوره پهلوی بود و مادرش، دختر مؤتمن‌الملک (حسین پیرنیا) و نوه میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم عصر قاجار که در دوران صدارت وی فرمان مشروطیت ایران به امضا رسید.

زندگی اردشیر زاهدی یک زندگی پرماجرست و بخشی از این ماجراها در جلد اول کتاب خاطرات وی آمده است.

در بخش یازدهم کتاب، زاهدی از دورهٔ زمامداری پدرش سخن می‌گوید و نقشی که خود او، در ارتباط میان شاه و نخست‌وزیر برعهده داشت.

این بخش از کتاب را برای صفحه خاطرات و تاریخ برگزیده‌ایم که در چند شماره می‌خوانید.

یادآور می‌شویم که جلد اول خاطرات اردشیر زاهدی در ۷۶۴ صفحه با عکسهای متعدد و اسناد سیاسی توسط انتشارات IBEX در واشنگتن انتشار یافته است.

اعلیحضرت از این که شما سرلشکر هدایت و دکتر امینی را آورده‌اید به کابینه، ناراضی‌اند. ناگهان اوقاتش تلخ شد و پرخاش کرد که اجازه نمی‌دهم شما یا هر کس دیگری، از وزرای من تنقید کنید. من هم ناراحت شدم. به ابراهیم خان گفتم اتومبیل را نگهدار. ابراهیم خان رانندهٔ مورد اعتماد پدرم در وزارت کشور بود که وقتی نخست‌وزیر شد او را آورد به نخست‌وزیری و شد رانندهٔ نخست‌وزیر. ابراهیم خان زد کنار جاده و نگهداشت. من پیاده شدم و راه افتادم به طرف شهر. یادم هست که از یک

مختلف به من گوشه می‌زدند. چند تن از همفکران و دوستان پدرم هم از این انتصایات ناراضی بودند و نسبت به صمیمیت این افراد شک داشتند. باید شرافتاً بگویم که من هم در این مورد تحت تأثیر دیگران قرار گرفته بودم و این مطالب را در موارد مختلف به عرض پدرم می‌رساندم که یک موردش را بد نیست در همین جا بگویم. بالاخره اتفاقاتی که بعداً افتاد و تحریکات امینی و نیامدن او به فرودگاه بعد از استعفای پدرم، کدورتی پیش آورد که در سوئیس با واسطه شدن مرحوم نیکپور و احمد



خداحافظی سپهبد زاهدی با محمد رضا شاه پس از کناره‌گیری از نخست‌وزیری و چند لحظه پیش از عزیمت به ژنو برای تصدی پست سفارت ایران در دفتر نمایندگی اروپایی سازمان ملل

تشریفات رسمی برمی‌گشتیم و من لباس ژاکت به تن داشتم. اتومبیلهای اسکورت که از پشت سر می‌آمدند متوقف شدند و همه متعجب مانده بودند. اتومبیل مسافتی را آهسته به‌دنبال من آمد تا بالاخره پدرم شیشه را پایین کشید و مرا صدا زد و سوار شدم، اما به حالت قهر. پدرم با ملایمت گفت پسر، من می‌خواستم دکتر پیرنیا را وزیر دارایی کنم. دکتر امینی را به توصیه و اصرار تو وارد کابینه کردم در حالی که دوستانم اکثراً با او مخالف بودند و می‌گفتند این آدم قابل اعتماد نیست. اما حالا که وزیر کابینه من است وظیفه دارم از او دفاع کنم.

راجع به انتظام هم قبلاً گفتم که پدرم عصبانی بود که چرا مذاکرات سیاسی را اعلیحضرت بدون حضور وزیر امور خارجه انجام می‌دهند و از او نظرخواهی نمی‌کنند. به‌همین دلیل بود که وقتی از جریانات پشت پرده اطلاع پیدا کردم واقعاً خونم به‌جوش آمد. روز بعد رفته بودم به دربار، وارد اتاق محمدخان اکبر رئیس تشریفات که شدم دیدم انتظام و امینی و ابتهاج آنجا نشسته‌اند.

وهازاده و میلانچی علی را نزد پدرم آوردند و پدرم فرموده بودند که گذشته‌ها فراموش شد. از آمریکا که به ایران برمی‌گشتم بعد از سفارت اولم، به نوشهر رفتم و در آنجا اعلیحضرت مرا با امینی آشتی دادند و با هم به تهران آمدم. در فرودگاه قدس نخعی وزیر خارجه آمده بود، امینی آقایی کرد و گفت برویم منزل شما و با اتومبیل او سه نفری به ولی‌آباد رفتیم. در آنجا ضمن صحبتها، امینی با اشاره به نامه متبادل بین من و او، گفت وقتی حضور اعلیحضرت بودم و درباره نامه شما صحبت شد اعلیحضرت فرمودند سر بسر اردشیر نگذارید و با او شوخی نکنید، آدم با غیرتی است. این سخن دکتر امینی را بعدها مرحوم قدس نخعی که حضور داشته است تأیید کرد.

موردی که اشاره کردم این بود که در دوره نخست‌وزیری پدرم و وزارت دارایی دکتر امینی یک روز با پاپا از فرودگاه مهرآباد به شهر می‌آمدم. آن وقت هنوز فرودگاه جدید ساخته نشده بود و جاده کرج هم خیلی باریک بود. من در اتومبیل پدرم کنار ایشان نشسته بودم. گفتم

شایعه کودتا

● شایعه کودتا از کجاریشه می‌گرفت؟ علاء در تلگراف خود نوشته بود باتمانقلیچ می‌گویند زاهدی قصد کودتا دارد. من باور نمی‌کنم که باتمانقلیچ چنین چیزی گفته باشد. خدا می‌داند. شب قبل از استعفا، پدرم به من گفت اگر من قصد کودتا و یا جاروب کردن زیر پای شاه را داشتم در ۲۸ مرداد این کار را کرده بودم. اما نکردم چون علاوه بر این که شخص محمدرضا شاه را مثل فرزند خودم دوست دارم وجود شاه و رژیم پادشاهی را با توجه به وضع سوق‌الجیشی ایران، برای بقای کشور لازم می‌دانم. در فاصله ۲۸ مرداد تا مراجعت اعلیحضرت به کشور، بعضی رجال و شخصیت‌های کشور مثل تقی‌زاده و عدل‌الملک دادگر و نصرالملک هدایت توصیه می‌کردند در بازگرداندن شاه عجله نکنم و ایشان مدتی در خارج بمانند تا قدرت در دست دولت باشد و کارها سر و سامان بگیرد ولی من نپذیرفتم و گفتم این امانتی است که هرچه زودتر باید به صاحبش بازگردانم.

صبح پنجشنبه هفدهم فروردین آخرین جلسه هیأت وزیران به‌ریاست پدرم تشکیل شد. نخست‌وزیر استعفاي خود را اعلام داشت و ضمن وداع، به وزرا گفت با «کسب اجازه از حضور شاهانه برای معالجه به اروپا می‌روم. ما همه سربازان خدمتگزار میهن بوده‌ایم و هستیم و امیدوارم همه افراد در راه خدمت به مملکت توفیق حاصل کنند و نسبت به معظم‌له صدیق و وفادار باشند».

امینی و انتظام در آن جلسه بودند ولی به فرودگاه نیامدند. بعدها انتظام می‌گفت امینی باعث شد که من نیامم و امینی مدعی بود که انتظام مصلحت ندانست با وضعی که پیش آمده بود ما به جلسه خداحافظی و مراسم بدرقه بیاییم. بعد از استعفای پدرم، انتظام با او در سوئیس مکاتبه می‌کرد و می‌کوشید تقارهای گذشته فراموش شود.

بعد انتظام آمد به پاریس و با پاپا ملاقات کرد و پدرم رویش را بوسید و بعد پدرم گفت اردشیر، از تو خواهش می‌کنم که گذشته را فراموش کنی و من هم با او آشتی کردم و در دولت علاء که وزیر خارجه بود در بابلسر ترتیبی دادم که ناهار با اعلیحضرت بخورد. در مورد ریاست شرکت نفت او هم با اعلیحضرت و نخست‌وزیر صحبت کردم.

باری، همان روز عصر پدرم حرکت کرد به اروپا. مراسم بدرقه رسمی انجام گرفت. من خیلی ناراحت بودم، بی‌اختیار گریه می‌کردم. آنقدر آزرده خاطر بودم که تصمیم داشتم همراه پدرم بروم و با او در خارج بمانم و دیگر برنگردم. اما پدرم مرا نصیحت کرد و گفت جای تو اینجاست و باید در کنار اعلیحضرت باقی بمانی.

بعد از آن که از فرودگاه برگشتیم، اعلیحضرت تلفن فرمودند که باید شام خدمتشان باشم. هرچه عذر آوردم پذیرفته نشد. شب که رفتم به کاخ، اعلیحضرت خیلی محبت کردند. اعلیحضرت هم همینطور. سر شام فرمودند چرا گریه می‌کنی؟ پدرت خودش میل داشت کنار برود و برای ایشان کار مناسبی در نظر گرفته خواهد شد. تو هم هر وقت بخواهی می‌توانی بروی پدرت را ببینی و برگردی.

باری، همان روز که استعفای پدرم اعلام شد مرحوم علاء فرمان نخست‌وزیری گرفت و روز شنبه کابینه خود را معرفی کرد و روز یکشنبه برای معالجه به پاریس رفت. علم که در آن موقع وزیر کشور بود اصرار داشت من به‌عنوان کفیل وزارت کشور معرفی شوم و خودش به‌جای علاء برود به دربار. من گفتم هیچ‌گونه اشنایی با امور وزارت کشور ندارم. به‌علاوه شخصی مثل میرزا احمدخان فریدونی آنجا معاون است که عمری در وزارت کشور استخوان خرد کرده و وقتی می‌آمد به منزل مؤتمن‌الملک، مرا روی زانوی خودش می‌نشاند. برایم مشکل است که اشخاصی مثل او بنشینند زیر دستم و به آنها امر و نهی کنم. خوشبختانه چون علاء می‌خواست وزارت دربار را برای خودش نگهدارد و مقام برادر خانش محسن خان قراگزلو هم محفوظ بماند تمایلی به تغییر وزیر کشور نشان نداد و قضیه منتهی شد.

ادامه دارد

صفا هرنندی: نباید زرادخانه‌ها را تعطیل کنیم، آمریکا صدام را خلع سلاح کرد و عراق تسخیر شد!



محمد حسین صفا هرنندی از چهره‌های فعال امنیتی رژیم در دو دهه اخیر

عراق بودصدام حسین نیز در آن سال‌ها متهم به نگهداری و انبار سلاح‌های میکروبی و شیمیایی شده بود. از طرفی این اظهارات نشان می‌دهد دست‌کم سپاه یا در مورد سقوط صدام به جمع‌بندی مشترک نرسیده و یا در نظر دارد با همان روش به زور عضو سپاه پاسداران در سخنان ایران را «لطف خدا» دانسته و گفته «امروز برد سلاح‌های ایرانی به گونه‌ای است که می‌تواند اگر موشکی شلیک می‌شود، دقیقاً سر آن فرمانده را نشانه می‌رود».

اینکه صفا هرنندی شرایط امروز جمهوری اسلامی و فشار جامعه جهانی به خصوص آمریکا برای کنار گذاشتن آزمایش موشک‌های بالستیک، شرایط امروز ایران را با شرایط صدام در عراق پیش از لشکرکشی ایالات متحده به این کشور در سال ۲۰۰۳ مقایسه می‌کند در نوع خود قابل توجه است. «جنگ جنگ تا پیروزی»، از شعارهای اصلی انقلابیون از ابتدای انقلاب تا پایان جنگ ایران و

● «برای در امان ماندن از جنگ باید آرایش جنگی و آمادگی لازم را داشته و موشک‌ها را آماده کنیم.»
● «موشک‌های ایران دقیقاً سر فرمانده مقابل را می‌زنند.»

محمد حسین صفا هرنندی، مشاور امور فرهنگی فرمانده سپاه و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام وضعیت جمهوری اسلامی ایران را با شرایط صدام حسین مقایسه کرده و گفته «باید وسوسه کسانی که می‌گویند برای داشتن آرامش بیایید، زرادخانه‌ها را تعطیل کنید را قبول کنیم، چون کسانی مثل صدام قبل از ما این کار را کردند».

صفا هرنندی در سخنانی در جمع نیروهای سپاه تاکید کرده صدام حسین در آن زمان خودش سلاح‌ها و مراکز نظامی را نشان داده و آنها را خالی کرد و وقتی کارشناسان دیدند دست صدام از هر سلاحی خالی است، آمریکا که در واقع روسای این کارشناسان بود، گفت که الان وقت حمله است او خطاب به نیروهای سپاه در این نشست گفته «هدف از خلع سلاح حمله به کشور عراق بود و آن کشور را تسخیر کردند».

معاون پیشین روزنامه کیهان تهران مدعی شده «ما قبول داریم که نباید جنگ شود اما، منطقی این است که برای در امان ماندن از جنگ باید آرایش جنگی و آمادگی لازم را داشته و موشک‌ها را آماده کنیم».

صفا هرنندی با اشاره به اینکه برای حمله به هر شخصی، خلع سلاح نخستین گام است، گفت: «باید این فهم در کل جامعه تسری پیدا کند و اگر ما می‌خواهیم زندگی امن و امان

نایب رییس مجلس شورای اسلامی: لزوم دستورالعمل برای ورزشکاران و تیم‌های ورزشی مقابل تیم‌های اسرائیلی



راست: شجاعی و چپ: حاج صفی

مقابل تیم‌ها یا ورزشکاران اسرائیلی در ارتباط با ورزشکاران ایرانی یا تیم اسرائیلی دارند دستورالعملی تهیه و به فدراسیون‌های ورزشی ابلاغ کنند.

شورای عالی امنیت ملی دستورالعملی در ارتباط با ورزشکاران ایرانی یا تیم‌های ورزشی ایران و ایرانیان عضو تیم‌های خارجی در همه رشته‌ها

علی مطهری نایب رییس مجلس شورای اسلامی و از نماینده‌های علاقمند به فوتبال ایران و جهان در رابطه با جنگی که اخیراً به دنبال بازی مسعود شجاعی و حاج صفی بازیکنان تیم پانیونوس یونان برابر تیم مکابی اسرائیل اتفاق افتاد گفته است: پیام آقای احسان حاج صفی بازیکن تیم ملی فوتبال ایران در اذعان به ضرورت بازی نکردن در مقابل تیمی از کشور اسرائیل قابل تقدیر است.

وی افزود: روشن است که الزامات عضویت در یک تیم باشگاهی اروپایی ایشان را مجبور به شرکت در آن بازی کرده بود ولی او به خوبی می‌داند که بازی در مقابل چنین تیمی به معنای به رسمیت شناختن اسرائیل است.

علی مطهری گفته لایحه نظر مسعود شجاعی بازیکن دیگر تیم ملی فوتبال نیز همین است. بنابراین لازم است وزارت ورزش از طریق وزارت خارجه یا

مسعود شجاعی، ممنون از مهدوی کیا به خاطر ما اهانت شنید



پست مهدوی مهدوی کیا در اینستاگرام در حمایت از شجاعی و حاج صفی

مهدوی کیا با کاپیتان پیشین تیم ملی فوتبال ایران را به خاطر حمایت از او و حاج صفی تحسین کرده و در عین حال از وی به دلیل تحمل اهانت‌های به گفته او ناجوانمردانه عذرخواهی کرده است. مسعود شجاعی و حاج صفی در روزهای اخیر به علت حضور در بازی برگشت تیم‌های پانیونوس و مکابی اسرائیل هدف حمله و توهین از سوی روزنامه کیهان تهران و برخی افراد قرار گرفتند و محمدرضا داورزنی، معاون وزارت ورزش، آنها را تهدید به محرومیت از بازی در تیم ملی کرد. اما با ورود فیفا به ماجرا و سوال از فدراسیون فوتبال ایران در مورد دخالت دولت در رابطه با بازی شجاعی و حاج صفی مقابل اسرائیل وزارت ورزش ترجیح داد سکوت

مسعود شجاعی بازیکن تیم ملی فوتبال ایران و باشگاه پانیونوس یونان، مهدوی مهدوی کیا کاپیتان پیشین تیم ملی فوتبال ایران را به خاطر حمایت از او و حاج صفی تحسین کرده و در عین حال از وی به دلیل تحمل اهانت‌های به گفته او ناجوانمردانه عذرخواهی کرده است. مسعود شجاعی و حاج صفی در روزهای اخیر به علت حضور در بازی برگشت تیم‌های پانیونوس و مکابی اسرائیل هدف حمله و توهین از سوی روزنامه کیهان تهران و برخی افراد قرار گرفتند و محمدرضا داورزنی، معاون وزارت ورزش، آنها را تهدید به محرومیت از بازی در تیم ملی کرد. اما با ورود فیفا به ماجرا و سوال از فدراسیون فوتبال ایران در مورد دخالت دولت در رابطه با بازی شجاعی و حاج صفی مقابل اسرائیل وزارت ورزش ترجیح داد سکوت

یغما فشخامی روزنامه‌نگار و ترانه‌سرای منتقد بازداشت شد



یغما فشخامی، روزنامه‌نگار و ترانه‌سرا

مردم توسط شبکه‌های مجازی بود». این روزنامه‌نگار سوم دی ماه سال ۱۳۹۳ توسط اطلاعات سپاه بازداشت شده بود و پس از تحمل حدود چهار ماه حبس ۲۴ فروردین سال ۱۳۹۵ آزاد شد.

فشخامی در روزنامه‌های «روزان» و «توسعه» سابقه فعالیت دارد و با مجله «پیام ابراهیم» که مدیر مسوول آن اعظم طالقانی است نیز همکاری نزدیک داشته است.

● موج تازه‌ای از دستگیری روزنامه‌نگاران در تهران به راه افتاده.

● یغما فشخامی پیش از این نیز سابقه بازداشت داشته است.

یک هفته پس از دستگیری ساسان آقایی معاون سردبیر روزنامه اعتماد، یغما فشخامی یکی دیگر از روزنامه‌نگار در تهران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

گزارش‌ها حاکی از آن است که این روزنامه‌نگار ساعت ۱۹ بعد از ظهر روز دوشنبه ۳۰ مرداد در تحریریه وبسایت خبری «دیدهبان ایران» مشغول کار بوده که نیروهای امنیتی وارد دفتر شده و او را دستگیر می‌کنند. ماموران لپ‌تاپ و تلفن همراه یغما فشخامی را نیز ضبط کرده و با خود برده‌اند. گفته می‌شود ماموران پس از دستگیری وی به منزل او نیز مراجعه کرده‌اند.

اتهام این روزنامه‌نگار و ترانه‌سرا مشخص نیست، اما گفته شده ماموران امنیتی از طرف دادسرای شعبه ۲

اختیار کند و فدراسیون فوتبال نیز در پاسخ نامه فدراسیون جهانی فوتبال نوشت، این دو فوتبالیست محروم نشده‌اند. به دنبال سخنان داورزنی درباره محرومیت شجاعی

وزیر ورزش:

پایان حاکمیت مردسالارانه در ورزش ایران



مسعود سلطانی فر

خود من پای کار هستم و تلاش می‌کنم این مسأله هر چه زودتر عملی شود و اصرار دارم صیانت حرفه‌ای و اخلاقی شامل تمام موارد از ساخت و ساز تا انتصاب و مدیریت بخش‌ها، استادبوم‌ها، اردوها، تماشاگران و حتی لیدرها و رفتار کادر فنی و تمام افراد دخیل در ورزش باشد.

وی تاکید کرد: تمام مسائل فدراسیون‌های ورزشی بایستی قانونمند باشد و رئیس فدراسیون حتما پاسخگوی همه موارد مربوط به فدراسیون در مقابل رسانه‌ها و مردم و مسئولان خواهد بود. او از معاون قهرمانی وزارتخانه خواست جلسات ستاد عالی بازی‌های المپیک و آسیایی به طور منظم برگزار شود و کلیه نیازهای فدراسیون‌ها، نظارت و ارزیابی برنامه‌های آنها مد نظر باشد و هدف‌های ورزش کشور برای بازی‌های اندونزی و المپیک توکیو به طور مداوم در دستور کار قرار داشته باشد. او یادآور شد میانگین سن مدیران ورزش ایران را بین ۸ تا ۱۰ سال جوانتر می‌کنیم و هدف کادرسازی برای ده سال آینده ورزش ایران است.

او ادامه داد: اولویت وزارت ورزش و جوانان ایجاد یک فضای جدید و شاداب در مدیریت ورزش ایران است. سلطانی‌فر استفاده از

● سلطانی فر: مدیریت ورزش شهرستان‌ها را به خانم‌ها می‌سپاریم.

● «در تعداد فدراسیون‌ها تجدید نظر می‌کنیم.»

مسعود سلطانی‌فر، وزیر ورزش کابینه حسن روحانی که با رای اعتماد بالایی نماینده‌ها در سمت خود ابقا شده است این هفته در اجلاس معاونان این وزارتخانه گفت: فعال شدن اقتصاد مرتبط با ورزش و جوانان و بحث خصوصی سازی، ایجاد اشتغال و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی، راه‌اندازی تشکیلات جدیدی تحت عنوان مرکز اقتصادی ورزش، توسعه و سرمایه‌گذاری از برنامه‌های وزارت ورزش خواهد بود.

در ضمن حوزه جوانان از ورزش جدا نخواهد شد و همه معاونت‌ها و ادارات کل استانی در قبال برنامه‌های جوانان مسئولیت دارند و بایستی پیش‌بینی کار ویژه‌ای را برای آنها داشته باشیم. وی افزایش دفاتر مشاوره ازدواج و ایجاد چهار هزار و پانصد خانه ورزش در روستاها را از جمله برنامه‌های مهم این وزارتخانه ذکر کرد و گفت: یکی از ملاک‌های اصلی ارزیابی من از کار مدیران، برنامه‌های آنان در بخش جوانان است.

وی افزود: در موضوع مقابله با فساد

همه قابل فهم باشد. محمص با ابوالقاسم سعیدی، حسین زنده‌رودی، سهراب سپهری و پرویز تناولی در دهه چهل همکاری‌های گروهی داشته است. بسیاری از مجسمه‌های شهری او پس از انقلاب نابود شدند یا آسیب دیدند، او نیز باقی کارهای خود را که در ایران ساخته بود از بین برد و اثری از آنها بر جای نگذاشت.

به گفته‌ی آیدین آغداشلو، نقاشی‌های محمص «آدم‌های مرده و پرنده‌های مرده و بطری‌های مرده و سیب‌های مرده، جامد و خاموش؛ در ساحل دریایی غلیظ و تیره و ایستا هستند که تاریخ را نظاره می‌کنند.»

● **جلوگیری از نمایش فیلم «فی فی» از صفحه ۵**

مستند «فی فی» از خوشحالی زوزه می‌کشد» جوایز متعدد جهانی به دست آورده و حقایقی از زندگی یک هنرمند گوشه‌گیر را در معرض دید تماشاگران قرار می‌دهد که رازهایی از جمله همجنس‌گرا بودنش و عقاید و نظراتش راجع به زندگی را بیان می‌کند.

«فی فی» از خوشحالی زوزه می‌کشد» نام تابلویی از بهمن محمص است که هیچگاه حاضر به فروش آن نشد. میترا فراهانی، سازنده این فیلم مدت‌ها در پی بهمن محمص بود تا درباره او فیلمی



از درون صندوق بیرون آوردند. پس از رئیس جمهور شدن خاتمی، روندی که ابتدا در «مرکز تحقیقات استراتژیک» و سپس در حلقه‌ی آیین پیاده شده بود، در بی‌شمار روزنامه‌ها و نشریات اصلاح‌طلبان در قطع وسیع - گرچه شاید بیشتر با جنبه‌ی هیجانی و نه با آن دقت علمی - به کار گرفته شد. مهم‌ترین این نشریات «صبح امروز»، «آفتاب امروز»، «عصر آزادگان»، «خرداد»، «نشاط»، «توس» و «جامعه» بودند که کادر همه تقریباً یکسان بود. چهره‌های شاخص این جریان رسانه‌ای اکبر گنجی و مسعود بهنود بودند که در اکثر این روزنامه‌ها می‌نوشتند.

میراث راهبردی «مرکز تحقیقات استراتژیک» بعدها در قالب انواع و اقسام لابی‌های رژیم در آمریکا و کانادا از جمله «تاباک»، لابی هوشنگ امیراحمدی، لابی صادق خرازی و جواد ظریف و چند نفر دیگر موسوم به «نیویورک بویز» (New York Boys)، و «بنیاد علوی» که اخیراً به حکم دادگاه فدرال به جرم پولشویی برای رژیم جمهوری اسلامی مصادره گردید به کار گرفته شد. این جنبه‌ی کار هدفش دولت‌ها و افکار عمومی خارج از ایران بود. جنبه‌ی دیگر میراث مرکز، یعنی مهندسی افکار عمومی مردم ایران هم توسط رسانه‌های فارسی‌زبان دولت‌های انگلیس و آمریکا که تحت نفوذ رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند پیش برده شده - و می‌شود. یعنی رسانه‌هایی که قرار است به خرج جیب شهروندان غربی مبلغ ارزش‌های دموکراتیک در ایران باشند، عملاً تبدیل شده‌اند به بلندگوی ضد این ارزش‌ها و عملاً در خدمت سیاست‌های اسلامگرایانه و تروریستی رژیم ولایت فقیه در لندن و واشنگتن.

بدین ترتیب، قصد «مرکز مطالعات استراتژیک» از نگارش چنان مقالات و پیش‌انداختن چنان مقولاتی به نظر نمی‌رسد اجرایی کردن آن مطالعات کارشناسی در سطح جامعه بوده باشد، چرا که اگر چنین می‌بود امروز حداقل ذره‌ای از نتایج مثبت‌اش را مشاهده می‌کردیم. به عوض، نتیجه‌ی عملی چنین تلاش‌هایی این بود که از یک طرف در باغ سبزی شد برای نخبگان ایرانی و ایرانی‌تبار - همان «فرار مغزها» - تا جذب گفتمان حکومتی شده و لزوم «عبور از نظام» را فراموش کنند؛ و از طرف دیگر برای آمریکا و اروپا و به طور کلی جهان آزاد نیز این توهم را به وجود آورد که جمهوری اسلامی «اصلاح‌پذیر» است و بنابراین باید در مذاکره با باز گذاشت و مدام به «جناح معتدل» امتیاز داد تا رژیم راه «گلاسنوست» (شفافیت) و «پرسترویکا» (علنیّت) در پیش بگیرد.

کاری که رژیم از طریق «مرکز تحقیقات استراتژیک» کرد در حقیقت مهندسی افکار عمومی در دو سطح داخلی و بین‌المللی بود؛ و بدین ترتیب بیمه کردن عمر «نظام» برای دو دهه بیش از آن چیزی که چوب‌خط داعشی‌اش اجازه می‌داد. در باب اینکه چطور جمهوری اسلامی با استفاده از «مرکز تحقیقات استراتژیک» توانست «پوزسیون» را دور بزند و عملاً برای دو دهه آن را از دور خارج کند اینجا چیزی نمی‌گوییم، که خودش مقاله‌ای مفصل می‌طلبد. اینک، ظهور ترامپ امکان هرگونه لابی‌گری برای رژیم و بهره‌برداری از مزایای لابی‌گری برای وابستگان رژیم را فعلاً از بین برده - و به همین دلیل است که می‌بینیم «روشنفکران» مدام به ترامپ فحش می‌دهند. انحلال «مرکز تحقیقات استراتژیک» تنها یکی از تبعات تغییر سیاست آمریکا نسبت به رژیم ولایت فقیه است. تغییر بنیادین هنوز در راه است و دور نیست که فرارسد.

علی اکبر هاشمی رفسنجانی در اوج قدرت



«مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری»

پروژه‌های امنیتی که عمر «نظام» را دو دهه بیمه کرد

موسوی خوینی‌ها و بسیاری از «خط امامی‌ها» از مرکز تحقیقات جدا شوند و به راه خود بروند. به گفته‌ی حجاریان، وی و بهزاد نبوی تا زمانی که خاتمی به ریاست جمهوری رسید در مرکز ماندند و به همکاری با هاشمی رفسنجانی ادامه دادند. در آن زمان هاشمی رفسنجانی، حسن روحانی را به ریاست مرکز منصوب کرد؛ ریاستی طولانی که تا هنگام رئیس‌جمهور شدن روحانی ادامه داشت.

پس از کوچ دسته‌جمعی ایدئولوگ‌های «خط امام» از «مرکز» نشان می‌دهد که مقالات همه در قالب مطالعات کارشناسی با اسلوب و دیسپلین علمی حرفه‌ای به نگارش درآمده‌اند. الگوی این مقالات به نظر مقالات کارشناسی در اندیشه‌ها و نشریه‌های مشهور آمریکایی همچون «سیاست خارجی» (Foreign Policy) باشد که قشر نخبیه‌ی سیاسی را هدف قرار می‌دهد، و بنابراین در ایجاد خط و ربط سیاسی و سیاست‌گذاری بسیار موثر است. برخی از این مقولات مورد مطالعه در نشریات رسمی «خط امام» همچون روزنامه‌ی «سلام» (روزنامه‌ی موسوی خوینی‌ها به سردبیری عباس عبدی) و هفته‌نامه‌ی «عصر ما» (ارگان رسمی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) هم منتشر می‌شد. بدین ترتیب می‌توان چنین گفت که اگر «حلقه‌ی کبان» به زعامت عبدالکریم سروش و سید محمد خاتمی در آن سال‌ها بال فرهنگی - مذهبی «خط امام» بود، «مرکز تحقیقات استراتژیک» بال سیاسی‌اش محسوب می‌شد.

به هر روی، پس از آنکه هاشمی در دور بعدی انتخابات ریاست جمهوری هم فاتح بلامنازع شد، با توجه به اینکه در آن انتخابات «جمع روحانیون مبارز» از وی حمایت کرده بود، تمایل وی به «جمع روحانیت مبارز» - به اصطلاح «جناح راست» - بیشتر شد و در مقابل به «خط امام» کم‌توجهی و بی‌مهری پیشه کرد. این امر باعث شد که

مرکز به نام «راهبرد» می‌تواند شمه‌ای از دغدغه‌ها و شیوه‌ی کار آن را به ما بنمایاند. من سال‌ها پیش - در آغاز دوره‌ی اول ریاست جمهوری خاتمی - تعدادی از شماره‌های این نشریه را خوانده بودم. چند سال پیش که سری به صفحه‌ی راهبرد در وبسایت جدید این مرکز زدم - که دیگر زیرمجموعه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام به مدیریت مسئولی علی اکبر ولایتی شده بود - متوجه شدم که از شماره‌ی ۱ (بهار ۱۳۷۱) تا شماره‌ی ۱۷ (زمستان ۱۳۷۸) نشریه از دسترس عموم خارج شده است. با این وجود سرفصل‌های مقاله‌ها کماکان موجود بود، و همان‌ها برای منظور ما کافی است. در اینجا سرفصل‌های برخی مقالات شماره‌های ۱ (بهار ۱۳۷۱) تا ۶ (بهار ۱۳۷۴) را می‌آورم که حدوداً دوره‌ی سیادت «خط امام» بر مرکز بود.

سرفصل‌هایی چون «تلقی آکادمیک از توسعه‌ی سیاسی»، «جامعه‌شناسی تحقیقات اجتماعی در ایران»، و «خصوصیات نظام آموزشی کشورهای در حال توسعه» (بدون ذکر نام نویسنده، شماره‌ی ۱، بهار ۱۳۷۱)، «ناموزونی فرایند توسعه‌ی سیاسی در کشورهای پیرامونی» (سعید حجاریان) (شماره‌ی ۲، زمستان ۱۳۷۲)؛ «مسأله‌ی مشروعیت سیاسی» (سعید حجاریان)، «ملاحظات اساسی در سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران» (علیرضا علوی‌تبار)، «دین و قشربندی اجتماعی» (عماد افروغ)، «هزینه‌های دگرگونی اجتماعی» (استیون ویگو، ترجمه‌ی عماد افروغ) (شماره‌ی ۳، بهار ۱۳۷۳)؛ «نظریه‌های دولت در فقه شیعه» (محسن کدیور)، «احکام حکومتی و مصلحت» (سیدالله صرامی)، «تحلیل طبقاتی و دیالکتیک‌های نوسازی در خاورمیانه» (جیمز بیل، نقد و ترجمه‌ی عماد افروغ)، «فقر و سیاست‌های تعدیل ساختاری در ایران» (علیرضا علوی‌تبار)، «تاملی بر حقوق بشر» (امیرحسین رنجبریان)، و «ضمانت اجرایی قانونی در حقوق

دوره‌ی اول ریاست جمهوری‌اش به عنوان مرکزی وابسته به نهاد ریاست جمهوری تشکیل شد. مدیریت مرکز به سیدمحمد موسوی خوینی‌ها، پدر معنوی «خط امام» و از اعضای با نفوذ «مجمع روحانیون مبارز»، تفویض شد. این مرکز از چند «معاونت» مجزا تشکیل می‌شد که مهم‌ترین‌اش «معاونت سیاسی» بود. شاخص‌ترین اعضای معاونت سیاسی سعید حجاریان، عباس عبدی، و علیرضا علوی‌تبار بودند. عطاالله مهاجرانی (که به هاشمی نزدیکتر بود تا به «خط امام»)، مصطفی تاجزاده، بهزاد نبوی، محسن کدیور، محسن سازگارا، محسن امین‌زاده، محسن آرمین و هاشم آغاچری هم با مرکز همکاری می‌کردند.

مرد در سایه‌ی این مرکز حسین بشیریه، نظریه‌پرداز و استاد علوم سیاسی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بود که حجاریان و بسیاری از اعضای مرکز زیر دست او آموزش دیدند و پرورش یافتند. ظاهراً بعدها در دوران احمدی‌نژاد بشیریه مشمول «انقلاب فرهنگی دوم» گردیده از دانشگاه تهران اخراج شد. بسیاری از «روشنفکران» و «نویسندگان» و «دانشگاهیان» آمریکانشین و کانادانشین و اروپانشین هم در برهه‌ای از زمان با این مرکز همکاری داشته‌اند، و طبیعتاً از رانت و مزایای فراوانش بهره برده و بعضاً هنوز هم می‌برند - «تحقیقات علمی» و «مقالات ژورنالیستی» و «برنامه‌های فرهنگی» و غیره و ذلک در دفاع از رژیم در غرب عموماً از همین آبخشور تغذیه می‌شوند.

مطابق اساسنامه‌ی مرکز، وظیفه‌ی «مرکز تحقیقات استراتژیک» ریاست جمهوری انجام پژوهش‌های بنیادی و تدوین نظریات کارشناسی و ارائه‌ی راهبردهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی درباره‌ی مسائل روز کشور به رئیس‌جمهور بود. از آنجا که دسترسی به اسناد و مکاتبات داخلی این مرکز تقریباً غیرممکن است، نگاهی به محتویات نشریه‌ی عمومی

دوره‌ی اول ریاست جمهوری‌اش به عنوان مرکزی وابسته به نهاد ریاست جمهوری تشکیل شد. مدیریت مرکز به سیدمحمد موسوی خوینی‌ها، پدر معنوی «خط امام» و از اعضای با نفوذ «مجمع روحانیون مبارز»، تفویض شد. این مرکز از چند «معاونت» مجزا تشکیل می‌شد که مهم‌ترین‌اش «معاونت سیاسی» بود. شاخص‌ترین اعضای معاونت سیاسی سعید حجاریان، عباس عبدی، و علیرضا علوی‌تبار بودند. عطاالله مهاجرانی (که به هاشمی نزدیکتر بود تا به «خط امام»)، مصطفی تاجزاده، بهزاد نبوی، محسن کدیور، محسن سازگارا، محسن امین‌زاده، محسن آرمین و هاشم آغاچری هم با مرکز همکاری می‌کردند.

مرد در سایه‌ی این مرکز حسین بشیریه، نظریه‌پرداز و استاد علوم سیاسی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بود که حجاریان و بسیاری از اعضای مرکز زیر دست او آموزش دیدند و پرورش یافتند. ظاهراً بعدها در دوران احمدی‌نژاد بشیریه مشمول «انقلاب فرهنگی دوم» گردیده از دانشگاه تهران اخراج شد. بسیاری از «روشنفکران» و «نویسندگان» و «دانشگاهیان» آمریکانشین و کانادانشین و اروپانشین هم در برهه‌ای از زمان با این مرکز همکاری داشته‌اند، و طبیعتاً از رانت و مزایای فراوانش بهره برده و بعضاً هنوز هم می‌برند - «تحقیقات علمی» و «مقالات ژورنالیستی» و «برنامه‌های فرهنگی» و غیره و ذلک در دفاع از رژیم در غرب عموماً از همین آبخشور تغذیه می‌شوند.

مطابق اساسنامه‌ی مرکز، وظیفه‌ی «مرکز تحقیقات استراتژیک» ریاست جمهوری انجام پژوهش‌های بنیادی و تدوین نظریات کارشناسی و ارائه‌ی راهبردهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی درباره‌ی مسائل روز کشور به رئیس‌جمهور بود. از آنجا که دسترسی به اسناد و مکاتبات داخلی این مرکز تقریباً غیرممکن است، نگاهی به محتویات نشریه‌ی عمومی

● پس از مرگ خمینی، بخشی از جمهوری اسلامی متوجه شده بود با آن شیوه‌های داعشی دهه‌ی شصت - یعنی خشونت آشکار علیه مردم ایران و دشمنی آشکار با آمریکا و اروپا و همسایگان - رژیم نمی‌تواند چندان دوام پیدا کند.

● مرکز تحقیقات به دستور مرد قدرتمند دهه‌ی هفتاد، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، کمی قبل از آغاز دوره‌ی اول ریاست جمهوری‌اش به عنوان مرکزی وابسته به نهاد ریاست جمهوری تشکیل شد.

● شعارها و رادیکالیسم ابتدایی اصلاح‌طلبان حکومتی باعث شد بسیاری از مردم و روشنفکران به جریان اصلاحات گرایش پیدا کنند.

● کاری که رژیم از طریق «مرکز تحقیقات استراتژیک» کرد، مهندسی افکار عمومی در دو سطح داخلی و بین‌المللی بود و بیمه کردن عمر «نظام» برای دو دهه بیش از آن چیزی که چوب‌خط داعشی‌اش اجازه می‌داد.

رضا پرچی‌زاده - سه‌شنبه ۳۱ مرداد ۱۳۹۶ محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، خیراز انحلال «مرکز تحقیقات استراتژیک» مجمع داد. در میان انبوه اخبار حوادث سیاسی و تروریستی در ایران و جهان، موضوع انحلال این مرکز مهجور شاید چندان مهم به نظر نرسد. با این وجود، واکنش ریشه‌ها، اهداف و کارکرد این مرکز از ضروریات سیاسی ایران معاصر است، چرا که این مرکز و محصولاتش در طول بیش از دو دهه یکی از اصلی‌ترین عوامل امتداد حیات رژیم جمهوری اسلامی بوده است. ایده‌های «اتاق فکر»، «مهندسی افکار عمومی»، و «لابی‌گری» در جمهوری اسلامی از همین «مرکز تحقیقات استراتژیک» نشأت می‌گیرند؛ ایده‌هایی که بعدها به تدریج به بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا، رادیو فردا، و لابی‌های رژیم در اروپا و آمریکای شمالی نیز تزریق شدند.

چنانکه قبلاً گفته‌ام، پس از مرگ خمینی، بخشی از جمهوری اسلامی که متوجه شده بود با آن شیوه‌های داعشی دهه‌ی شصت - یعنی خشونت آشکار علیه مردم ایران و دشمنی آشکار با آمریکا و اروپا و همسایگان - رژیم نمی‌تواند چندان دوام پیدا کند، به صرافت افتاد تا با کمک چپ‌ها و اسلامگرایان خارج‌نشین، از جمله ملی‌مذهبی‌ها - که با وجود درس‌خوانده بودن و کت و شلوار و کراواتی بودن کماکان دل در گروی «اسلام عزیز» دارند - دستی به سر و روی اسلامگرایی بکشند و به اصطلاح آن را «وجاهت» داخلی و بین‌المللی بخشند. «مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری» مولود دغدغه‌ی مشترک اسلامگرایان داخل و خارج برای بزک کردن نظام داعشی جمهوری اسلامی به منظور جلوگیری از سقوط رژیم است.

مرکز تحقیقات به دستور مرد قدرتمند دهه‌ی هفتاد، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، کمی قبل از آغاز